کتاب

زبور داود پیغمبر

کتاب

زبور داود پیغمبر

که از زبان اصلي عبراني بزبان فارسي

از دست ویلیام گلن کشیش انگلیسی

ترجمه کرده شده است

بفرمان المجمع المشهور به

بیبل سوسیتی

ودر مطبع خانهٔ رچارد واطس در دار السلطنت

لندن مطبوع گردید

۱۸۳۰

سنه

مسیحیه

زبور داود بنامه

زبور اول

١ خوشا حال آنکسیکه در مشورت شرایر نرود ودر راه گناه
کاران نه ایستد وبر مجلس استهزا کنندگان ننشیند
٢ * لیکن بهجت او در شریعت خداوند است که روز
٣ وشب در شریعتش بیندیشد * وخواهد بود مثل
اشجاریکه بر کنار رودخانهای آب کاشته شده است که
میوه ٔ خودش را در زمانش خواهد داد وبرگش پژمرده
٤ نخواهد گردید وهر چه بعمل آورد نیکو خواهد بود * امّا
٥ اشرار مانند نیستند ومثل کاهیکه باد اورا ببرد * از
آنرو اشرار در حکم وگناه کاران باجماعت صدّیقان
٦ نخواهند ایستاد * زیراکه خداوند طریق صدّیقان را عالم
است امّا راه اشرار تباه خواهد شد

زبور دویم

۱ چرا طوایف هنگامه مینمایند و مردمان خیال باطل میکنند.
۲ *پادشاهان زمین مقاومت مینمایند و حکام باهم مجتمع
۳ میکردند بر خلاف خداوند و خلاف مسیحش *قیدهای
ایشانرا پاره پاره بکنیم و ریسمانهای ایشان را از خود
۴ بیندازیم *آنکسی که در آسمان ها ساکن است تبسم
۵ خواهد نمود و خداوند ایشان را استهزا خواهد کرد *آنگاه
در غضب خود آنهارا تکلم خواهد نمود و در قهر خود
۶ ایشان را مضطرب خواهد کرد *لیکن من پادشاهم را
۷ بر کوه صیهون مقدس خود نصب کردم *حکم را مشهور
خواهم نمود که خداوند مرا گفت که فرزند من توئی امروز
۸ ترا تولید کردم *از من سوال کن وقبایل را بهم تا
۹ آنکه میراث تو و حدود زمین چون ملک تو باشد *تو
باعصای آهنین ایشانرا خواهی شکست و مثل کوزه
۱۰ کوزه گر ایشان را پاره پاره خواهی نمود *الحال هوشمند
باشید ای پادشاهان وآموزیده شوید ای حکام زمین

۱۱ * خداوندرا باخشوع عبادت نمائید و بارتعاش شادمان
۱۲ باشید * فرزندرا ببوسید تا آنکه غضبناک نشود وراه گم نکنید زیراکه غضبش عنقریب شعله ور خواهد شد خوشا حال همه کسانی که بوی توکل نمایند

زبور سیم

زبور داود در هنگام گریختن او از دست پسرش ابشلوم

۱ ایخداوند اعدای من چه بسیار گردیدند بسا کسانی
۲ که بضد من بر میخیزند * وکسان بسیاری بجهة جانم
۳ میگویند که از خدا خلاصی برای او نیست سله * اما ایخداوند سپر از جهة من وجلال من وفرازنده فرق
۴ من توئی * باواز خود خداوندرا فریاد نمودم وازکوه
۵ مقدس خود مرا استجابت نمود سله * من خوابیدم
۶ وغنودم وبیدار شدم زیراکه خداوند مرا نصرت کرد * از کثرت الوف خلایق بر ضد من که گردا گرد مرا احاطه
۷ میکنند نخواهم ترسید * ای پروردگار قایم شو وای خدای من مرا نجات بده بدرستیکه جمله دشمنان مرا بر

۸ استخوان زنخ زدی و دندانهای اشرار را شکستی * خلاصی
از آن خداوند است و برکت تو با خلق تست سله

زبور چهارم

سالار مغنیان بر تارهای ریسمانی مزمور داود

۱ در حین خواندن من مرا استجابت کن ای خدای راستی
من و در تنگدستی بمن کشادگی عطا فرمودی بمن رحم
۲ کن و دعای مرا بشنو * ای فرزندان آدم تا بکی جلال
مرا بعز نامی خواهید گردانید و دوست بطالت را میدارید
۳ و کذب را میجوئید سله * و بدانید که خدا اهل تقوی را از
جهته خود برگزیده است خداوند خواهد شنید چون
۴ من اورا بخوانم * ارتعاش کنید و گناه مکنید و بر بستر
خود در دلهای شما تفکر نمائید و نیز خاموش باشید سله
* قربانیهای راستی را ذبح سازید و بخدا امیدوار شوید
* بسا کسانی که میگویند کیست آن شخص که
خوبی را بما اظهار خواهد نمود نور چهره خود را بر من
درخشان بگردان * ایخداوند تو خوشنودیرا بدلم انعام

فرمودی از هنگامیکه دانهٔ ایشان وشیرهٔ شراب
۸ ایشان زیاده بوده است * من بآرامی هم بخوابم وهم
بغنوم زیراکه تو ای رب وحید مرا در اعتقاد ساکن
میگردانی

زبور پنجم سالار مغنّیان بر سُرنای مزمور داود

۱ ایخداوند بسخنهای من گوش بده واندیشهٔ مرا تأمل
۲ بکن * آواز فریاد مرا استماع بنمای ای پادشاه من
۳ وایخدای من زیراکه بتو استدعا خواهم کرد * خداوندا
صبحدم آواز مرا خواهی شنید وصبحدم در حضور تو آماده
۴ خواهم شد وانتظار خواهم کشید * زیراکه تو نیستی آنخدائی
که شررا دوست داشته باشی وبدی در حضور تو قرار
۵ نخواهد گرفت * ابلهان در پیش نظر تو نخواهند
۶ ایستاد همه فساد کننده گانرا بغض مینمائی * دروغ
گویانرا هلاک خواهی کرد خداوند آدم سفّاک
۷ وفریبنده را تنفّر خواهد نمود * امّا من از بسیاری رحمت
تو بخانه ات خواهم در آمد ودر هیکل مقدّس تو از

۸ ترس تو سجده خواهم کرد * از جهت دشمنانم ای
خداوند در صداقت خود مرا راهنمائی کن وراه ترا
۹ پیش روی من راست گردان * زیراکه وفاداری در
دهن ایشان نیست واندرون ایشان از شرایر پر
است گلوی ایشان (مانند) قبر باز است آنها بزبان
۱۰ چاپلوسی می نمایند * ای خدا ایشان را الزام بفرما که ایشان
از مشورات خود فرو افتند وآنهارا از جهت بسیاری
جرایمشان دور گردان زیراکه بر خلاف تو معصیت
۱۱ کردند * امّا آنانیکه بتو اعتقاد مینمایند جملگی خوشنود
بشوند ودایم بسرایند وبایشان حمایت بفرمای وآنانی که
۱۲ نام ترا دوست دارند ابتهاج در تو بدارند * زیراکه تو
ای خداوند صدیق را خوشحال خواهی گردانید وبرحمت
چون سپر اورا احاطه خواهی کرد

زبور ششم

سالار مغنّیان در تارهای ریسمانی بر هشتمین تار مزمور داود
۱ خداوندا در خشم خود مرا عتاب مکن ودر قهرت مرا

٢ تغنیه منها * خداوندا مرا رحمت کن زیراکه من ضعیفم
٣ وبمن شفا بخش زیراکه استخوانهایم مضطربند * وجان
من بسیار در اضطرابست وتو ای خداوند تا بکی
٤ * خداوندا عودنما وجان مرا خلاص کن واز سبب رحمت
٥ خود مرا نجات بده * زیراکه ذکر تو در مردگان نیست
٦ وکیست که ترا در قبر حمد خواهد نمود * از نالش
نمودن خود مانده ام تمامی شب بسترم را جاری میکنم
٧ از اشک با سرشک فراشم را تر خواهم ساخت * از
اضطراب چشمم خورد شده بسبب دشمنانم کهنه میگردند
٨ * ای بدکاران از من دور شوید زیراکه خداوند آواز
٩ گریهٔ مرا شنیده است * خداوند تضرّع مرا شنید خداوند
١٠ دعای مرا مستجاب کرد * که جملهٔ دشمنان من
بسیار شرمنده شوند ومضطرب گردند وبرگردانیده شوند
وعنقریب تشویش بیابند

زبور داود

زبور هفتم

سرود داود که او از سخنهاي کوش بن يميني بخداوند
مي سرود

۱ اي خداوند واله من بتو متوکلم بمن نجات بده از همه
۲ تعدّي کنندگان من ومرا آزاد بکن * مبادا چون شير
۳ درنده جان مرا ربايد که رهاننده نباشد * اي خداوند
والهٔ من اگر اين را بعمل آورم واگر فساد در دستهاي
۴ من داست * اگر بصلاح انديش خود بدي را عوض
۵ کردم وکسي را که بي سبب دشمنم بود آزاد کردم * پس
دشمن جان مرا تعدّي بنمايد وبگيرد وحيات مرا در
زمين پايمال بکند وجلال مرا در خاک ساکن بگرداند
۶ سله خداوندا در غضب خود قايم شو واز سبب قهر
دشمنان من ارتفاع خود را بنما واز جهتم من برخيز بان
۷ حکميکه امر فرمودي * وجماعت خلقان ترا احاطه خواهند
۸ نمود واز جهتم شان بر بلندي عود کن * خداوند
خلق را محکم خواهد نمود اي خداوند مرا محکم نما موافق

راستی من وموافق اتمام خلوصی که بر من است
۹ *الحال شر شرایر باتمام برسد وصدیق را پایدار بکن
۱۰ زیراکه خدای صادق دل ومیان آزماست *سپرم از
۱۱ خداست که راستدلانرا نجات دهد * خدا حاکم بر
۱۲ صدیق است اگرچه خدا هر روز غضبناک نباشد * اگر
(دشمن) بر نگردد شمشیر خودرا تیز خواهد کرد کمان
۱۳ خودرا خم میکند واورا حاضر میسازد * وبجهتم او اسباب
مرگ را آماده گردانید بر ظلم کنندهگان تیرهای خودرا
۱۴ بکار میبرد * اینک (دشمن) از بدی بدرد مخاض
است ورنج وعنارا حامله شد وکذب خواهد زائید
۱۵ *چاه را کند واورا حفر کرد وخود افتاده است در
۱۶ چاهیکه اورا ساخت *عملش بر سر او بر گردانیده
خواهد شد وظلمش بر کلهٔ سر او نازل خواهد بود
۱۷ *بخداوند موافق راستیش حمد خواهم کرد وتسبیح
باسم خداوند تعالی خواهم نمود

زبور هشتم. سالار مغنّیان بر گتّیت مزمور داود

۱ ای خداوند و پروردگار ما که جلال خودرا بر بالای آسمان
۲ نهادی چه عظیمست اسم تو در کل زمین * در ضد ظلم
کنندگان از برای متوقف گردانیدن دشمن و انتقام
کننده را از دهن اطفال و کودکان ثنای را ثابت کردی
۳ * هنگامیکه ملاحظه بآسمانهای تو و ماه و ستارگان مینمایم
۴ معمول انامل توکه ایشان را ثابت نمودی * (آنگاه
میگویم) که چیست انسان که اورا بخاطر بگذرانی
۵ و فرزند انسان که بروی توجه میفرمائی * تا مدتی اورا
کمتر از فرشتگان داشتی واورا بعزت واکرام متوج
۶ فرمودی * اورا بر کارهای دست خود گماشتی وهمه را در
۷ تحت اقدامش نهادی * تمامی میش ها وگاوهارا ونیز
۸ وحوش صحرارا * طیور هوا وماهیان دریا که بسمت
۹ دریا ها عبور نمایند * ای خداوند وپروردگار ما چه عظیم
است اسم تو در کل زمین .

زبور نهم سالار مغنیان بر وفات تبل مزمور داود

۱ بهمهٔ دل خود خداوندرا حمد خواهم نمود وتمامی عجایب
۲ ترا مشهور خواهم کرد * در تو خوشنود خواهم شد ومسرور
۳ خواهم گردید واسم ترا ای تعالی خواهم سرود * چون
دشمنان من بر گرداشیده شوند در حضور تو ناتوان
۴ خواهند بود وهلاک خواهند شد * زیراکه از جهتهٔ
من حکم واز برای من فتوی دادی وبر کرسی نشستی
۵ ای داور بحق * قبایل را زجر نمودی وشریرها هلاک
۶ کردی واسم ایشانرا محو کردی تا ابد الاباد * ای
دشمن خرابیها همیشه تمام است وشهرهارا خراب کردی
۷ وذکر ایشان با خودشان هلاک شده است * وخداوند
همیشه باقی خواهد بود کرسی را از برای حکم نمودن
۸ آماده کرد * واو جهان را در راستی تحکم خواهد نمود
۹ وخلایق را در عدالتها فتوی خواهد داد * وخداوند از
جهتهٔ مظلوم مامن خواهد بود مامنی که در هنگامهای
۱۰ تنگدستی (باشد) * آنکسانیکه اسم ترا می شناسند اعتماد

برتر خواهند نمود زیراکه ای خداوند طالبان خودرا ترک
۱۱ ننمودی * بسرائید خداوند زیراکه در صیهون ساکن
۱۲ است ودر میان امم اعمال اورا خبر دهید * هنگامیکه
تفحص خون می نماید ایشانرا بخاطر می آورد وفریاد
۱۳ مفلوکان را فراموش نمیکند * ای خداوند مرا رحمت
نما ای رهاننده من از ابواب مرگ ذلت مرا از
۱۴ مبغضان من ملاحظه نما * تا آنکه تمامی اوصاف ترا در
دروب دختر صیهون مشهور کنم وبنجات تو وجد نمایم
۱۵ * غوطه میخورند کافران چاهیکه اورا ساختند وپای
۱۶ ایشان گرفتار آمد در دامی که پنهان کرده بودند * خداوند
معروفست از حکمی که بعمل آورده است شریر
از اعمال دست خود در دام است هگایون سله
۱۷ * اشرار بجهنم برگردانیده خواهند شد با تمامی خلایق که
۱۸ خداوندرا فراموش کنند * زیراکه محتاجی تا بآخر
فراموش نخواهد شد امید مفلوکان تا ابد ضایع نخواهد
۱۹ گردید * برخیز ای خداوند که مردم غالب نباشند

۲۰ تا آنکه طوایف بحضور تو محکوم گردند * ای خداوند ترس را در ایشان بگذار تا طوایف بدانند که آنها بشرند سله

زبور دهم

۱ ای خداوند چرا مباعدت می نمائی ودر زمانهای تنگدستی
۲ من خودرا پنهان میکنی * ظالم بغرور مظلوم را تعدی خواهد کرد ودر آن مشورتها که خیال نموده‌اند گرفتار خواهند
۳ شد * زیرا که شریر در خواهش نفس خود فخر مینماید وحریص را توصیف میکند وخداوندرا حقیر مینماید
۴ * شریر از تکبر چهرهٔ خود (خدارا) تجسس نمینماید
۵ خدا در همهٔ ذکرهایش در نمی آید * همیشه طریقهایش فاسد میباشد وعلو احکام تو از نظرش (دور است)
۶ واو تمامی دشمنان خودرا عبوس مینماید * در دل خود گفت که هرگز متبدل نخواهم شد زیرا که در نکبت
۷ نخواهم بود * دهنش از لعنت وفریبها وحیله مملو
۸ وتحت زبانش زجر وفساد است * در کمین قریها

می نشیند ودر کمینها بی تقصیری را میکشد وچشمهایش
۹ بمکین می نگرند بخفیه در کمین است * چون شیر
در کمینگاه پنهان میباشد واز جهة گرفتار نمودن
مظلومان پنهان خواهد بود وبیچاره را خواهد گرفت
۱۰ چون اورا بدامش میکشد * خودرا خم میکند وقد خودرا
پست می نماید تا آنکه عاجزان از دست زور آورانش
۱۱ بیفتند * در دل خود گفت که خدا فراموش کرده است
۱۲ ودیدار خودرا نهان کرده است وهرگز نمی بیند * ای
خداوند والهی بر خیز ویدت را بر دار ومظلومان را
۱۳ فراموش مکن * چرا ظالم خدارا خار داشته است ودر
۱۴ دل خود گفت که تجسس نخواهد کرد * ملاحظه نموده
زیراکه بدی وکین را مینگری تا آنکه بدست خود عوض
بکشی مسکین خودرا بتو خواهد سپرد معین یتیم توئی
۱۵ * بازوی اهل شر وبدی را بشکن وبدی اورا تجسس
۱۶ بفرما تا یافت نشائی * خداوند پادشاه است تا ابد الاباد
۱۷ طوایف در زمین هلاک خواهند گردید * خداوندا خواهش

مفلوکان را استماع خواهی فرمود دل شان را آماده خواهی
کرد واصغا خواهی نمود * از برای حکم کردن یتیم ومظلوم را ۱۸
تا دیگر مردم زمین مطلقا ظلم ننمایند

زبور یازدهم سالار مغنّیان مزمور داود

۱ بخداوند متوکّلم چگونه بجان من میگوئید که چون
۲ عصفور بکوه خود بپر * زیراکه اینک اشرار کمان را خم
میکنند ونیر خودشان را پیوسته بزه میکنند تا آنکه در
۳ پنهانی براستدلان بیندازند * چون بنیاد ور خرابیست
۴ عادل بچه مشغول بشود * خداوند در هیکل مقدس
خود است وکرسی خداوند در آسمانهاست چشمهایش
می بینند وپلکهایش تفتیش مینمایند فرزندان
۵ انسان را * خداوند عادل را امتحان میکند وبنفس خود
شریر را بغض مینماید وکسیکه ظلم را دوست میدارد
۶ * بر اشرار خواهد باراند صواعق وآتش وکوگرد وباد
۷ سموم را وحصهٔ کاسه ایشانست * زیراکه خداوند صادق
صدق را دوست میدارد وبعادل چهراش مینگرد

می نشیند ودر کمینها بی تقصیری را میکشد وچشمهایش
بمسکین می نگرند بخفیه در کمین است * چون شیر
در کمینگاه پنهان میباشد واز جهة گرفتار نمودن
مظلومان پنهان خواهد بود وبیچاره را خواهد گرفت
۱ چون اورا بدامش میکشد * خودرا خم میکند وقد خودرا
پست می نماید تا آنکه عاجزان از دست زور آورانش
۱ بیفتند * در دل خود گفت که خدا فراموش کرده است
۱۱ ودیدار خودرا نهان کرده است وهرگز نمی بیند * ای
خداوند والهی بر خیز ودست را بر دار ومظلومان را
۱۳ فراموش مکن * چرا ظالم خدارا خار داشته است ودر
۱۴ دل خود گفت که تجسس نخواهد کرد * ملاحظه نموده
زیرا که بدی وکین را مینگری تا آنکه بدست خود عوض
بکشی مسکین خودرا بتو خواهد سپرد ومعین یتیم توئی
۱۵ * بازوی اهل شر وبدی را بشکن وبدی اورا تجسس
۱۶ بفرما تا یافت نشائی * خداوند پادشاه است تا ابد الاباد
۱۷ طوایف در زمین هلاک خواهند گردید * خداوندا خواهش

مفلوکان را استماع خواهی فرمود دل شان را آماده خواهی
۱۸ کرد و اصغا خواهی نمود * از برای حکم کردن یتیم و مظلوم را
تا دیگر مردم زمین مطلقا ظلم ننمایند

زبور یازدهم سالار مغنّیان مزمور داود

۱ بخداوند متوکلم چگونه بجان من میگوئید که چون
۲ عصفور بکوه خود به پر * زیرا که اینک اشرار کمان را خم
میکنند و تیر خودشان را پیوسته بزه میکنند تا آنکه در
۳ پنهانی براستدلان بیندازند * چون بنیاد در خرابیست
۴ عادل بچه مشغول بشود * خداوند در هیکل مقدس
خود است و کرسی خداوند در آسمانهاست چشمهایش
می بینند و پلکهایش تفتیش مینمایند فرزندان
۵ انسان را * خداوند عادل را امتحان میکند و بنفس خود
شریر را بغض مینماید و کسیکه ظلم را دوست میدارد
۶ * بر اشرار خواهد بارانید صواعق و آتش و کوگرد و باد
۷ سموم را و حصهٔ کاسهٔ ایشانست * زیرا که خداوند صادق
صدق را دوست میدارد و بعادل چهراش مینگرد

زبور دوازدهم

سالار مغنیان بر هشمینث مزمور داود

۱ ای خداوند مرا خلاص بکن زیراکه اهل تقوی باتمام
میرسند جهته آنکه مؤمنین از ابنای بشر تقلیل می
۲ یابند * هرکس با همسایهٔ خویش دروغ میگوید با لبهای
۳ فریبنده ودو دل میگویند * خداوند تمامی لبهای
فریبنده را جدا خواهد کرد وزبانی را که حرفهای بزرگ
۴ میزند * که میگویند که با زبان خود ما غالب خواهیم شد
۵ لبهای ما از آن ماست کیست که خداوند ماست * از
برای بلای مفلوکان وناله بیچارگان خداوند میگوید
که الحال قیام می نمایم وخلاص میکنم زآن کسی راکه بر او
۶ عبوس می نماید * سخنان خداوند کلمهٔ پاکیزه هستند
(مانند) نقرهٔ خالص شده در کورهٔ زمین که هفت بار
۷ صاف شده است * تو ای خداوند ایشان را محافظت
خواهی کرد وایشان را ازین قرن همیشه نگاه خواهی

۸ داشت * در حوالی اشرار میگردند چون فرزندان ذلیل انسان در ارتفاعند

زبور سیزدهم سالار مغنّیان مزمور داود

۱ ای خداوند مرا تا بکی فراموش خواهی کرد آیا تا باید
۲ تا بکی دیدار ترا از من مستور خواهی کرد * تا بکی من مشورت بنفس خود نمایم با درد دل من روز
۳ بروز تا بکی دشمن ببالای من مرفوع خواهد شد * بنگر ومرا بشنو ایخداوند واله من وچشمهای مرا منور گردان
۴ مبادا با مرگ بخنوم * مبادا دشمن من بگوید که بر او غالب بودم واعدای من وجد نمایند چون بحرکت
۵ آیم * امّا من برحمت تو امیدوارم دل من در نجات
۶ تو وجد خواهد نمود * بخداوند سرود بخوانم زیراکه بمن احسان فرموده است

زبور چهاردهم سالار مغنّیان از آن داود

۱ ابله در دل خود گفته است که خدائی نیست تباه میشوند واعمال پلید می آورند ونکوکننده نیست

۲ *خداوند از آسمانها برِ فرزندان آدم نگریست که
۳ بنظر آید کسی که فهم کند یا طالب خدا باشد *همگی
با یکدیگر از راه کج میروند وگندیده میشوند نکوکننده
۴ نیست یک کس هم نیست *آیا نمیفهمند تمامی
فسادکنندگان که قوم مرا تناول مینمایند چون نان را
۵ میخورند وخداوندرا نمیخوانند *آنجا بغایت مخوف
۶ گردیدند زیراکه خدا در نسائل صدیق است* موعظهٔ
مفلوک را حمل بخجلت مینمائید زیرا که پناه
۷ او خداوند است *آیا کیست که نجات اسرائیل را
از صیهون خواهد داد زمانیکه خداوند اسیر قوم خودرا
رد کند یعقوب خوشحال گردد واسرائیل مسرور
خواهد گشت

زبور پانزدهم مزمور داود

۱ خداوندا در خیمهٔ تو کی متوطن خواهد گشت یا کی
۲ در کوه مقدس تو ساکن خواهد گردید *آنکسی که تماما
رفتار مینماید وصدق را بعمل آورد ودر دل خود بحق

۳ میگوید * وبدی بر زبان نمی آرد وبهمسایهٔ خویش ظلم
۴ نمی کند وملامت بر قریب خود روا ندارد * واراذل
در دیدهایش حقیر شمرده شده است لکن متقیان
خداوندرا محترم دارد وسوگند بزیان خود میخورد وتغییر
۵ نمی نماید * نقرهٔ خودرا از جهته ربا نمیدهد ورشوه برضد
بی تقصیری نمیگیرد آنکسیکه اینهارا بعمل آرد متحرک
نخواهد شد تا باید

زبور شانزهم مکتم داود

۱ ای خدا مرا محافظت کن زیراکه بتو امید دارم
۲ * بخداوند عرض نمودم که خداوند من توئی مرا بهتر غیر
۳ از توئی نیست * مقدسانیکه در زمین هستند با
۴ متعززان بالتمامی خوشنودی من از ایشانست * غمهای
ایشان بسیار خواهد شد که (بخدای) دیگر می شتابند
بسفک الدماء قربانیهای ایشان مرتکب نخواهم شد
۵ وهم نامهای ایشانرا بر لبهای خود نخواهم آورد * حصهٔ
میراث من وکاسهٔ من خداوند است توئی آنکه قسمت

۶ مرا شفاعت میکنی * ریسمانهای سهمد در جایهای پسندیده
۷ افتادند زیراکه وراثت برای من خوشست * شکر خواهم
نمود خداوند را که مرا موعظه فرمود زیراکه شبها قلب من
۸ مرا تعلیم میدهد * خداوند را همیشه در پیش روی خود
بنظر در آوردم زآنروکه در یمین من است متحرک
۹ نخواهم شد * از سبب آن دل من فرحناکست وجان
من بوجد آمده علاوه بر آن جسم من باُمید خواهد
۱۰ آرمید * زیراکه نفس مرا در جحیم نخواهی گذاشت
۱۱ واجازت نخواهی داد که برگزیدهٔ تو فساد بیند * راه
زندگی را بمن نشان خواهی داد ووفور شادمانیها در
حضور خود وخرمیها تا ابد به یمین تُست

زبور هفدهم دعای داود

۱ ای خداوند صدق را بشنو وتضرع مرا استماع بفرما ودعای
۲ لبهای نا فریبندهٔ مرا اصغا کن * حکم در بارهٔ من
۳ از حضور تو بگذرد چشمهای تو راستی مرا به بیند * دل
مرا آزمودی ودر شب نظر فرمودی ومرا تجربه نمودی

و(در من) چیزی را یافت ونکردی جزم نمودم که مبادا
٤ دهن من تجاوز بنماید ٥ من نسبت باعمال مردم
طریقهای اوباش را موافق سخن لبهای تو نظر
٥ داشتم * قدمهای مرا در راههای خود مشید گردان مبادا
٦ پاهای من لغزش کنند * ای خدا ترا خوانده ام زیرا که
مرا استجابت خواهی نمود وگوش خودرا بمن نگاهدار
٧ وسخن مرا (اصغا کن) * رحمتهای عجیب خودرا اظهار
کن ای توئی آنکه بدست یمین خود امیدواران را
٨ از فتنه انگیزان نجات میدهی * مرا چون مردمک
دیده محافظت بفرما ودر کنف اجنحهٔ خود مرا مستور
٩ بگردان * از روی ظالمانیکه مرا هجوم می آورند ودشمنان
١٠ من که مرا بجان احاطه مینمایند * ودائرهٔ دولت
خودشان را بستند وبدهن خود متکبرانه تکلم می نمایند
١١ * الحال گذرهای مرا احاطه نموده اند وبنظرهای خود مرا
١٢ نشانده اند تا آنکه بر زمین بیفکنند * شبیهند بشیری که
از جهت دریدن مشتاق باشد وبشیر بچهٔ که در کمینها

۱۳ می نشینند * قایم شو ای خداوند وباو برس واورا خم کن
۱۴ وجان مرا زشریر بشمشیر خود خلاص کن * خداوندا بـ
ید خود مرا از مردمان وخلقان این روزگار (برهان) که
حصهٔ ایشان در زندگانی (دنیاست) شکم ایشان را از
خزانهٔ خود مملو میکنی فرزندان ایشان بسیارند والباقی
۱۵ خودرا برای اطفال شان میگذارند * من دیدار ترا
براستی خواهم دید واز امثال تو خوشنود خواهم شد چون
بیدار شوم

زبور هشدهم

سالار مغنّیان از آن بندهٔ خداوند داود که کلمات این
سرودرا بخداوند عرض نمود در روزیکه خداوند اورا رهانید
از دست تمامي دشمنان او واز دست ساول گفت

۱ خداوندا ترا دوست خواهم داشت که قوّت من توئی
۲ * خداوند کوه من است وقلعهٔ من ورهانندهٔ من واله
من وقوّت من که بر او امید دارم سپر من وشاخ
۳ نجات من وبرج من اوست * خداوندی را که سزاوار

حمد است خواهم خواند واز دشمنان من نجات خواهم
۴ یافت * زیرا که غمرات موت مرا احاطه نمودند وسیلاب
۵ مفتنان مرا مضطرب ساختند * ریسمانهای قبر مرا
۶ دائره بستند وتلههای مرگ مرا رسیدند * در تنگدستی
خود خداوندرا خواندم و بخدای خود فریاد نمودم آواز
مرا در هیکل خود شنید وفریاد من داخل حضورش
۷ شد وبسمعش آمد * وزمین متزلزل گردید ولرزان
شد واساس کوهها متحرک وجنبیده گشتند زیراکه
۸ (خداوند) غضبناک شد * واز غضبش دود متصاعد شد
وآتش در حضور او ملتهب شد واخگرها ازو افروخته
۹ شد * وآسمانهارا خم کرد وفرود آمد وظلمت زیر قدمهای
۱۰ او بود * وبر کروبین سوار نمود وپرواز نمود وبر بالهای
۱۱ باد طیران کرد * تاریکی را کمینگاه خود ساخت ظلمت
آبها وابرهای آسمان را در اطرف خود پردهٔ خود نمود
۱۲ * از روشنائی پیش او ابرهایش بارانیدند تگرگ
۱۳ واخگرهای آتش را * وخداوند در آسمانها تَرَعُّد نمود وتعالی

۱۴ آواز خودرا داد تگرگ واخگرهای آتش را * وتیرهای
خودش را انداخت وایشانرا پراگنده کرد وبرقهارا موفور
۱۵ کرد وایشان را مضطرب ساخت * وچشمهای آب
هویدا شد وبنیادهای کرهٔ جهان کشاده گردید از برای
ممانعت تو ای خداوند واز برای هبوب ریح تقهر تو
۱۶ * از بلندی فرستاد ومرا گرفت واز آبهای بسیار مرا
۱۷ کشید * واز دشمن زور اور من مرا رهانید واز بغض
۱۸ کنندگان من زانروکه ازمن نیرومند تر بودند * در روز
تنگدستی من برمن رسیدند وخداوند پشتیبان من بود
۱۹ * ومرا بیرون بکشادگی آورد ومرا رهانید زیراکه ازمن
۲۰ خوشنودی بود * خداوند موافق راستی من مرا مزد داد
۲۱ وموافق پاکی دست من مرا عوض داد * زیراکه
طریقهای خداوندرا محافظت نمودم واز خدای خودم
۲۲ شریری ننمودم * زانرو تمامی احکام او درنظر من است
۲۳ وحقوقش را از خود دور نکردم * ودر نزدش کامل بودم
۲۴ وخودرا از معصیت خود محافظت کردم * وخداوند

موافق راستی من مرا اجر داد و موافق پاکی دست من
۲۵ در حضور نظرش * با اهل رحمت رحیم خواهی بود و بمرد
۲۶ کامل کمالیت را اظهار خواهی داشت * و با پاکان پاکی
۲۷ خواهی نمود و با کجرو کجرفتاری خواهی کرد * زیرا که
خلق مفلوک را خلاص خواهی کرد و دیدهای متکبرانرا
۲۸ فرود خواهی آورد * زانرو که تو چراغ مرا منور خواهی
کرد خداوند واله من تاریکی مرا روشن خواهد کرد
۲۹ * زیرا که بمعاونت تو فوج را عبور خواهم نمود و بوسیلهٔ
۳۰ خدایم حصار را خواهم جهید * راه خدا کامل است
وسخنان خدا مجربست واو بهمهٔ متوکلان خود
۳۱ سپر است * پس کیست خدا جز خداوند و کیست
۳۲ مامن غیر از خدای ما * خداوند نیرومندی را بمن می
۳۳ پوشاند وراه مرا کامل میسازد * قدمهای مرا مثل
پاهای غزال مینماید و مرا در بلندیها ایستاده میگرداند
۳۴ * ودستهای مرا از برای جنگ تعلیم مینماید وبازوهای
۳۵ مرا چون کمانی از فولاد میگرداند * وسپر نجات ترا

بمن دادی و یمین تو مرا اعانت داد و احسانت مرا
۳۶ عظیم کرد * و شارع مرا در زیر قدمهای من کشاده
۳۷ کردی و پاهای من لغزش نکردند * در پی دشمنان
خود رفتم و بایشان رسیدم و رجعت ننمودم تا منقطع
۳۸ نشدند * ایشان را کوبیدم و نتوانستند بر خواست
۳۹ زیر پاهای من افتادند * و از برای جنگ بمن قوت را
پوشانیدی و تحت من فرود آوردی آن کسانی
۴۰ که در ضد من بر خواستند * گردن گردنکشان مرا
بمن دادی تا آنکه منقطع کنم آنانیکه مرا بغض مینمایند
۴۱ * فریاد نمودند و رهاننده نبود (واستغاثه) بخداوند (کردند)
۴۲ واجابت ننمود * وایشان را چون خاک خورد کرده بر
۴۳ باد دادم و چون گل کوچها ایشان را پایمال نمودم * تو
مرا از منازعات قوم خلاص کردی و مرا بر طوایف
حاکم گردانیدی قومیکه ایشان را نمیشناختم بندگی
۴۴ من خواهند نمود * هرگاه بگوش (خود) حرف مرا می
شنوند اطاعت خواهند نمود و فرزندان غریب فرمان

۴۵ بروار خواهند شد فرزندان غریب فرود خواهند افتاد
۴۶ واز کمین گاههای شان خواهند ترسید * خداوند حی است
۴۷ ومبارک مامن منست وخدای منجی من مرفوع باد * خدا
در حق من کشندهٔ انتقام است وخلایق را در تحت
۴۸ من فرود می آورد * از دشمنان من مخلص من است
۴۹ تو نیز مرا مرفوع میداری از آنانیکه در ضد من بر
میخیزند واز مرد ظالم مرا خلاصی میدهی * بدین سبب
ای خداوند ترا حمد خواهم نمود ودرمیان طوایف باسم تو
۵۰ خواهم سرود * او آنستکه بسیار نجاتهای پادشاه خودرا
میگرداند ومسیح خودرا کرم مینماید بر داود واولاد او تا
باید

زبور نوزدهم سالار مغنّیان مزمور داود

۱ آسمانها جلال خدارا آشکار میکنند وسپهر عمل دستش را
۲ مشهور میسازد * روز بروز تکلّم مینماید وشب بشب
۳ علم را نشان میدهد * سخن نیست وکلمات نیند آواز
۴ ایشان را نشنیدند * (امّا) آواز ایشان بتمامی زمین

۵ منتشر گردید والفاظ ایشان باخر عالم (رسید) * ودر ایشان
از جهتم آفتاب خیمه قرار داد فرمود واو چون داماد از
حجره خود بیرون آمده مثل صاحب قوتی در دویدن
۶ راه خوشوقتی می نماید * از کران آسمان بیرون می آید وتا
بکران دیگر گردش اوست وچیزی نیست که از
۷ گرمیش پنهان باشد * شریعت خداوند کامل است
وروح را بر میگرداند وشهادت خداوند صدق است وساده
۸ دل را عالم میسازد * فرایض خداوند راستست ودل را
خوشنود میکند وامر خداوند درخشنده است که دیدها را
۹ منور می سازد * خوف خداوند مطهر است وتا ابد
۱۰ باقیست احکام خداوند درستست وتماما صادق * این چیزها
پسندیده تر از طلا اند بلکه از بسیار مصفی بالاتر وهم شیرین
۱۱ تر از عسل بل از شیره شهد * ونیز بنده تو از اینها
منور میشود ودر محافظت ایشان نفع کثیر است
۱۲ * کیست که درک خطاهایش میکند از جرایم نهانی
۱۳ مرا صاف کن * وبنده خود را از غرورها نگاهدار تا آنکه بر

من مسلط نباشند آنگاه بری خواهم شد واز تجاوز بزرگ
۱۴ مصفی خواهم گردید * اقوال دهان من وتفکر دل من
پسندیده در حضور تست خداوندا ای من ورهاننده من
(توئی)

زبور بیستم سالار مغنیان مزمور داود

۱ در روز تنگدستی خداوند ترا استجابت نماید واسم خدای
۲ یعقوب بتو یاری نماید * برای تو معاونت از قدس
۳ بفرستند واز صیهون ترا نصرت بدهد * جمیع قربانیهای
۴ ترا بخاطر بیاورد وقربانی سوختنی ترا بسوزاند سلاه * ترا
موافق دل تو عطا بفرماید وهمه مشورت ترا کامل
۵ بکند * بنجات تو وجد نماییم وباسم خدای ما علم را آشکار خواهیم
۶ نمود وپروردگار تمامی مسئلات ترا کامل بکند * الحال
میدانم که خداوند مسیحش را رستگار خواهد کرد واز
آسمانهای قدس خود جواب خواهد داد ونجات یمین
۷ او با قوتست * ذکر بعضی بعرابها وبعضی باسپها است
۸ وما باسم خداوند خدای خود ذکر خواهیم نمود * ایشان

خم گشته افتادند و ما بر میخیزیم و بر پا می ایستیم * خداوند
پادشاهی را رستگار کرد و در روز خواندن ما استجابت
ما را خواهد کرد

زبور بیست و یکم سالار مغنیان مزمور داود

۱ ای خداوند در قوت تو پادشاه خوشنود خواهد شد و در
۲ نجات تو بچه مقدار وجد خواهد نمود * آرزوی دلش را
بوی عنایت فرمودی و سوال لبهایش را مضایقه ننمودی
۳ سلاه * زیرا که اورا ببرکات صالحه رسانیدی و بر سر او
۴ تاجی از زر پاک نهادی * از تو سوال حیات نمود باو
۵ ایام مطول را تا ابد الاباد عنایت فرمودی * مجدش
۶ در نجات تو عظیمست و بر او عزت و بزرگی را نهادی
* از آنجا که برایش برکتها را معین نمودی تا ابد و اورا با
۷ مسروری در حضور خود خوشنود خواهی ساخت * سبب
آنکه پادشاه متوکل خداوند است و با رحمت عالی
۸ لغزش نخواهد نمود * ید تو تمامی دشمنان ترا پیدا خواهد
۹ کرد و یمین تو مبغضان ترا بیابد * ایشان را مثل تنور

آتش در وقت غضب خود خواهی گردانید خداوند بغیظ
خود ایشان را هلاک خواهد کرد وآتش ایشان را خواهد
۱۰ خورد * ثمر ایشان را در زمین بل ذریت ایشان را
۱۱ از میان فرزندان انسان هلاک خواهی نمود * زیرا که
بتو بدی نیت نمودند واندیشهٔ مشورتی را کردند که
۱۲ نمی توانستند * زآنرو که ایشان را هدف خواهی ساخت
وبر روی ایشان بکمانهای خود تیراندازی خواهی نمود
۱۳ * خداوندا بقوت خود مرفوع بنما که عظمت ترا خواهیم
سرائید وحمد خواهیم نمود

زبور بیست ودویم

سالار مغنیان بر ظاهر شدن صبح مزمور داود

۱ ای خدای من واله من چرا واگذاشتیٔ مرا دور از
۲ نجات من واز کلمات فریاد من * ای خدای من
در روز میخوانم وجواب نمیفرمائی ودر شب (میخوانم)
۳ ومرا خموشی نبود * لکن تو مقدسی که در ستایشهای
۴ اسرائیل ساکنی * والدان ما بر تو امیدوار بودند بل

۵ امیدوار بودند وتو ایشان را آزاد کردی *ترا فریاد
نمودند ورستگاری یافتند واز تو متوکّل بودند وخجلت
۶ نکشیدند *لکن من کرم وناکس میباشم ملامت مردم
۷ ومحقّر قوم *تمامی کسانی که مرا می بینند مرا تمسخر
۸ میکنند ولب می پیچند وسر میجنبانند *متوکّل بخداوند
بود واورا برهاند واورا رستگار بکند از آنرو که ازو خوشنود
۹ است *امّا تو از رحم مرا بیرون آوردی وبر پستانهای
۱۰ مادرم مرا مامون کردی *بر تو در رحم پناه آوردم
۱۱ ودر شکم مادرم خدای من توئی *از من مباعدت
مکن زیراکه تنگدستی نزدیکست زآنروکه نصرت
۱۲ دهندهٔ نیست *گاوان موفور مرا احاطه کردند وگاوهای
۱۳ پرزوّر باشن مرا دائره نمودند *(مانند) شیر درندهٔ
۱۴ وغرش کننده دهن خودرا برمن کشادند *مثل آب
ریخته شده ام وتمامی استخوانهای من از هم جدا شدند
ودل من چون موم گشته در میان بطن من گداخته
۱۵ شدهٔ است *قوّت من چون سفال خشک گردید

وزبان من بدماغ من چسپیده است و بخاک فنا
۱۶ مرا انداختی * زیراکه سگان فاطرفم را گرفتند وگروه شرایر
مرا احاطه نمودند دستهای مرا وپاهای مرا سوراخ نمودند
۱۷ * ومیتوانم که استخوانهای خودم را بشمارم ایشان مرا
۱۸ می بینند ومینگرند * رختهای مرا در میان خود قسمت
۱۹ مینمایند وبر پیراهن من قرعه افکنند * وتو ای خداوند
از من مباعدت منما ای قوت من بمعاونت من
۲۰ شتاب کن * جان مرا از شمشیر وفریدهٔ مرا از
۲۱ جنگ سگ برهان * از دهن شیر مرا خلاص کن واز
۲۲ شاخهای کرگدن (الحال) مرا استجابت کردی * اسم
ترا به برادران من آشکار خواهم کرد وترا در میان
۲۳ جماعت حمد خواهم کرد * ای متقیان از خداوند اورا
حمد نمائید ای جمیع ذریت یعقوب اورا ستایش
۲۴ بکنید وای جمیع فرزندان اسرائیل ازاو بترسید * زیراکه
مصیبت ستمدیده را خوار نکرد ونفرت ننمود وروپش را
ازو محجب نساخت امّا چون اورا خواند استماع نمود

۲۵ * ستایش من در میان جماعت بزرگ از برای تو خواهد بود ونذورات خودرا ادا خواهم نمود در حضور.
۲۶ آن کسانی که ازو خائفند * فقرا طعام خواهند خورد وسیر خواهند شد ایشان ومتجسسانش خداوندرا حمد
۲۷ خواهند نمود ودل شما زنده خواهد بود تا ابد * تمامی حدود زمین یاد خواهند کرد وبخداوند رجعت خواهند کرد وهمهٔ
۲۸ قبائل امم در حضور تو سجده خواهند نمود * زیراکه ممالک زآن خداوند است وبر قبایل بادشاهی
۲۹ میکند * تمامی اغنیای ارض تناول خواهند کرد وسجده خواهند نمود وهمگی که بخاک فرو میروند در حضورش بسجده می افتند وروح من برای او خواهد زیست
۳۰ * وذریت (من) اورا عبادت خواهند کرد واز خاندان
۳۱ خداوند شمرده خواهند شد * خواهند آمد وصدق اورا بخلق آشکار خواهند کرد که زایده خواهد شد زیراکه خداوند صنع نمود

زبور بیست وسیم مزمور داود

۱ خداوند شبان من است ناچار نخواهم شد * مرا در
علفزارهای گیاه میخواباند وبر آبهای راحت مرا رهبری
۳ میفرماید * روح مرا بر میگرداند ودر طریقهای صدق
۴ بسبب اسم خود مرا هدایت مینماید * اگر چه در
سایه درهٔ مرگ راه روم از شر نخواهم ترسید زیراکه
تو همراه منی چوب تو وعصای تو مرا تسلی میدهند
۵ * سفره در حضور من نزد دشمنان من آماده میسازی
وسر مرا بروغن چرب میکنی وکاسهٔ من لبریز است
۶ * خلاصه نیکوئی ورحمت در تمامی روزهای زندگانی من
مرا متابعت خواهند نمود ودر خانهٔ خداوند ساکن خواهم
شد تا ابد الاباد

زبور بیست وچهارم مزمور داود

۱ زمین ومملوئش وجهان وساکنان در او از آن
۲ خداوند است * زیراکه اورا بالای دریاها بنا نهاد
۳ واورا بالای آبهای جاری ثابت کرد * کیست که بکوه

خداوند بالا خواهد رفت و کیست که در مکان مقدس
۴ او خواهد ایستاد * کسی که پاکدست وصاف دلست
وجانش را ببطالت بر نمیخیزاند وکاذبانه سوگند نمیخورد
۵ * وبرکت را از خداوند خواهد گرفت وصدق را از آنخدائی
۶ که رهاننده اوست * اینست نسل متجسسان او که
۷ دیدار ترا ای یعقوب تفحص مینمایند سلم * ای
دروازها سرهای شمارا بلند نمائید وای دروب ابد مرفوع
۸ شوید که پادشاه صاحب جلال داخل خواهد شد * این
پادشاه صاحب جلال کیست خداوند قوی وتوانا
۹ خداوندی که در جنگ پرزور است * ای دروازها
سرهای شمارا بلند نمائید وای بابهای ابد مرتفع شوید
۱۰ که پادشاه صاحب جلال داخل خواهد شد * آن کیست
که این پادشاه صاحب جلالست خداوند لشکر آنکس
پادشاه صاحب جلالست سلم

زبور بیست وپنجم از آن داود

۱ خداوندا جان مرا بسوی تو بلند خواهم نمود * الهی بتو

امیدوارم خجالت نخواهم کشید ودشمنانم بر من وجد
۳ نخواهند نمود * منتظران تو نیز هرگز شرمندگی نخواهند
کشید وکسانیکه بی سبب معصیت مینمایند شرمسار
۴ خواهند بود * خداوندا مرا معروف طریقهای خود
۵ بگردان وراههای خودرا بمن تعلیم کن * مرا در راستی
خود رهبری نما ومرا تعلیم بفرما زیراکه خدای منجی من
۶ توئی وهمه روزه منتظر تو میباشم * خداوندا رحمتهای
خودرا ومهربانیهای خودرا یاد کن بدرستیکه اینها
۷ ازلیند * تو خطایای شباب مرا وگناهان مرا یاد مکن تو در
مرحمت خود مرا یاد آر بسبب تفضل خود ای خداوند
۸ * خداوند نیکو وصادق است زآنروکه گناه کاران را
۹ براه (راست) تعلیم خواهد نمود * افتادگان را در حکم
(خود) هدایت خواهد فرمود وفروتنان را طریق خودرا
۱۰ تعلیم خواهد کرد * جمیع طریقهای خداوند رحمت
وراست میباشد از جهة انانیکه عهد او وشهادت

۱۱ اورا محافظت می نمایند * ای خداوند معصیت مرا
بحق اسم خود ببخش بدرستیکه (گناه من) عظیم است
۱۲ * کیست آنکس که از خداوند مخوفست وآنکس را
۱۳ تعلیم خواهد کرد در طریقیکه خود پسند میکند * جان
او در نیکوئی ساکن خواهد شد ونسلش وارث
۱۴ زمین خواهد بود * راز خداوند با خائفان اوست
۱۵ وعهد خودرا بایشان آشکار خواهد نمود * دیدهای من
همیشه بطرف خداوند است زیراکه پاهای مرا از دام
۱۶ متخلص خواهد کرد * بر من نظر بنما ومرا رحمت
۱۷ کن زآنروکه واحد ومظلومم * تنگیهای دل من
زیاده میشوند مرا از تنگدستیهای من خلاص کن
۱۸ * مصیبت وانفعال مرا ببین وتمامی گناهان مرا ببخش
۱۹ * اعدای مرا نظر کن بدرستیکه بسیار میشوند وببغض
۲۰ شدید مرا بغض مینمایند * جان مرا محافظت بفرما
ومرا رستگار بکن تا شرمسار نشوم زیراکه بتو متوکلم

۲۱ * انصاف وراستی مرا نگاه دارند بسبب آنکه بتو منتظرم
۲۲ * ای خدا اسرائیل را از جمیع تنگیهای ایشان خلاص کن

زبور بیست وششم از آن داود

۱ ای خداوند در بارهٔ من فتوی بده زیراکه من در ساده لوحی خود رفتار مینمایم وبر خداوند متوکلم ولغزش نخواهم کرد ۲ * ای خداوند مرا امتحان کن ومرا تجربه ۳ بنما واندیشهای مرا وقلب مرا خالص گردان * زیراکه مرحمت تو در پیش چشمهای من است وبراستی ۴ تو رفتار مینمایم * با اشخاص باطل نمی نشینم وهمراه ۵ ریاکاران روان نمی شوم * جماعت بدکاران را بغض ۶ مینمایم وباشرایر نخواهم نشست * دستهای خودرا شسته پاک خواهم کرد ودر قربانگاه تو ای خداوند خواهم گردید ۷ * تا آنکه باواز شکر گذاری تمامی عجایب ترا مسموع ۸ گردانیده آشکار سازم * خداوندا موضع خانهٔ ترا دوست ۹ میدارم ومقامیکه جلال تو در او ساکن است * جان

مرا با گناه کاران وحیات مرا با مردمان سفاک درو
۱۰ مکن * که در دستهای ایشان شر است و یمین ایشان
۱۱ از رشوت پر است * و من بساده لوحی خود رفتار
۱۲ مینمایم مرا فدا بکن و مرا مرحمت بنمای * پای من
بر جای هموار می ایستد و در مجامع خداوندرا شکر
خواهم نمود

زبور بیست وهفتم از آن داود

۱ خداوند نور من و نجات من است از که خواهم ترسید
خداوند قوت حیات من است از که هراسان خواهم
۲ شد * اشراری که دشمنان من و اعدای من (بودند) از
برای خوردن گوشت من چون بر من رسیدند
۳ لغزش کرده افتادند * اگر چه لشکر بر من خیمه زند
دل من نخواهد ترسید اگرچه حرب برای من
۴ بر خیزد ازین بی شک خواهم بود * یک مطلب را
از خداوند سوال نمودم و همین را متجسسم که در خانهٔ
خداوند جمیع ایام حیات خودم ساکن شوم تا آنکه

جلال خداوندرا ملاحظه نمایم ودر هیکلش تفحص کنم
۵ * زیرا که در یوم بلا در خیمهٔ خود مرا مستور خواهد
کرد در قطب خیمه اش مرا پنهان خواهد نمود ودر
۶ کوه مرا بلند خواهد ساخت *والحال سر مرا بلند
مینماید فوق دشمنانیکه در اطراف منند وقربانیهای
شادمانی را در خیمه اش خواهم رسانید وخداوندرا سرود
۷ وحمد خواهم نمود *خداوندا هنگامیکه ترا بخوانم آواز مرا
۸ بشنو هم مرا رحمت کن وهم مرا استجابت بفرما *ای
دل من خداوند ترا گفته است که حضور مرا تجسس
۹ کن خداوندا حضور ترا تفحص خواهم کرد *رویت را
از من مپوش وبغضب از بندهٔ خود متوجه مباش
پناه من بودهٔ مرا وا مگذار ومرا ترک مکن ای
۱۰ خدای منجی من *اگرچه پدرم ومادرم مرا واگذارند خداوند
۱۱ مرا قبول خواهد کرد *خداوندا طریق خودرا بمن
نشان بده واز جهت دشمنان من در راه مستقیم مرا
۱۲ رهبری بفرما *باختیار دشمنان من مرا تسلیم مکن

زیرا که شاهدان کاذب وظلم دم در ضدّ من بر میخیزند
۱۳ * اگر امیدان نبودی که نور زمین زندگان کرم خداوند را
۱۴ دیده باشم (بیهوش شدمی) *خداوند را انتظار کش وخاطر
جمع باش که دل ترا قوّت خواهد داد و بخداوند انتظار
کش

زبور بیست وهشتم از آن داود

۱ الهیّ پروردگار وپناه من ترا خواهم خواند از من خواموش
مباش اگر از من خواموش باشی شبیه میشوم بآن
۲ کسانیکه بچاه فرو میروند *آواز استغاثهٔ مرا بشنو
هنگامی که ترا بخوانم ودر هنگامیکه دستهایم بسوی مقام
۳ قدس تو بلند میکنم * مگذار که تسلیم کرده شوم باشرار
وبدکارانی که باشنایان خویش سلام میگویند هنگامی که در
۴ قلب ایشان بدی هست *ایشان را موافق کردار
ایشان وموافق کوششهای بدی ایشان بده وایشان را
موافق عمل دستهای ایشان بده وعوض ایشان را بایشان
۵ رد کن *از آنجا که اعمال خداوند را وصنعت دستهایش را

درک ننمودند (خدا) ایشانرا خراب خواهد کرد
۶ وایشانرا تعمیر نخواهد نمود * خداوند مبارک باد زیرا
۷ که آواز تضرعهای مرا شنید * خداوند قوت منست
وسپر من که دل من باو متوکل است ومعاونت می
یابم وازآنرو دل من وجد مینماید وبسرود خودم اورا حمد
۸ خواهم نمود * خداوند قوت قوم خود است واستوار
۹ کننده نجاتهای مسیحش اوست * بقوم خود نجات
ده ومیراث ترا برکت بده وایشانرا پرورش کن
وایشانرا مرفوع کن تا ابد

زبور بیست ونهم از آن داود

۱ ای فرزندان پرزوران خداوندرا وصف نمائید وجلال
۲ وقوت خداوندرا وصف نمائید * بخداوند عظمت
اسمشرا وصف نمائید ودر رونق قدس خداوندرا
۳ سجده نمائید * آواز خداوند بر آبهاست خدای جلیل
ترعد مینماید خداوند در بالای آبهای بسیار است
۴ * آواز خداوند بقوتست وقول پروردگار بفضل * آواز

خداوند سرو آزادها را می شکند بلکه خداوند سرو آزادهای
۶ لبنان را میشکند *وایشان را مثل گوساله ولبنان
۷ وسریان را چون بچهٔ کرگدن میجهاند *آواز خداوند
۸ شعلهای آتش را جدا می کند *آواز خداوند بیابان را لرزان
میگرداند (بلکه) خداوند بیابان قادش را متزلزل
۹ میکند *آواز خداوند غزالها را حمل میگرداند وجنگلها را
برهنه میسازد وهرکس جلالش در هیکلش وصف مینماید
۱۰ *وخداوند بر بالای طوفان می نشیند وبپادشاهی خداوند
۱۱ می نشیند تا ابد *خداوند بقوم او قوت خواهد داد
وامت خود را با سلامت مبارک خواهد کرد

زبور سیم

مزمور وسرود از برای وقف خانهٔ داود

۱ ای خداوند ترا حمد خواهم نمود زیراکه مرا بر داشتی
۲ ودشمنان مرا بر من وجدکنان نگذاشتی *ای خداوند
۳ واله من استغاثه نمودم وبمن شفا بخشیدی *ای
خداوند جان مرا از قبر بر گردانیدی ومرا زنده نگاهداشتی

۴ تا بچاه قبر فرو نروم * خداوندرا برائید ای مقدسان
۵ او ودر ذکر قدس او حمد نمائید * بدرستیکه در غضبش
دقیقهٔ ودر لطفش حیات است در شام گریه بسر
۶ میبرد ودر صبح خوشنودی * ومن در استراحت خود
۷ گفتم که تا باید متحرک نخواهم شد * خداوندا در لطف
خود بدن مرا محکم وقوی ساختی وروی خودرا محجوب
۸ نمودی ومضطرب گردیدم * ای خداوند بتو استغاثه
۹ خواهم نمود وبخداوند تضرع خواهم کرد * از خون من
چه حاصل اگر بچاه فرو روم آیا خاک بتو حمد خواهد
۱۰ نمود آیا صدق ترا آشکار خواهد نمود * خداوندا بشنو
۱۱ ومرا رحم کن خداوندا مرا یاری کنندهٔ باش * نالهٔ مرا
بوجد منعکس گردانیدی ودلق را از من بیرون کشیدی
۱۲ ومرا با شادمانی کمربستی * تا آنکه جلال ترا سرایم وخواموش
نباشم ای خداوندی واله من تا باید ترا حمد خواهم نمود
:

زبور سي ویکم سالار مغنّیان مزمور داود

۱ خداوندا بتو پناه می آورم شرمسار نخواهم شد تا بابد

۲ وبراستی خود مرا رستگار کن * گوش خودرا بمن فرا دار وبزودی مرا برهان وازبرای من کوه قوی

۳ وخانهٔ مشیّد بسبب استخلاص من باش * بدرستیکه کوه من وقلعهٔ من توئی وبحق اسم تو مرا هدایت

۴ کن ورهبری نمای * از آن دامیکه برای من پنهان کردند مرا متخلص کن زیراکه قوّت من توئی

۵ * بدید تو روح خودرا می سپارم (زیراکه) ایخداوند وخدای

۶ صادق مرا فدا کردی * بغض مینمایم بآن کسانی

۷ که بتهای باطل را نگاهدارند ومن بخدا متوکّلم * در رحمت تو خوشنود خواهم گردید ووجد خواهم نمود زیراکه مصیبت مرا نگریستی ودر تنگدستیها جان

۸ مرا نگاهداشتی * ومرا بستهٔ بدست دشمنان من تسلیم نکردهٔ وقدمهای مرا در کشادگی پایدار نمودی

۹ * خداوندا مرا شفقت بفرما زیراکه تنگدستی زآن من

است چشم من از غم خورده شده وجان وبدنم من
(کاهید) * زیراکه حیات من در غم وسالهای من در
نالش باخر میرسند قوت من بسبب معصیت من
سست شد واستخوانهای من تهی گردیدند * از تمامی
دشمنان خود خصوصاً همنشینان خود مشغول شدم
وکسانی که مرا شناختند خائف شدند وایشان که مرا
۱۲ در بیرون دیدند فرار نمودند * مانند اهل موت فراموش
۱۳ شدم ومثل کاسه شکسته از خاطر رفتم * زیراکه بد نامی
از اشخاص بسیار شنیدم وترس در اطراف هنگامی که
همه یکسر بر ضد من مشورت کردند وخیال بستند که جان
۱۴ مرا بگیرند * وای خداوند من بر تو اعتماد نمودم وگفتم
۱۵ که خدای من توئی * زمانهای من در دست تست
ومرا از دست دشمنان من واز آنانی که مرا تعدی می
۱۶ نمایند متخلص کن * روی خودرا بر بندهٔ خود درخشان
۱۷ بکن ودر شفقت مرا نجات بده * خداوندا خجالت
نخواهم کشید زیراکه ترا خوانده ام واشرار خجالت بکشند

۱۸ ودر قبر خموش باشند * لبهای دروغ خموش گردیده خواهند گشت که متکبرانه و تحقیرانه حرفهای سخت بر
۱۹ صدیقی میزنند * چه بسیار است نکوئی تو که نهان کردی از برای خائفان خود و بجا آوردی از جهت آن کسانی که در حضور فرزندان انسان بر تو امیدوارند * واز
۲۰ غرور مردم ایشانرا در خلوت حضور خود مستور خواهی کرد وایشانرا از منازعت زبانها در خیمه نهان
۲۱ خواهی نمود * خداوند مبارک باد زیراکه رحمت عجیب
۲۲ خودرا بمن در شهر محکم نشان داد * ومن در نفس خود گفتم که از پیش چشمهای تو دور میشوم اما
۲۳ هنگامیکه ترا خواندم آواز تضرعهای مرا شنیدی * خداوندرا دوست دارید ای مقدسانش که خداوند مؤمنین را
۲۴ نگاه میدارد و مغروررا فراوان عوض می نماید * خاطر جمع باشید که قلب شمارا قوت خواهد داد همگی شما که از خداوند امیدوارید

زبور سي ودويم از آن داود تعليم دهنده ؛

خوشا حال آن کسی که تجاوزش معفو وگناهش مستور
۱ است * خوشا حال آن کسیکه خداوند معصیتش را
۲ بر او محسوب نمیکند ودر روحش غشی نیست * از
جهتم آنکه همه روزه فریاد کردم استخوانهای من
۳ ضایع گردیدند در هنگام خموش بودن من * زیراکه
روز وشب دست تو بر من گران بوده وتر
۴ وتازگی من بخشکی تابستان مبدل گردید سلاه * بگناه
خود معترف شدم ومعصیت خودرا نپوشیده ام گفتم
تجاوزهای خودرا بخداوند اعتراف کرده باشم وتو
۵ وزر وبال مرا بر داشتی سلاه * از اینجهت هر صدیقی در
زمان اجابت استغاثه خواهد نمود ویقین در زمان
۶ طغیان نمودن آبهای بسیار باو نخواهد رسید * وتو
برای من ملجائی ومرا از تنگدستی نگاه خواهی داشت
۷ وبسرودهای رستگارانه مرا احاطه خواهی نمود سلاه * ترا
تفهیم نمایم وتعلیم خواهم داد براهی که در او خواهی رفت

۹ ونظرِ من بر تست وموعظه خواهم نمود * مانند اسپ واستری که آموخته بلگام نخواهد شد مباش که بدین سبب باید دهن بند بدهنش بندند مبادا که ایزایش
۱۰ بتو برسد * عزابها از جهته شریر بسیار است اما رحمت احاطه خواهد کرد بآنکسانی که بخداوند متوکلند
۱۱ * ای صدّیقان از خداوند خوشنود باشید ووجد نمائید وای تمامی راستدلان از جهته شادمانی بسرائید

زبور سي وسيم

۱ ای مقدّسان خداوندرا بسرائید که حمد شایستهٔ از
۲ برای راستانست * خداوندرا در چنگ شکر نمائید
۳ ودر تار ده ریسمانی بوی بسرائید * سرود تازه را برایش
۴ سرود کنید وبشادمانی سازرا بنوازید * بدرستیکه سخن خداوند راستست وهر عملش در حقیقت است
۵ * صداقت وحکم را دوست دارد وزمین از رحمت
۶ خداوند مملوّ است * از سخن خداوند آسمانها بوجود

۷ آمدند وبروح دهنش تمامی لشکرهای ایشان * آبهای دریارا مانند میان شیشه بهم مجتمع میگرداند وعمیق‌هارا

۸ در خزاین بگذارد * تمامی مخلوق زمین از خداوند بترسند وتمامی ساکنان جهان از وی هراسان باشند

۹ * زیراکه خودش گفت وبعمل آمد وخودش فرمان داد

۱۰ وپایدار شد * خداوند مشورت طوایف را ضایع میکند

۱۱ واندیشهای خلایق را معدوم می سازد * تدبیر خداوند تا باید باقی خواهد بود واندیشهای قلبش پشت به

۱۲ پشت * خوشا حال آن قومی که خدای ایشان خداوند است وخلقی را که از جهتم خود برداشت برگزیده

۱۳ است * خداوند از آسمان می نگرد وجملهٔ فرزندان

۱۴ انسان را می بیند * از مکان نشستن خود بر تمامی

۱۵ ساکنان زمین نگریست * قلبهای ایشان را بیک بیک مشکل کرده تمامی اعمال ایشان را ادراک می

۱۶ نماید * پادشاهی نیست که از وفور قوت نجات یابد وته شجاعی که از نیرومندی عظیم خود خلاص یابد

۱۷ * اسپ از برای نجات چیزی فریبنده است واز بسیاری قوت خود صاحبش را خلاص نتواند نمود
۱۸ * اینک نظر خداوند بر خائفان اوست وآنانکه از
۱۹ رحمتش امیدوارند * تا جان ایشانرا از مرگ برهاند
۲۰ وایشان را از جوع زنده نگه دارد * جان ما منتظر
۲۱ خداوند است که پناه ما وسپر ما اوست * بیقین دل ما ازو خوشنود خواهد شد زیراکه باسم مقدس او
۲۲ متوکلیم * خداوندا بر ما رحمت تو باشد بطوری که از تو امیدواریم

زبور سي وچهارم

از آن داود در زماني که در حضور ابي ملك عقل خودرا تغيير داد وملك اورا براند وداود بيرون رفت

۱ در هر وقت خداوندرا شکر خواهم نمود وهمیشه ثنایش
۲ در دهن من خواهد بود * جان من از خداوند فخر خواهد نمود ومفلوکان خواهند شنید وشادمانی خواهند
۳ نمود * عظمت خداوندرا با من وصف نمائید وباهمدیگر

۴ اسمش را بلند نمائیم * خداوندرا تجسّس کردم ومرا
استجابت کرد واز تمامی ترسهای من مرا خلاص کرد
۵ * کسانی که اورا نگریستند منوّر شدند ورویهای
۶ ایشان خجالت نکشیدند * واین مفلوک دعا نمود
وخداوند استجابت فرمود واز تمامی تنگدستیهایش اورا
۷ نجات داد * وفرشتهٔ خداوند در اطراف خائفانش خیمه
۸ میزند وایشان را نجات میدهد * ذائقه نمائید وبه بینند
خداوندرا که نیکوست خوشا حال آنکس که بر او
۹ متوکّل است * ایمقدّسان او از خداوند بترسید زیرا که
۱۰ نقصی بخائفانش نخواهد رسید * شیر بچگان محتاج
وگرسنه میشوند امّا آن کسانی که بخداوند متجسّسند
۱۱ در هر چیز خوب هرگز کم نخواهند دید * ایفرزندان بیائید
واز من بشنوید که شمارا بترس خداوند خواهم آموخت
۱۲ * کیست آن کسی که خواهش حیات دارد وایام هارا
۱۳ از برای دیدن خوبی دوست میدارد * زبان خودرا
۱۴ از بدی ولبهای ترا از گفتن غدر نگاهدار * از شر

روز شو و بخوبی مشغول شو وصلح را تفحص کن
۱۵ واورا متابعت بنما * نظر خداوند بر صدیقانست وگوشش
۱۶ بفریاد ایشان * روی خداوند در ضد بدکاران است
۱۷ تا آنکه ذکر ایشان را از زمین منقطع سازد * صدیقان
استغاثه می نمایند وخداوند اجابت میکند وایشان را از
۱۸ تمامی تنگدستیهای ایشان میرهاند * خداوند بدل
شکستگان نزدیکست وبآن کسانی که روح ایشان
۱۹ غمگین است نجات خواهد بخشید * بلاهای صدیق
بسیار است اما از همهٔ ایشان خداوند بوی نجات
۲۰ خواهد داد * استخوانهای ایشان را نگاه خواهد داشت
۲۱ که از آنها یکی شکسته نخواهد شد * بلا شریر را بقتل
خواهد رسانید ومبغضان صدیق خراب خواهند شد
۲۲ * خداوند جان بندگان خود را فدا کند وتمامی کسانی که
باو متوکلند هرگز خراب نخواهند گردید

زبور سی و پنجم از آن داود

۱ خداوندا با متعدیان من جدال کن وستیزه کن بآن
۲ کسانی که با من جنگ می نمایند * سپر واسلحه را بگیر
۳ و بمعاونت من بر خیز * ودر ضد متعدیان من نیزه
۴ وشمشیر را بکش و بجان من بگو که منجی تو منم * آن
کسانی که متجسسان جان منند خجالت بکشند
وشرمسار باشند وآنانی که از برای اضرار من متفکرند
۵ بر گردیده شوند ورسوا گردند * مثل کاه در پیش باد
۶ باشند وفرشتهٔ خداوند ایشان را براند * راه شان تاریک
۷ ولغزنده باشد وفرشتهٔ خداوند ایشان را طرد نماید * زیرا که
بی سبب از برای من دام خود را پنهان کردند وبی
۸ سبب از برای جان من چاه را کندند * وانهدام
ناگهان بر او برسد وبگیرد اورا آن دامی که خود
۹ پنهان کرده بود در همان تباهی بفتد * واز خداوند جان
من وجد خواهد کرد ودر نجاتش فخر خواهد نمود
۱۰ * جمیع استخوانهای من خواهند گفت که پروردگارا مانند

تو کیست که مظلوم را برهاند از آن کسی که چیره
دست تر از اوست بلکه مظلوم و بیچاره را از مخربش
۱۱ * شاهدان ظالم بر پا ایستادند و آنچه ندانستم از من
۱۲ سوال نمودند * عوض خوبی بدی را بمن برای خرابی جان
۱۳ من باز رسانیدند * و خودم هنگامی که ایشان بیمار شدند
لباسم از دلق شد جانم را بروزه مظلوم کردم و دعای من
۱۴ بسینه ام بازگشت نمود * و خودم مثل رفیق و مانند برادر
رفتار نمودم در لباس سیاه خم شدم مثل کسی که از برای
۱۵ مادرش غمخورد * لیکن در نکبت من شادمانی می
نمایند و بهم میرسند بلکه کوبند کاهی که (ایشان را) نمی
شناسم بر من مجتمع میگردند و میکوبند و توقف
۱۶ نمی نمایند * زبان ستمدیدن من تمسخرانه استهزا می
۱۷ نمودند و دندان خودرا بر من می فشارند * خداوندا تا
بکی ملاحظه خواهی نمود جان مرا از پایمال ایشان
۱۸ و فرویت مرا از شیران برگردان * در میان جماعت
بزرگ ترا حمد خواهم نمود و در میان قوم پرزور ترا

۱۹ تمجید خواهم کرد * آن کسانی که بلا انصاف دشمنان منند بر من وجد ننمایند و آنانی که بیعلت مرا بغض
۲۰ می نمایند چشم را کج نکنند * زیرا که صلح را گفتگو نمیکنند ودر ضد مصلحان زمین سخنان فریبنده را اندیشه
۲۱ مینمایند * ودهن خودرا بر من کشاده میگویند که آخ آخ
۲۲ نظر ما می بیند * خداوند نظر میفرمائی خموش مباش
۲۳ پروردگارا از من دور مشو * ای خداوند من والهٔ من برای داوری من بر خیز وبدعوی من بیدار
۲۴ باش * ای خداوند واله من براستی خود مرا تحکم
۲۵ بفرما تا در ضد من مفتخر نباشند * در قلب خودشان نگویند که آخ بکام ماست ونگویند که اورا فرو آوردیم
۲۶ * آنانی که در بلای من مسرورند تمامی خجلت بکشند وشرمسار گردند و بخجالت وانفعال مستور شوند که
۲۷ خودرا بالای من مرفوع نمایند * آنانی که از صدق من خوشنودند بسرائید وشادمان باشند وهمیشه بگویند که معظم باد خداوند که بسلامت بندهٔ خودرا اراده فرمود

۲۸ *همه روزه زبان من عدالت ترا خواهد بیان نمود
وترا حمد خواهد کرد

زبور سی وششم
سالار مغنیان از آن داود عبد خداوند

۱ اندرون دل شریر سخن عاصی است وبپیش
۲ چشمهایش ترس خدا نیست *زیراکه او در نظرهای
خویش می پسندد کار خودرا نه آنکه گناهش را پیدا
۳ نموده بگناه بغض نماید *سخنهای دهنش باطل
وفریبنده است ودر فهمیدن نسبت بعمل خوبی
۴ توقف مینماید *بطلان را بر بستر خود تفکر میکند ودر
۵ راه ناشایسته قرار میگیرد وبدی را تنفر ندارد *خداوندا
رحمت تو در آسمانها وحقیقت تو تا سپهرهاست
۶ *راستی تو مانند کوههای عظیم است واحکام تو بسیار
عمیق وای خداوند انسان وحیوان را نگاه میداری
۷ *ای خدا کرم تو چه بسیار عزیز است وفرزندان انسان
۸ بکنف اجنحهٔ تو پناه می آورند *از نعمت خانهٔ تو

سیر خواهند شد واز رودخانهای لذیذ خود ایشان را
۹ خواهی نوشانید * زیراکه چشمهٔ حیات با تُست ودر
۱۰ روشنی تو نوری را خواهیم دید * رحمت خودرا بعارفان
۱۱ خود وصداقت خودرا براستدلان برسان * پای کبر
۱۲ بر من نرسد ودست اشرار مرا متحرک نکند * اینک
فسادکنندگان افتاده اند ومردودند ونمیتوانند بر
خواست

زبور سي وهفتم از آن داود

۱ بر اشرار افروخته مشو وبر بدکاران حسد مبر
۲ * بدرستیکه مانند گیاه بزودی منقطع خواهند شد ومثل
۳ نبات تازه پژمرده خواهند گردید * متوکل بخداوند
باش وخوبی را بعمل بیار تا در زمین ساکن باشی
۴ ودر امنیت پرورش یابی * بر خداوند مسرور شو که
۵ خواهشهای دلت را بتو عطا خواهد کرد * طریق خودرا
بخداوند بسپار وبر او اعتماد بنما که او درست خواهد
۶ کرد * وچون نور بیرون راستی ترا خواهد آورد وحکم

۷ ترا چون (زمان) ظهر * نزد خداوند ساکت باش واز او
منتظر باش وافروخته مباش بر آن کسی که براه
خود برخوردار است واز برای کسی که تدبیرهای (خود را)
۸ بجا می آورد * از خشم توقف کن وغیظ را واگذار
۹ وافروخته مباش که مبادا بدی را عمل نمائی * زیرا که
بدکاران منقطع خواهند شد اما آنانی که منتظر خداوندند
۱۰ زمین را بارثیت خواهند داشت * هنوز زمانی (باقیست)
وشریر نخواهد (زیست) وجستجوی بسیار برای مقامش
۱۱ خواهی کرد واورا بنظر نخواهی در آورد * خود فروتنان
وارث زمین خواهند شد واز بسیاری سلامت عیش
۱۲ وعشرت خواهند یافت * شریر در ضد صدیق حیله می
۱۳ کند وبر او دندان خود را می فشارد * خداوند باو استهزا
۱۴ خواهد کرد زیرا می بیند که روزش می آید * اشرار
شمشیر را کشیدند وکمان را خم کردند تا مفلوکان
وبیچارگان را بیندازند تا راست رفتاران را ذبح سازند
۱۵ * شمشیر ایشان در دل ایشان فرو خواهد رفت

١٦ وکمانهای شان شکسته خواهد گردید * قلیل البضاعه
١٧ صدیق از دولت اشرار بسیار افضل است * زیراکه
بازوهای اشرار شکسته خواهد گشت وخداوند معین
١٨ صدیقانست * خداوند روزهای مخلصان را ادراک
١٩ نماید ومیراث ایشان خواهد بود تا ابد * در زمان بلا
خجل نخواهند گشت ودر روزهای گرسنگی سیر
٢٠ خواهند شد * زیراکه اشرار هلاک خواهند شد ودشمنان
خداوند مانند پیه برها مضمحل خواهند گردید ومانند
٢١ دودی نابود خواهند شد * زیرا شریر عاریت میگیرد
٢٢ وادا نمی نماید امّا صدّیق کرم میکند ومی بخشد * زانروکه
سعیدانش وارث زمین خواهند گشت امّا ملعونانش
٢٣ منقطع خواهند شد * قدمهای مرد نیکو از خداوند
استوار گردیده شوند واز طریقش خوشنود خواهد شد
٢٤ * اگرچه بیفتد هلاک نخواهد شد زانروکه دست
٢٥ اورا خداوند بگیرد * جوان بودم وحالا پیرم لیکن
هرگز صدّیق را ندیدم که ترک گشته شود وذریتش

۲۶ نادانرا دریوزه کنند * همه روزه کریم است وعاریت
۲۷ میدهد وذریتش نیز مبارکند * از بدی دور شو
۲۸ ونیکوئیرا بعمل آور وباقی باش تا باید * زیراکه
خداوند عدلرا دوست میدارد ومقدسانشرا
وا نمیگذارد محفوظ میباشند تا باید لیکن ذریت
۲۹ اشرار منقطع خواهند گشت * صدیقان بوراثت
زمینرا خواهند داشت ودر او ساکن خواهند شد تا
۳۰ باید * دهن صدیق حکمت را تقریر خواهد کرد وزبانش
۳۱ عدلرا بیان خواهد نمود * شریعت الهش در دل
۳۲ اوست وقدمهایش لغزش نخواهد نمود * شریر بصدیق
۳۳ مینگرد وتفحص مینماید تا اورا بکشد * خداوند در
دست متجسس اورا فراموش نخواهد کرد ودر زمان
۳۴ حکم بر او باز خواست نخواهد نمود * منتظر خداوند
باش وطریقشرا نگاهدار که ترا از برای وراثت
زمین رفیع خواهد نمود در هنگامی که منقطع شدن
۳۵ شرایررا خواهی دید * شریررا مخوف دیدم چون

مانند درختی که در مکان اصلیش خودرا فرش کرده
۳۶ بشگفد * عبوراً گذشت وناپدید گشت بلکه اورا
۳۷ جستجو کردم وپیدا نشد * انصاف را نگاه دار وبراستی
بنگر زیراکه بقیه از برای مرد صالح می ماند
۳۸ * عاصیان بالکلیه هلاک خواهند گشت واشرار قطع
۳۹ نسل خواهند شد * ونجات صدیقان از خداوند است که
۴۰ در ایام تنگدستی مقوی ایشانست * وخداوند ایشان را
معاونت خواهد کرد وخلاصی خواهد بخشید وایشان را
از اشرار متخلص خواهد فرمود وایشان را نجات
خواهد داد زآنرو که باو متوکلند

زبور سي وهشتم

از آن داود از براي ذكر كردن

۱ خداوندا در غیظ خود مرا عتاب مکن ودر غضب خود
۲ مرا تنبیه مفرما * زیراکه تیرهای تو در من می نشینند
۳ ودست تو بر من شکنجه می نماید * بسبب غضب تو
تندرستی در جسم من نیست واز برای گناه خود آرام

۴ در استخوانهای خود نمی یابم * بدرستی که معصیتهای من
از فوق سر من گذشتند وچون بار گران بر من
۵ بسیار گرانی میکنند * از جهت نادانی من زخمهای
۶ من متعفّن میشوند وپوسیده میگردند * پیچ خورده
۷ بغایت خم شده ام وتمامی روز غمگین میگردم * کمرهای
من از تعب مملو است وتندرستی در جسد من
۸ نیست * بسیار ضعیف وشکسته میشوم واز طپش
۹ دل خود ولوله میکنم * خداوندا تمامی خواهش من در
۱۰ حضور تست ونالش من از تو پوشیده نیست * دل
من میطپد وقوت من مرا وا میگذارد ونور چشمان
۱۱ من خود نیز با من نمی ماند * محبان من ومصاحبان
من در قفای من دور از صدمهٔ من مقیمند وقریبان
۱۲ من دوردور ایستاده اند * اشخاصی که جان مرا
جستجو مینمایند دامهارا می نهند وآن کسانی که ضرر مرا
تفحص مینمایند بدیهارا میگویند وتمامی روز فریب هارا
۱۳ تدبیر میکنند * ومن مانند کر نمی شنوم ومثل گنگی

۱۴ ام که دهن خودرا نمی گشاید * مانند کسی میباشم که اصغا نمی کند وکسی که در دهنش مناقشها نباشد

۱۵ * ای خداوند زآنروکه بتو متوکلم تو استجابت بفرما

۱۶ ای پروردگار وخدای من * جهته آنکه گفتم مبادا برمن فخر کنند ودر هنگامی که پای من لغزش نماید خودرا

۱۷ بر من مرفوع بنمایند * زیراکه بلغزش مهیا ام ودرد

۱۸ من همیشه در نظر من است * برای آنکه معصیت خودرا آشکار مینمایم وبسبب گناه خود مضطرب

۱۹ میباشم * ودشمنان من قیوم وزور آورند وکسانی

۲۰ که مرا بی سبب بغض می نمایند بسیارند * وآنانی که بدی را عوض نکوئی مینمایند اعدای من باشند از

۲۱ جهته آنکه خوبی را متابعت مینمایم * خداوندا مرا وا

۲۲ مگذار وای خدای من از من دور مباش * بمعاونت من شتاب کن ای خداوند منجی من

زبور سي ونهم

سالار مغنّیان از برای یدیثون مزمور داود

۱ گفتم که راههای خودرا محافظت خواهم کرد که مبادا بزبان معصیت نمایم ودر هنگامی که شریر در حضور من است دهن بندرا بر دهن خود نگاه خواهم داشت ۲ * از خواموشی گنگ شدم واز خوبی ساکت گشتم ۳ امّا غم من زیاده گردید * دل من در سینه مشتعل گردید وآتش در زمان تفکّر من مرا سوزانید وبزبان ۴ خود گفتم * خداوندا مرا عارف انجام من وپیمانهٔ ایام من کن که تا بدانم چند است وناتوانی من چه مقدار ۵ است * اینک ایّامهای مرا به پهنائی دست کردی وعمر من در نظرت مانند هیچ است بدرستیکه هرکس ۶ که زیست نماید بالکلّیه باعبث میشود سله * یقین که انسان به بیهودگی رفتار مینماید ومشقّت بیفایده می کشد ومال را جمع میکند ونمیداند کدام کس اورا خواهد ۷ بر داشت * وحال ای خداوند از برای چه منتظر هستم

۸ انتظار من از تست * ومرا متخلص از همه تجاوزهای من
۹ کن وسرکوب احمقان مرا مگردان * گنگ شدم
۱۰ دهن خودرا نگشادم زآنروکه تو بعمل آورده بودی * از
بالای من صدمهٔ خودرا بردار که من از ضرب دست تو
۱۱ کاهیده گشتم * مردم را از برای گناه بعقوبتها تنبیه می
فرمائی وارزویش را مانند سپشه گداخته میسازی یقین
۱۲ همه کس عبث میشوند سله * خداوندا دعای مرا بشنو
وباستغاثهٔ من اصغا کن وباشک من خموشی خودرا
ظاهر مساز زیراکه من مانند پدران خود نزد تو بیگانه
۱۳ ومسافرم * از من متوجه باش که قوی خواهم
گردید پیش از اینکه بروم دباقی نباشم

زبور چهلم

سالار مغنیان مزمور داود

۱ باّمید داری انتظار خداوندرا کشیدم وبسوی من میل
۲ فرمود وفریاد مرا شنید * از چاه ویران واز گل
وحل مرا بر داشت وقدمهای مرا بر سنگ نهاد

۳ وکنگرهای مرا آراسته گردانید *سمدرا برای خدای ما
بدهن من سرود تازه دارد (خلقان) بسیار ملاحظه خواهند
نمود وخواهند ترسید وبخداوند متوکّل خواهند گشت
۴ *خوشا حال آن کس که خداوندرا امید خود میگرداند
ومغروران واشخاصی که در پی کذب میروند توجه
۵ ننمایند * ای خداوند واله من بسیار گردانیدی عجایبات
خودرا وتدبیرات ترا کسی بجهتم ما در حضور تو ترتیب
نتواند نمود اگر (میخواستم ایشان را) بیان سازم وعرض
۶ کنم از حساب افزون بودند *قربانی وهدیه را
نخواستی گوشهای مرا سوراخ کردی قربانی سوختنی را
۷ وهدیه گناه را سوال ننمودی * پس گفتم اینک می
۸ آیم که در جلد کتاب در حق من نوشته است * الهی
از برای عمل آوردن رضای تو خوشنودم وشریعت
۹ تو در میان دل من است * خداوندا تو میدانی که
در جماعت بزرگ بصدق موعظه نمودم که اینک
۱۰ لبهای خودم را وا نداشتم * در میان دل خود عدالت

ترا مخفی ننمودم وفاداری ترا و نجات ترا آشکار نمودم
در جماعت بزرگ کرم ترا وحقیقت ترا پنهان
۱۱ نکردم * تو ای خداوند رحمتهای خودرا از من باز
۱۲ مگیر تا کرم وحقیقت تو مرا دایم نگاه بدارند * بدرستیکه
بلاهای بیشمار مرا احاطه نمودند ومعصیتهای من مرا
اینطور فروگرفته اند که نمیتوانم نگریست زآنروکه
از موهای سر من بیشترند ودل من نیز مرا واگذاشته
۱۳ است * خداوندا از برای استخلاص من راضی
۱۴ شو پروردگارا بمعاونت من شتاب کن * آن
کسانی که جان مرا جستجو مینمایند تا اورا هلاک
کنند بهم منفعل شده شرمندگی برند وآن کسانی
که از بلای من خوشوقتند برگردانیده ورسوا گردند
۱۵ * وآن کسانی که بمن افسوس میبرند از برای ننگ
۱۶ خود خراب کرده شوند * تمامی طالبان تو خوشنود
باشند واز تو مسرور شوند وآنانیکه محبّان نجات تو
۱۷ اند همیشه بگویند که عظیم باد خداوند * اگرچه من

بیچاره ومسکینم لیکن خداوند در بارهٔ من فکر می نماید
معاون من ومنجی من توئی ایخداوند توقف مکن

زبور چهل ویکم سالار مغنّیان مزمور داود

۱ خوشا حال آن کس که مسکین را ادراک نماید
۲ خداوند اورا در ایّام بلا متخلص خواهد کرد * خداوند اورا محافظت خواهد کرد واورا زنده خواهد داشت در زمین خجسته خواهد بود واورا بخواهش دشمنانش
۳ تسلیم نخواهد نمود * خداوند اورا بر بستر سقم پناه خواهد بود (خداوندا) در بیماری او تمامی فرشش را درست
۴ خواهی گردانید * من گفتم که خداوندا مرا رحمت کن وبجان من شفا ببخش زیراکه بخلاف تو گناه کردم
۵ * دشمنان من در حق من تکلّم می نمایند که کی او
۶ خواهد مرد واسمش کم خواهد شد * کسی اگر از برای ملاقات من آید فریبانه متکلّم می شود ودل او از برای خود بدی را فراهم آورد بیرون میرود وخبر

۷ میدهد *تمامی مبغضان من بیکدیگر در ضد من
نجوی میگویند وبلای مرا بر من حساب میکنند
۸ *که مرض فاسد بر او ریخته شده است چون که
۹ خوابید نمیتواند بر خیزد *ونیز آن کسی که مشفق
من بود وباو متوکل بودم ونان مرا خورد بر من
۱۰ پای خیانت را بلند کرد *وتو ای خداوند مرا رحمت
۱۱ بفرما ومرا بر خیزان تا بایشان عوض نمایم *ازین
میدانم که از من خوشنودی زیراکه دشمن من بر
۱۲ من فخر ننمایند *ونسبت بمن در ساده ولی من
معاونت نمودی ودر حضور خود مرا قیوم ساختی تا
۱۳ باید *مبارک باد خداوند وخدای اسرائیل از ازل
تا باید آمین آمین

زبور چهل ودویم

سالار مغنیان تعلیم از برای فرزندان قارون

۱ ای خدا بطوری که چون آهو از برای آبهای جاری
منتظر است بهمین طریق جان من منتظر تست

۲ *جان من از برای خدا بلی خدای حیّ تشنه است
که کی خواهم آمد ودر حضور خدا نمودار خواهم گشت
۳ *اشکهای من روز وشب مرا عوض نان شد هنگامی
۴ که هر روزه بمن میگویند که خدای تو کجاست *اینهارا
بخاطر آورده ام و(آرزوی) جان خودرا بیرون میریزم تا
آنکه چون گروه عید نمایند بگذرم (بخیمه) وبآواز سرور
۵ وشکر گذاری ایشان را بخانهٔ خدا روان نمایم *ای جان
من چرا منحنی میشوی ودر اندرون من چرا مضطرب
میکردی متوکّل بخداوند باش زیراکه هنوز اورا شکر
۶ خواهم کرد که منجی ذات من است *یا الهی جان
من در اندرون من منحنی میشود زآنرو در زمین
اردن وحرمونیان واز کوه مصعر ترا بخاطر خواهم آورد
۷ *موج بموج در آواز تلاطمهای تو فریاد میکند تمامی
۸ شکستهای امواج تو بر من عبور نمایند *در روز
خداوند رحمت خودرا عطا خواهد فرمود ودر شب سرود او
با من خواهد بود ودعای من با خدای حیات من است

۹ * بخدا میگویم که ایکوه من از برای چه مرا فراموش
۱۰ کردی چراکه از ظلم دشمن غمگین میروم * زمانی
که شمشیر در استخوانهای من است اعدای من
مرا فحش میدهند وهر روز میگویند که خدای تو
۱۱ کجاست * ای جان من چرا منحنی میشوی ودر
اندرون من چرا مضطرب میکردی متوکل بخداوند
باش زیراکه هنوز اورا شکر خواهم کرد که منجی ذات
من وخدای من است

زبور چهل وسیم

۱ خدا یا حکم برای من کن ودعوای مرا تفتیش کن
واز طائفهٔ بیرحم وآدم محیل وفساد کننده مرا متخلص
۲ کن * بدرستیکه خدای مقوی من توئی ومرا از چه
سبب دور میگردانی چرا نوحه کنان در هنگام ظلم
۳ نمودن دشمن بروم * نور خود وحقیقت خودرا بفرست
تا آنها مرا رهبری نمایند ودر کوه قدس تو ودر خیمهای

۴ تو مرا روان بگرداند * بقربانگاه خدا خواهم رفت که
خدا سرور وشادمانی من است وبر بربط ترا شکر
۵ خواهم نمود ای خدای من واله من * ای جان من
چرا منحنی می شوی وچرا در اندرون من مضطرب
میباشی بخدا متوکل باش زیراکه هنوز اورا شکر
خواهم کرد که منجی ذات من وخدای من است

زبور چهل وچهارم

به سالار مغنیان تعلیم از براي فرزندان قارون

۱ خداوندا بگوشهای خود شنیدیم وپدران ما بما خبر دادند
عملی راکه در ایامهای ایشان ودر ایامهای قدیم بجا
۲ آوردی * تو بدست خود طوایف را بیرون کردی
وایشان را نشاندی وقبایل را مبتلا کردی وایشان را
۳ شگفته گردانیدی * زیراکه نه بشمشیر خود زمین را وارثی
کردند ونه بازوی شان ایشان را نجات داد مگر یمین
تو وبازوی تو ونور دیدار تو بسبب آنکه از ایشان
۴ رضامند بودی * خدایا تو خود آنی که پادشاه منی نجاتهارا

۵ به یعقوب مقرر بفرما * بمدد تو دشمنان مارا خواهیم راند
وباسم تو کسانی که در ضد ما بر میخیزند پامال خواهیم
۶ کرد * زیراکه از کمان خود امیدوار نخواهم شد وشمشیر
۷ من بمن نجات نخواهد داد * زآنروکه مارا از دشمنان
ما نجات دادی ومبغضان مارا شرمسار گردانیدی
۸ بخدا در تمامی روز فخر خواهیم نمود وباسم تو شاکر
۹ خواهیم شد تا ابد سله * بدرستیکه مارا دور نمودی وشرمسار
۱۰ گردانیدی وبا لشکرهای ما نمیروی * مارا از دشمن عقب
می نشانی ومبغضان ما از جهته خودشان مارا غارت می
۱۱ نمایند * مارا مانند گوسفندان اطعمه تسلیم کردی ودر
۱۲ میان طوایف مارا پراگنده نمودی * مخلوق خودرا
بیفایده فروختی واز قیمتهای ایشان (مال) خود
۱۳ نیفزودی * مارا مطعون بهمسایگان ما ومسخره ومضحکه
۱۴ بآن کسانی که در اطراف ما میباشند گردانیدی * مارا
مثل در میان طوایف وجنبانیدن سر در میان
۱۵ خلقان نمودی * ننگ من هر روزه در نظر من است

۱۶ وشرم روی من مرا مستور نموده است * بسبب
طعن کننده ودشنام دهنده وبرای انتقام کردن دشمن
۱۷ (بر من) * اینها همه بما رسیده است وترا فراموش نکردیم
۱۸ ودر عهد تو کذب ننمودیم * از راههای تو دل ما بر
۱۹ نگردیده است وپای ما منحرف نرفته است * اگرچه
مارا در مقام اژدرها شکسته گردانیدی وسایهٔ مرگرا
۲۰ بر ما پوشانیدی * مگر اسم خدای مارا فراموش کردیم
۲۱ ودستهای خودرا بسوی خدای دیگر بلند کردیم * آیا
این را خدا تفتیش نخواهد کرد زیراکه او عارف رازهای
۲۲ دل است * بدرستیکه همه روز از بهر تو بقتل
رسانیده میشویم ومانند گوسفندان ذبیح شمرده میشویم
۲۳ * خداوندا بیدار باش چرا می غنوی بر خیز ودور مباش
۲۴ تا بابد * چرا روی خودرا پنهان می نمائی ظلم مارا وستم
۲۵ مارا فراموش میکنی * زیراکه جان ما بخاک منحنی
۲۶ شده است وبدن ما بزمین چسپیده * برای معاونت
ما بر خیز وبسبب رحمت خود مارا هدیه کن

زبور چهل وپنجم

سالار مغنیان در حق سوسنها تعلیم از برای فرزندان قارون سرود محبتها

۱ دل من از سخن نیکو میجوشد وعمل خودرا بپادشاه
عرضه میکنم زبان من مانند قلم نویسنده حاضر است
۲ * زیباتر از بنی آدم هستی ومهربانی بر لبهای تو ریخته
شده است زآنرو که خدا بتو برکت داده است تا
۳ ابد * ای صاحب قوت بجلال تو وبزرگی تو شمشیر
۴ خودرا بکمر خود به بند * وبر عظمت خود در باره
حقیقت وحلم وعدالت بختیارانه سوار شو که یمین
۵ تو چیزهای مخوف را بتو نشان خواهد داد * تیرهای
تو تیز در دل دشمنان پادشاه میباشند تا خلقان
۶ زیر (دست) تو بیفتند * خدایا کرسی تو تا ابد الاباد
۷ است وعصای ملک تو عصای عدالتست * صدق را
دوست داشتی وشررا بغض نمودی زآنرو که خدا

خدای تو از روغن شادمانی بیشتر از رفیقان تو ترا
۸ چرب کرد * تمامی رختهای تو از مر وعود وسلیخه اند
از قصرهای عاجی بجهته شاد گردانیدن تو (می آورند)
۹ * دختران پادشاهان ودوشیزگان معزز تو حاضرند وبکم
۱۰ بیمین تو در زر اوفر ایستاده * ای دختر بشنو وبه بین
وگوش خودرا واکن کسان خود وخانهٔ پدرت را
۱۱ فراموش نما * آنگاه پادشاه آرزومند حسن تو خواهد شد
۱۲ اورا تعظیم بکن از آنجا که صاحب تست * ودختر
صور با تحفه (خواهد آمد) وخلقان دولتمند دعاگوئی
۱۳ نعمت تو خواهند بود * دختر پادشاه بالکلیه صاحب
جلال است که لباس اندرونش از بافتهای زریست
۱۴ * در مخیطهای گوناگون پیش پادشاه آورده خواهد
شد ودوشیزگان رفیقان او در عقبش میروند وپیش
۱۵ تو راه خواهند یافت * بعیش ووجد آورده خواهند شد
۱۶ وبدرگاه پادشاه داخل خواهند گشت * عوض پدران تو

فرزندان پیدا خواهند شد وایشانرا در تمامی زمین سرداران
۱۷ خواهی گردانید * اسم ترا پشت به پشت مذکور خواهم
کرد زآنرو که خلقان شاکر تو خواهند گشت تا ابد الاباد

زبور چهل وششم

سالار مغنیان از برای فرزندان قارون وسرود در حق سرّها

۱ خدا ملجا وقوت ماست هنگام تنگ وستیها معین
۲ عظیمی پیدا خواهد شد * ازین سبب اگرچه زمین
متزلزل شود وکوهها از جا بقلب دریا افگنده شوند
۳ نخوهیم ترسید * اگر آبهایش خروشان ومضطرب
۴ گردند وکوهها از تموّجش لرزان بشوند سله * رودخانه
ایست که سیلهایش مدینهٔ خدارا ومسکنهای قدس
۵ تعالی را مسرور میگرداند * متحرک نخواهد گشت
که خدا در اندرون اوست وخدا در طلوع صبح یاری
۶ خواهد نمود * طوایف غوغا کردند وممالک متحرک
۷ گشتند بآوازش فرمان داد زمین گداخته شد * خداوند
لشکرها با ماست وخدای یعقوب سرافرازی ماست

۸ سلہ * بیائید واعمال خداوندرا ببینید که چه خرابیها
۹ در زمین کرده است * بانجام زمین جنگهارا موقوف
میگرداند وکمان را می شکند ونیزه را منقطع میکند
۱۰ وعرابهارا در آتش می سوزاند * خاموش باشید وبدانید
که من خدایم در میان طوایف مرفوع خواهم شد ودر
۱۱ زمین بلند خواهم گشت * خداوند لشکرها با ماست
وخدای یعقوب سرافرازی ماست سله

زبور چهل وهفتم

سالار مغنیان مزمور از برای فرزندان قارون

۱ ای تمامی خلقان دست افشانید وبخدا بآواز ظفر
۲ صدا زنید * زیراکه خداوند تعالی مهیب است
۳ وپادشاه عظیم بر تمامی زمین * خلقان در تحت ما
۴ وقومهارا زیر پاهای ما فرو خواهد آورد * میراث را از
جهته ما خواهد برگزید از سرافرازی یعقوب که اورا
۵ دوست داشته است سله * خدا بغریو (خلایق) صعود
۶ نموده است وخداوند بآواز کرنا نای * بسرائید خدارا

۷ بسرائید بسرائید پادشاه مارا بسرائید * از آنجاکه خدا
۸ پادشاه تمامی زمین است عاقلانه بسرائید * خدا بر طوایف
مسلّط است وخدا بر کرسی قدسش می نشیند
۹ * بزرگان خلقان جمع شده اند (یعنی) خلق خدای ابراهیم
زیراکه سپرهای زمین از آن خدا است که بسیار
رفیع است

زبور چهل وهشتم

سرود ومزمور از براي فرزندان قارون

۱ خداوند عظیم است وبسیار ستایش کرده میشود در
۲ شهر خدای ما وکوه قدسش * خوش وضع است
کوه صیهون که خوشنودی تمامی زمین است در
۳ طرف شمالیش شهر پادشاه عظیم است * ودر
۴ قصرهایش خدا بملجا معروفست * زیراکه اینک
پادشاهان مجتمع شدند وعبوراً با همدیگر گذشتند
۵ * وایشان دیدند زآنرو متعجب شدند ومضطرب
۶ گردیدند وبشتاب رفتند * آنجا لرزش ودرد مانند

۷ بمخاض بر ایشان مستولی گشت * کشتیهای
۸ ترشیش را از باد مشرق شکستی * بطوریکه شنیدیم
بهمان طریق دیدیم در شهر خداوند لشکرها ودر شهر
۹ خدای ما خدا اورا ثابت خواهد کرد تا ابد سلـه * ای
خداوند در بارهٔ رحمت تو اندیشه نمودیم که در اندرون
۱۰ هیکل تُست * مانند اسمت ای خداوند تمجید تو
تا بانجام زمین است وبمین تو از عدالت مملو
۱۱ است * بسبب احکام تو (ساکنان) کوه صیهون
۱۲ خوشنود باشند ودختران یهودا وجد نمایند * صیهون را
بگردید واورا دوّر بکنید وبرجهایش را حساب کنید
۱۳ * دل خودرا برحصارش بنهید وقصرهایش را ملاحظه
۱۴ نمائید تا آنکه بذرّیت آخرین خبر بدهید * زیراکه این
خدای خدای ماست تا ابد الاباد واو مارا تا (بوقت)
مرگ رهبری خواهد نمود

زبور چهل ونهم

سالار مغنیان از برای فرزندان قارون

۱ ای تمامی خلقان این را بشنوید وای جمیع ساکنان
۲ جهان گوش بکنید * هم فرزندان عام وهم فرزندان
۳ خاص وهم غنی وهم فقیر * دهن من حکمتهارا تکلم
۴ ودل من عقلهارا تفکر خواهد نمود * گوشم را
بمثل وا خواهم کرد ومعمای خودرا بر بربط فتح خواهم
۵ نمود * در روزهای بلا چرا خواهم ترسید با وجود آنکه
ظلم آن کسانی که در ضد من حیله می بندند مرا
۶ احاطه نماید * آن کسانیکه بمال خود متوکلند وفخر
۷ بر بسیاری دولت خودشان می نمایند * کسی برادر خودرا
بفدا وفدیه خلاص نتواند نمود واز جهتش بخدا کفاره
۸ نمی تواند داد * وفدیهٔ جان ایشان گران بهاست
۹ وآنکس که همیشه متوقف است * هم زنده خواهد
۱۰ شد وتا ابد فسادرا نخواهد دید * اگرچه به بیند ودانایان
مانند نادان وبیعقل میمیرند وهلاک می شوند ومال

۱۱ خودرا بغریبان وا میگذارند * ومتخیلهٔ ایشان (خطور می کند) که خانهای ایشان دایماً میباشند ومساکن ایشان پشت به پشت (باقیست) ونامهای خودرا
۱۲ بر زمینهای خود میخوانند * وانسان در عزت باقی نمی ماند ومانند وحشیان است که منقطع می شوند
۱۳ * این راه ایشان از حماقت ایشانست واولاد ایشان
۱۴ از دهن ایشان خوشنودند سله * مانند گوسفندان در قبر انداخته می شوند ومرگ ایشان را شبانی مینماید وراستدلان در صبح بر ایشان تسلط خواهند یافت وصورت ایشان متبدل خواهد گشت وقبر مسکن ایشان
۱۵ خواهد بود * اما خدا جان مرا از دست قبر خلاص
۱۶ خواهد کرد زیراکه مرا می پسندد سله * هنگامی که کسی
۱۷ مغنی میگردد وچون جلال خانه اش می افزاید مترس
۱۸ * بدرستیکه هنگام مردنش چیزی را نخواهد برد وعظمتش در قفای او نازل نخواهد شد * زیراکه زمان زندگانیش خودرا خوشوقت مینمود اما (در

آخرت) ترا مدح خواهد نمود زآنرو که از جهته خود
۱۹ عمل نیکو کردی * بسلسلهٔ پدرانش ملحق خواهد
گشت وتا باید نور را نخواهد دید * انسان که در عزتست
ونمی فهمد مانند وحشیان است که منقطع باشند

زبور پنجاهم مزمور آصف

۱ خدای قوی وخداوند تکلم فرمود وزمین را از مطلع
۲ آفتاب تا بمغربش دعوت نمود * خدا از صیهون
۳ که حسن کامل دارد درخشان شد * خدای ما خواهد
آمد وخاموش نخواهد بود وآتش در پیش او مشتعل
۴ ودر اطرافش طوفان تند است * از فوق آسمانها
وزمینها را بحکمرانی قومش دعوت خواهد فرمود
۵ * که ای مقدسان من مجتمع باشید که عهد مرا در
۶ ذبح کردید * وآسمانها صدقش را آشکار خواهند کرد
۷ زیراکه خدا خود قاضی است سله * ای قوم من
بشنوید که تکلم خواهم نمود وای اسرائیل که بر تو
۸ شهادت خواهم داد خدا واله تو منم * ترا از برای

ذبیحهای تو وقربانیهای سوختنی تو عتاب نخواهم کرد
۹ که همیشه در حضور من می باشند *گوسالهرا از خانهٔ
۱۰ تو وبزهارا از علفزار تو نخواهم گرفت *زیراکه تمامی
جانوران جنگل ووحشیان بر کوههای که گاوان در
۱۱ ایشان میچرند از آن من است *تمامی طیور کوههارا
۱۲ می شناسم ووحش صحار با من است *اگر گرسنه
شوم ترا خبر نخواهم داد زیراکه جهان ومملویش از
۱۳ آنِ من است *آیا گوشت گاوان را خواهم خورد
۱۴ وخون بزان را خواهم آشامید *بخدا شکر را قربان کن
۱۵ وبتعالی نذور ترا ادا کن *ومرا در روز تنگدستی بخوان
که ترا خلاص خواهم کرد وجلال را بمن وصف خواهی
۱۶ نمود *وخدا بشریر میگوید که بچه ترا کار آید که حقوق
مرا مشهور میسازی وعهد مرا بر دهن خود بر میداری
۱۷ *وتو تعلیم را بغض نمودهٔ وسخنهای مرا خود در
۱۸ تاخیر انداختی *اگر دزدرا بنظر در آوردی از او
۱۹ خوشنودی وحصهٔ تو با زناکاران است *دهن خودرا

۲۰ بجدی وا میکنی وزبان تو حیله می بندد * می نشینی
وخلاف برادر خود حرف میزنی وخلاف فرزند مادر
۲۱ خود فحش میگوئی * این چیزهارا بعمل آوردی
وخاموش بودم پنداشتی که من نیز مانند تو میباشم
ترا عتاب خواهم کرد واینهارا پیش چشمهای تو خواهم
۲۲ گذاشت * الحال ای از خدا ناسپاس این را بفهمید
۲۳ مبادا شمارا منقطع کنم وخلاص کننده نباشد * آنکس
که شکررا ذبح می نماید بمن جلال را وصف می نماید
وآنکس که راه خودرا درست میسازد نجات خدارا
باو نشان میدهم

زبور پنجاه ویکم

سالار مغنّیان مزمور داود در هنگامی که به بِت شِبع دخول
کرده بود ناثن پیغمبر نزد او آمد

۱ ای خداوند موافق رحمت خود مرا ترحّم کن ومطابق
۲ کثرت رافت خود تجاوزهای مرا محو کن * مرا بالکلیه
از معصیت من بشوی واز گناه من مرا مطهّر ساز

۳ *زیراکه من به تجاوزهای خود معترفم وگناهم همیشه در
۴ نظر من است *در ضد تو و بمجرد خلاف تو خطا
ورزیدم وبدی را در حضور تو بعمل آوردم تا آنکه زمان
۵ اقوال خود عادل وهنگام تحکم خود پاک باشی *اینک
در معصیت مصور شدم ومادرم در گناه مرا حمل
۶ گرفت *اینک راستی را در دلها میخواهی وحکمت را
۷ بقلب من شناخته میگردانی *با زوفا مرا از گناه
مصفّی کن که مطهر گردم ومرا بشوی که از برف سفید
۸ تر خواهم گشت *مرا مستمع سرور وشادمانی بگردان
۹ تا استخوانهای که ایشان را شکستهٔ بوجد آیند *روی
خودرا از گناه من مستور کن وتمامی معصیتهای مرا محو
۱۰ ساز *ای خدا در من دل پاک را خلق کن ودر
۱۱ اندرون من روح راست را تازه کن *مرا از حضور
۱۲ خود دور مکن وروح قدس خودرا از من مگیر *بمن
خوشنودی نجات خودرا باز برگردان تا روح اعتاق
۱۳ مرا معاونت کند *بمتجاوزان طریقهای ترا تعلیم

خواهم داد وگناه کاران بسوی تو برگشته خواهند شد
۱۴ * ای خدا واله منجی من مرا از خونها متخلص کن
۱۵ که زبان من صدق ترا وصف خواهد نمود * پروردگارا
لبهای مرا واکن که دهن من وصف ترا آشکار
۱۶ خواهد کرد * زیرا که ذبح را قبول نمیکنی وگرنه خواهم
۱۷ ادا کرد از قربان سوختنی راضی نیستی * روح محزون
ذبحهای خداست وخدا دل شکسته وغمگین را حقیر
۱۸ نخواهد نمود * در رضایت خود نیکوئی را بصیهون مقرر
۱۹ فرما ودیوارهای اورشلیم را بنا کن * آنزمان از ذبحهای
صدق وقربان سوختنی وتمام سوختنی خوشنود خواهی
بود آنگاه گوسالهارا در مذبح تو قربان خواهند کرد

زبور پنجاه ودوم

سالار مغنّیان تعلیم داود در هنگامی که دوئگ ادومی
آمد وبساول خبر داد واورا گفت که داود بخانهٔ
آحیملک آمده است

۱ ای صاحب تکبّر چرا در بدی فخر می نمائی هر روزه

۲ مهربانی خدا (با من است) * ای حیله کننده مانند استره
۳ تیز زبان تو ضررا اندیشه مینماید * بدرا از نیکو
۴ وکذب را از راست ترجیح میدهی * ای از زبان
۵ محیل تمامی حرفهای متضرررا دوست میداری * هم
خدا ترا هلاک خواهد کرد تا بابد وترا ریزه ریزه خواهد
کرد واز خیمهٔ تو ترا بیرون خواهد افگند وترا از زمین
۶ زندگانی خواهد کند سله * صدیقان خواهند دید وترسان
۷ خواهند گشت وبر او تبسم خواهند نمود * که اینک آنست
کسی که خدارا قوت خود نمیگرداند وبکثرت دولت
۸ خود متوکل بود واز ظلم خود استوار کرد * ومن در
خانهٔ خدا مانند درخت زیتون پر برگم وبرحمت
۹ خدا متوکلم تا ابد الاباد * تا باید شاکر تو خواهم بود
زآنرو که تو بعمل آوردی واز نام تو منتظرم زیرا در
نظر مقدسان تو نیک است

زبور پنجاه وسیم
سالار مغنّیان تعلیم داود بر امراضها

۱ ابله در دل خود گفته است که خدا نیست تباه می
شوند ومعصیت پلید بعمل می آورند ونکو کننده
۲ نیست * خدا از آسمانها بر فرزندان آدم نگریست
۳ که بنظر آید کسی که فهم کند یا طالب خدا باشد * تمامی
ایشان واپس برگشتند وهمه گندیده می شوند نکو
۴ کننده نیست یک کس هم نیست * ایا فساد
کنندگان نمیفهمند که قوم مرا تناول می نمایند چون
۵ نان را میخورند وخداوندرا نمیخوانند * در جائی که خوف
نبود بغایت مخوف گردیدند زیرا که خدا استخوانهای
آنکس را که بر تو خیمه زد پراگنده کرده است تو
ایشان را شرمسار گردانیدی زانرو که خدا ایشان را حقیر
۶ نمود * ایا کیست که نجات اسرائیل را از صیهون خواهد
داد زمانی که خداوند اسیر قوم خودرا رد کند یعقوب
خوشحال خواهد گردید واسرائیل مسرور خواهد بود

زبور پنجاه وچهارم

سالار مغنّیان تعلیم داود بر تارهاي ریسماني در هنگامي که زیفیان آمدند وبساول گفتند که آیا داود خودرا درمیان ما مستور کرده است

۱ ای خدا باسم خود مرا نجات بده وبقوّت خود از جهت ۲ من حکم بفرما * ای خدا دعای مرا بشنو وسخنان ۳ دهن مرا اصغا کن * زیرا که غریبان در ضدّ من مقاومت می نمایند ومخوفان حال مرا تجسّس میکنند ۴ خدارا در نظر خود نمی آرند سلم * اینک ناصر من ۵ خداست وخداوند با یاران جان من است * بدی را بدشمنان من بر میگرداند وایشان را براستی خود ۶ منقطع کن * از رضامندی بتو قربان خواهم کرد ای خداوند شاکر اسم تو خواهم بود زیرا که نیکوست ۷ * بدرستیکه مرا از هر تنگ وستی آزاده کرده است وچشم من بر دشمنان من خواهند نگریست

زبور پنجاه و پنجم

سالار مغنیان تعلیم داود بر تارهای ریسمانی

۱ خدایا دعای مرا اصغا کن و از تضرع خود مستور مکن
۲ * بمن متوجه شو و مرا مستجاب کن که از اندیشه
۳ کاهیده شده و ناله می نمایم * و بسبب آواز دشمن از روی
ظلم شریر زیراکه بر من بدی را می اندازند و بغیظ بر
۴ من کینه میکنند * دل من در اندرون من درد
۵ میکند و خوفهای مرگ بر من افتاده است * بر
من ترس و رعشه رسیدند و مرا هیبت مستور کرده
۶ است * و گفتم که کیست که مرا مانند کبوتر بال خواهد
۷ داد که بپرم و ساکن شوم * در اینصورت من فراراً
۸ دور میشوم و در بیابان بر می برم سلح * رستگاری
۹ خودرا از باد تند و از طوفان ستابان می نمودم * خداوندا
زبان ایشان را ببر و جدا بکن زانرو که در شهر ستم
۱۰ و ستیزه ایشان را دیدم * که روز و شب که اورا از راه
دیوارش دور می نمایند و برای اندرونش بلا و محنت

۱۱ میباشند * در اندرونش ظلمهاست واز کوچهایش
۱۲ فریب وغدر اخراج نمیشوند * ولیکن آن کس که مرا
فحش داد (ظاهرًا) دشمن من نبود وگرنه متحمّل میبودم
وآنکس که بر من فخر می نمود آشکار مبغض من نبود
۱۳ وگرنه از آن مستور می شدم * امّا ایمرد تو مانند خودم
۱۴ محرم من ورفیق من بودی * ما از همدیگر نصیحت
شیرین میگرفتیم وبخانهٔ خدا در میان گروه رفتار نمودیم
۱۵ * مرگ بر ایشان برسد وزنده بقبر فرو بروند زیرا
که بدکاری در مکان ایشان ودر اندرون ایشانست
۱۶ * ومن بخدا دعوت خواهم کرد وخداوند مرا نجات
۱۷ خواهد داد * صبح وشام وظهر متفکّر خواهم شد ونالش
۱۸ خواهم کرد ومرا مستجاب خواهد فرمود * جان مرا از
جنگ ضدّ من در امان نگاهدارد زآنرو آن
کسانی که بجهته من ایستادند در عوض بسیاری می
۱۹ باشند * خدا خواهد شنید وآنکس که از قدیم باقیست
ایشان را مبتلا خواهد کرد سلم بایشان انقلابها نیست

۲۰ واز خدا نمی ترسند * بخلاف صلح اندیشان خود
۲۱ دستهایش را دراز کرد عهد خودرا شکست * دهنش
از مسکه چرب گوتر وقلبش از جنگ پر است
وکلامش سست تر از روغن وهمین (کلمات) چون
۲۲ شمشیر کشیده (میباشند) * اندیشهٔ خودرا بخداوند وا
گذار که او ترا حمایت خواهد نمود وصدیق را متزلزل
۲۳ نخواهد کرد تا باید * وتو ای خدا ایشان را بچاه هلاک
فرو خواهی برد ومردمان خونریز وفریبنده روزهای
خودشان را نصف خواهند کرد ومن متوکل بتو ام

زبور پنجاه وششم

سالار مغنیان بر کبوتر خموش ودر جایهای دور تصنیف
داود در هنگامی که فلستیان اورا در شهر گت گرفتند
۱ خداوندا بر من رحم کن زیراکه انسان مرا میخواهد
۲ به بلعد هر روزه (عدو) بر من ظلم مینماید * دشمنان
من هر روزه مرا خواهش بلعیدن دارند بدرستیکه
کسان بسیارند که از تکبر بر من جنگ می نمایند

٣ *روزی که من مخوفم بتو پناه خواهم آورد * بخدا کلامش را حمد خواهم نمود وبخدا متوکلم ونخواهم ترسید
٥ از آنچه بشر در ضدّ من بعمل آورد * هر روزه بعکس سخنهای مرا می بیچانند وتمامی اندیشهای ایشان در
٦ حقّ من از برای ضرر است * ایشان مجتمع میگردند وخودرا پنهان میکنند ونشان پاهای مرا می
٧ نگرند زیراکه منتظر جان منند * از جهتهٔ ایشان امیدِ رستگاری به بیهودگی است ای خدا در غیظ (خود)
٨ خلقان را تنزّل بگردان * تو انتقال مرا محسوب مینمائی واشکهای مرا در شیشهٔ خود میگذاری آیا
٩ (آنها) در دفتر تو (ثبت) نیستند * هنگامیکه مشغول دعوتم آنگاه دشمنان من بعقب خواهند برگشت
١٠ این را میدانم که خدا از آن من است * بخدا کلامش را حمد خواهم کرد وبه پروردگار کلامش را تسبیح خواهم
١١ نمود * بخدا متوکّلم ونخواهم ترسید از آنچه انسان در
١٢ ضدّ من بعمل آورد * ای خدا نذور تو بر من است

١٣ وبتو حمدها را عود خواهم نمود * بدرستیکه جان مرا از مرگ خلاص کردی آیا پاهای مرا از لغزش استوار نخواهی کرد تا آنکه بنور زندگانی در حضور خدا رفتار نمایم

زبور پنجاه وهفتم

سالار مغنیان غیر مهلك تصنیف داود هنگامی که از نزد ساول بمغاره گریخت

١ ای خدا بمن رحم کن وبمن ترحم بنما زیراکه جان من بتو پناه آورده است وبر کنف اجنحهٔ تو
٢ پناه می آورم تا بلاها بگذرند * خدائی تعالی را خواهم خواند
٣ آن خدای که بر من می پردازد * (نصرت را) از آسمانها خواهد فرستاد ومرا متخلص خواهد کرد وبلع کنندهٔ مرا رسوا خواهد گردانید سله خدا رحمت خود ووفای
٤ خود را خواهد فرستاد * جان من در میان شیرها ومن در میان فرزندان آتشبار انسان میخوابم که دندانهای ایشان نیزه وتیرها اند وزبان شان شمشیر تیز است
٥ * ای خدا بر فوق آسمانها وبر تمامی زمین جلال خود را

۶ مرفوع نما * دام را از برای قدمهای من گذاشتند و جان
من منحنی است از جهتهٔ من چاه را کندند و در
۷ میانش در افتادند سله * ای خدا دل من آماده و دل
۸ من مهیاست تا مزمور را بسرایم و بخوانم * ای جلال من
بر خیز و بر خیز ای چنگ و بربط که در صبح خواهم
۹ بر خواست * ای خداوند در میان خلقان شاکر تو
۱۰ خواهم بود و در میان قومها ترا مزمور خواهم کرد * زیرا که
رحمت تو تا باسمانها و حقیقت تو هم تا سپهر بزرگست
۱۱ * ای خدا بر فوق آسمانها و بر تمامی زمین جلال خود را
مرفوع بنما

زبور پنجاه و هشتم
سالار مغنیان غیر مهلك تصنیف داود.

۱ ای جماعت آیا فی الحقیقه بصدق تکلم مینمائید و ای
۲ فرزندان انسان آیا براستی فتوی میدهید * یقین
ظلم را از دل در زمین بعمل می آورید و ستم دستهای
۳ خود را می سنجید * منافقان از رحم بیگانه اند و کاذبانه از

۴ رحم کجرفتاری می نمایند * زهر ایشان مانند زهر مار
۵ است و مانند افعی کر که گوشش را بہ بندد * که آواز
مسخر کنندہ‌گان را که افسون کنان افسونهای
۶ حکمتانه می نمایند نشنود * ای خدا دندانهای شان را
در دهن ایشان بشکن خداوندا دندانهای نیش شیر
۷ بچگان را بکسل * بگدازند مانند آبهائی که از خود
جاریست اگر تیرهای خود را بزه کنند (بفرما) که مثل
۸ خوردها ریز ریز گردند * مانند حلزون گداخته ضایع
شوند مثل طفل نا رسیدهٔ زن که آفتاب را نه بینند
۹ * پیش از آنکه دیگهای شما (آتش) خارها را در یابد
۱۰ گردباد ایشان را تر و خشک خواهد ربود * هنگامی که
صدیق انتقام را بیند خوشنود خواهد بود قدمهایش را
۱۱ در خون منافق خواهد شست * و مردمان خواهند
گفت که فی الحقیقه اجر از برای صدیق است
بالتحقیق خدا بر زمین تحکم مینماید

زبور پنجاه ونهم

سالار مغنیان غیر مهلك تصنیف داود هنگامی که ساول فرستاده خانه اش‌را احاطه نمودند تا که اورا بقتل رسانند

۱ ای خدای من مرا از دشمنان من متخلص کن ومرا حمایت بکن از آن کسانی که در ضد من بر میخیزند

۲ * مرا از فساد کنندگان متخلص کن ومرا از مردمان خونخوار نجات بده * زیراکه از برای جان من اینک

۳ در کمین‌اند وزور آوران در ضد من مجتمع میباشند نه از جهت تجاوز من ونه از جهت گناه من ایخداوند

۴ * بی سبب میدوند وخودرا آماده می سازند بدعوت

۵ من بیدار باش وبه بین * وتو ای خداوند وخدای لشکرها خدای اسرائیل هستی از برای ممیزی تمامی طوایف بیدار باش وتمامی آن کسانی که بغدر

۶ معصیت را بعمل می آورند رحمت منما سلاه * شبانگاه بر میگردند ومانند سگان مشغله می کنند وشهررا دور

۷ میپیمایند * اینک از دهان ایشان میجوشند ودر لبهای

ایشان شمشیرها است زیرا میگویند که کیست که خواهد
۸ شنید * وتو ای خداوند ایشان را استهزا خواهی نمود
۹ وتمامی طوایف تمسخر خواهی کرد * ایشان زور آورند
ای خدا بر تو خواهم نگریست زیراکه تو ملجاً منی
۱۰ * خدای رحیم من در پیش من خواهد آمد وخدا مرا
۱۱ بدشمنان من متبصر خواهد گردانید * ایشان را بقتل
مرسان تا آنکه قوم من فراموش نکنند وبقوت
خود ایشان را پراگنده بگردان وای خداوندی که سپر
۱۲ مائی ایشان را بزیر آور * از برای خطاء دهن ایشان
وسخن لبهای ایشان در (زمان) غرور شان گرفتار
۱۳ شوند وبسبب لعنت وکذب مشهور بگردند * معدوم
کن در غیظ ضایع کن تا ایشان نیست شوند وبدانند
که خدا بر یعقوب تا انجامهای زمین مسلط است سله
۱۴ * وشبانگاه بر میگردند ومانند سگان مشغله می کنند
۱۵ وشهر را دور می نمایند * ایشان از برای خوراک بگردند
۱۶ واگر سیر نشوند همهمه کنند * ومن قوت ترا حمد

خواهم کرد ودر صبح کرم ترا شکر خواهم نمود زیراکه
۱۷ در یوم تنگدستیم ملجا وامن من بودی * ای قوت
من بتو خواهم سرود زیراکه ای خدا ملجاء منی وخدای
رحیم منی

زبور شصتم

سالار مغنیان بر گواهی سوسن تصنیف داود از برای تعلیم
هنگامی که بآرم نهریم وبآرم صوبه دعوا کرد زمانی که یواب
باز گشت نمود ودر دره نمک ده هزار ادومی را کشت

۱ ای خدا مارا دور انداخته ومارا شکسته وغضبناک
۲ شده بنزد ما بازگشت بنما * زمین را متزلزل گردانیدی
واورا چاک کردی شکافهایش را درست کن
۳ زیراکه میلرزد * قوم خودرا ستمدیده گردانیده ومارا
۴ شراب سرگرانی نوشانیده * علم را بخائفان خود
عطا فرمودی تا آنکه از روی راستی بلند شود سله
۵ * بیمین خودرا منجی بگردان ومرا استجابت کن تا
۶ برگزیدگان تو متخلص شوند * خدا بقدسش تکلم

فرمود که خوشنود خواهم بود (ولایت) شکم را تقسیم خواهم
۷ نمود و دره سکوت را خواهم پیمود * گلعد از آن من
است و منسه از من و افرائیم قوت سر من و یهوده
۸ شارع من است * (وولایت) موآب دیگ شستن
من است و بر ادوم نعل خود را خواهم انداخت و ظفر
۹ بر فلستان خواهد بود * کیست که مرا بشهر محکم
راهبری خواهد نمود کیست که مرا بادوم خواهد آورد
۱۰ * مگر تو خدا یا که ما را دور گردانیده (راهبری نخواهد
نمود) وای خدا با لشکرهای ما موافقت نخواهی فرمود
۱۱ * از تنگدستی بما نصرت عطا کن که یاری انسان
۱۲ باطل است * بامداد خدا دلیری خواهیم کرد که او
دشمنان ما را پایمال خواهد گردانید

زبور شصت ویکم

سالار مغنیان از آن داود بر تارهاي ریسماني

۱ ای خدا آواز مرا استماع بفرما و بتضرع من متوجه باش
۲ * از انجام زمین هنگامیکه دل من اندوهناک شده

ایست ترا خواهم خواند بکوهی که از من بلند تر است
۳ مرا راهبری خواهی نمود * زیراکه بسبب دشمن از
۴ برای من پناه وبرج محکم بودی * در خیمهٔ تو تا
ابد بر خواهم برد ودر پوشش اجنحهٔ تو پناه خواهم
۵ آورد سله * زیراکه تو ای خدا نذور مرا شنیدی
ومیراث خائفان اسم خودرا بمن عطا فرمودی
۶ *ایامهای را بر عمرهای پادشاه افزایش وبایندطور
۷ سالهایش را پشت به پشت خواهی آورد * در حضور
خدا تا ابد مسکن خواهد نمود رحمت وراستی را مقرر
۸ بفرما تا اورا محافظت نمایند * پس شاکر اسم تو همیشه
خواهم بود تا یوماً فیوماً نذور خودرا ادا کنم

زبور شصت ودویم

سالار مغنیان بر یدوثن مزمور داود

۱ جان من مجرد بخدا منتظر است ونجات من از
۲ اوست * او بمجرد کوه من ونجات من وملجاء من
۳ است لغزش بسیار نخواهم نمود * تا بکی بر انسان هجوم

خواهید آورد و بقتل رسانیده خواهید شد و تمامی شما مانند
۳ دیوار خم و پرده لرزان خواهید شد * بمجرد تدبیر
مینمایند که (اورا) از بلندیش بزیر اندازند و از کذب
خوشنودند و بدهن شان برکت و در اندرون شان
۵ لعنت میورزند سله * مجرد جان من بخدا منتظر
۶ است زیراکه ازو امیدوارم * او بمجرد کوه من
و نجات من و ملجاء من است لغزش نخواهم کرد
۷ * نجات من و جلال من از خداست کوه قوی من
۸ و امید من خداست * ای خلق در هر زمان باو
متوکل باشید (مطالب) دلهای خودتان را در حضورش
۹ بریزید که خدا از جهتهٔ ما پناه است سله * فرزندان
عام مجرد در بطلانند و فرزندان خاص کذبند ایشان
۱۰ در ترازو بالکلیه از بطلان سبکتر آیند * از ظلم اعتماد
ننموده و در یغما فخر ننمائید چون مال فزون گردد
۱۱ دل خودرا بر آن مبندید * خدا این را یکبار تکلم
فرمود و من دوبار شنیدم که قوت از آن خدا است

١٢ *وای خداوند رحمت از آن تُست زیراکه بهر کس
موافق عملش عوض خواهی نمود

زبور شصت وسیم

مزمور داود زمانیکه در بیابان یهودا بود

١ ای خدا تو خدای منی در صبح ترا تجسس خواهم
کرد وجان من از برای تو تشنه است وجسم من
در زمین خشک وویران بی آب بتو آرزومند
٢ است *بدرستیکه در مکان قدس متبصّر تو بودم تا
٣ قوت ترا وجلال ترا به بینم *از آنجاکه رحمت تو
از حیات بهتر است لبهای من ترا حمد خواهد
٤ نمود *زیراکه در حیات خود ترا شکر خواهم نمود
٥ وباسم تو دستهای خودرا بلند خواهم کرد *چنانکه
جان من بمغز وپیه راضی خواهد بود ودهن من
٦ بلبهای شادمانی حمد خواهد نمود *یقین بر بسترم ترا
٧ بخاطر می آورم ودر پاسهای شب بتو متفکرم *زیراکه
از برای من پناه بودی ودر کنف اجنحهٔ تو خوشنود

۸ خواهم بود * روح من بتو مواصلت دارد زیراکه یمین
۹ تو مرا نگاه میدارد * امّا آن کسانی که متفحّص
جان منند بهلاکت نزدیکند وباسفلهای زمین
۱۰ خواهند رفت * بدستهای شمشیر سپرده خواهند شد
۱۱ خوردشان حصّهٔ روباهان خواهند گردید * وپادشاه از خدا
خشنود خواهد شد وهر کس که بخدا قسم خورد فخر
خواهد نمود ودهن دروغ گویان بسته خواهد شد

زبور شصت وچهارم سالار مغنّیان مزمور داود

۱ ای خدا در هنگام دعای من آواز مرا استماع نما واز
۲ بیم دشمن جان مرا نگاه دار * مرا از مجلس بدکاران
۳ واز هنگامهٔ فسادکنندگان مستور بفرما * که ایشان
زبان را مانند شمشیر تیز مینمایند وسخن ترش خود را
۴ مثل تیر بزه میکنند * تا پنهانی تیر را بمخلص
۵ اندازند ناگهان تیر را بجهت اندازند ونترسند * خود را
به نیّت شریر دلیر می سازند در بارهٔ پنهان کردن

دامها مشورت میکنند میگویند کیست که مارا ب
۶ بیند * اعمال بدرا تفحص میکنند تفتیش کنان
تجسس را با تمام میرسانند اندرون ودل هر یک از
۷ ایشان عمیق است * وخدا تیررا بر ایشان خواهد
انداخت وزخمهای ایشان ناگهان پدید خواهد آمد
۸ * وزبان خودرا بر خودشان لغزان خواهند گردانید
وتمامی خلایقی که بایشان بنگرند از ایشان خواهند
۹ گریخت * وهمه مردمان خواهند ترسید وعمل خدارا
آشکار خواهند کرد وکردار اورا مفهوم خواهند ساخت
۱۰ * صدیق از خداوند خوشنود خواهد شد وباو امیدوار
خواهد بود وتمامی راستدلان مفتخر خواهند گردید

زبور شصت وپنجم سالار مغنیان مزمور وسرود داود

۱ ای خدا حمد از برای تو در صیهون باقیست
۲ ونذور بتو ادا کرده خواهد شد * یا سامع الدعا تمامی
۳ جسمانیان نزد تو خواهند آمد * افعال معاصی بر من

٤ غالب آمدند تو تجاوزهای مارا تکفیر خواهی کرد * خوشا
حال برگزیده‌ٔ ومتقرب تو که در بارگاههای تو ساکن
شود واز نیکوئی خانه‌ٔ تو (یعنی) هیکل قدس تو راضی
٥ خواهیم گردید * ای خدای منجی ما (دعای) مارا مستجاب
بطور مهیب وموافق راستی کردی وپناه تمامی انجامهای
٦ زمین ودوران از دریا می باشی * کوههارا که باستحکام
٧ بسته شده اند از قوت خود پایدار میکنی * تلاطم دریاها
وتموج امواج شان وهنگامهٔ طوایف را ممانعت مینمائی
٨ * وساکنان انجامهای (زمین) از عجایبات تو می
ترسند وبیرون آمده گان صبح وشام را ستایش کننده
٩ میگردانی * زمین را ملاحظه فرموده اورا آبیاری
مینمائی وآنرا بسیار غنی می سازی نهر خدا از آبها
مملو است از جهة ایشان غله را آماده میکنی
١٠ زآنرو که اورا درست مهیا میگردانی * کشت
زارهایش را وافرانه آبیاری نموده سطحش را مساوی
میکنی واز امطار اورا شاداب ساخته نباتش را

۱۱ بنعمت میدهی * سال را به نیکوئی مکمّل میگردانی
۱۲ وراههای اثاررا میریزاند * ومیچکند بر علفزار صحرا
۱۳ وتلها بمسروری بسته شده اند * علفزارها بگله ها مملو اند
ودرّها بغله ها مستورند واز شادی ندا میکنند بدرستیکه
می سرایند

۱ زبور شصت وششم سالار مغنّیان سرود ومزمور

۲ ای (اهل) کلّ زمین مسرورانه بخدا بخروشید * جلال
۳ اسمش را بسرائید ووصفش را بلند بگردانید * بخدا
بگوئید که اعمال تو چه بسیار مخوفست وبسبب
عظمت قوّت دشمنان تو ترا مطیعت خواهند گشت
۴ * (ساکن) کلّ زمین ترا سجده خواهند کرد وبتو حمد خواهند
۵ نمود واسم ترا خواهند سرود سله * بیائید وافعال خدارا
نظر نمائید که کردارش از جهته فرزندان آدم مهیب
۶ است * بحررا منقلب بخشکی گردانید واز نهر پیاده
۷ عبور نمودند آنجا ازو شادمان گشتیم * در بزرگی خود

تسلّط خواهد داشت تا باید چشمهایش بطوایف نگرانست وعاصیان خودشان را بلند نگرداند سله.

۸ * ای خلایق خدارا شکر بنمائید وآواز حمدش را مستمع
۹ سازید * که جان مارا بحیات مقرّر میفرماید وپای
۱۰ مارا لغزش نمیدهد * که ایخدا مارا امتحان کردی ومارا خالص گردانیدی آنچنانیکه نقره‌را خالص میگرداند
۱۱ * مارا بدام در آوردی ومحنت بر کمرهای ما نهادی.
۱۲ * مردمان را بر سر ما مرکوب گردانیدی ودر آتش وآب گذشتیم ومارا در (زمین) شاداب داخل نموده
۱۳ * در خانهٔ تو قربانهای سوختنی داخل خواهم گشت
۱۴ ونذور خودرا ادا خواهم نمود * لبهای خودرا بایشان
۱۵ گشاده ودر تنگدستی من دهان من تکلّم نمود * قربانهای سوختنی پیه‌داررا با دود گوسفندهای نر متصاعد
۱۶ خواهم گردانید گاوها وبزهارا ذبح خواهم نمود سله ۰ای تمامی خائفان از خدا بیائید وبشنوید آنچه‌راکه او از برای جان من عمل نموده است آشکار خواهم کرد

۱۷ از دهن خود اورا دعوت کردم و(وصفش) از تحت
۱۸ اللسان من مرفوع شد * اگر در دل خود ناراستی به
۱۹ بینم خداوند (مرا) استجابت نخواهد نمود * امّا خدا (مرا)
۲۰ شنیده بآواز تضرّع من استجابت نمود * خجسته باشد
خدا که تضرّع مرا (ضایع) ورحمت خودرا از من دور
نکرده است

زبور شصت وهفتم

سالار مغنّیان بر تارهای ریسمانی مزمور وسرود

۱ ای خدا بر ما رحمت بنمای ومارا برکت بده وروی
۲ خودرا بر ما درخشان بگردان سله * تا راه تو در زمین
۳ ونجات تو در میان تمامی طوایف معلوم شود * ای خدا
خلایق بتو شکر نمایند وتمامی خلایق شاکر تو باشند * قومها
۴ شادمان باشند ووجد نمایند زیراکه خلایق را براستی
حکم خواهی نمود وبر قومهای زمین تسلّط خواهی
۵ راند سله * ای خدا خلایق بتو شکر نمایند وتمامی خلایق
۶ شاکر تو باشند * زمین ثمره خودرا خواهد داد وخدا

۷ واله ما بما برکت ارزانی خواهد فرمود *خدا بما برکت
خواهد داد وتمامی حدود زمین ازو خواهند ترسید

زبور شصت وهشتم

سالار مغنیان مزمور وسرود داود

۱ خدا قایم شود ودشمنانش پراگنده شوند وآنکسانی که
۲ مبغضانش میباشند از حضورش بگریزند *مانند دود
رانده (ایشان را) بران ومنافقان در حضور خدا مثل
مومی که در پیش آتش گداخته شود هلاک بشوند
۳ *وصدیقان در حضور خدا شادمان وخوشنود باشند
۴ واز خوشوقتی وجد نمایند *خدارا بسرائید واسمش را
بنوازید وآنکس که در بیابان باسمش یاهو مرکوبست
بلندی را وصف نمائید ودر حضورش خوشحال باشید
۵ *خدا در مقام قدسش پدر یتیمان وحاکم بیوهاست
۶ *خدا کسان مجردرا در خاندان ساکن میگرداند
واسیران را براستی متخلص مینماید لیکن عاصیان
۷ (بزمین) سوخته ساکنند *ای خدا هنگامی که تو در پیش

١١
قوم خود میرفتی واثنائی که تو در بیابان میخرامیدی
سلاه *(آنگاه) در حضور خدا زمین متزلزل گردید وآسمانها
٨ چکانیدند بطور سیناء از حضور خدا خدای اسرائیل
* ای خدا باران وفوررا بر میراث خود بارانیدی هنگامی
٩ که سوخته شد تو اورا آراسته نمودهٔ * ای خدا آنجائی
١٠ که از برای فقرا در نیکوئی خود آماده ساختی جماعت
تو قرار گرفتند *خداوند سخن را عطا فرمود گروه آشکار
١١ کننده بسیارند *پادشاهان عساکر فرار کردند وگریختند
١٢ وخانه نشینها یغمارا تقسیم کردند *هنگامی که درکمر کوهها
١٣ ساکن میباشند (مانند) کبوتر (خواهید شد) که پرهایش
بنقره وبالهایش بزر زرد مستور است *زمانی که قادر
١٤ مطلق در این (مرزوبوم) پادشاهان را پراگنده کرد برف
بر کوه صلمون نزول نمود *کوه باشن کوه خداست
١٥ وکوه باشن راس الجبل است *ای کوهها سر
١٦ بلند چرا نگران هستید خدا این کوه‌را برای سکونت
خود خواهش دار وبدرستیکه در او خداوند ساکن خواهد

۱۷ شد تا ابد * عرابههای خدا بیست هزار وهزاران هزار است * خداوند در میان ایشان چنانکه در طور
۱۸ سینا در مقدس میباشد * بر بلندی صعود نمودی اسیران را اسیر نمودی انعامهارا بانسان وبعاصیان نیز عطا فرمودی تا آنکه خدا ویاهو (در اینجا) ساکن
۱۹ شود * خداوند وخدای منجی ما خجسته باد که روز بروز
۲۰ بنعمت خود مارا حمل میکند سلاه * خدای ما خدای منجی است ودروازهای مرگ از آن خداوند
۲۱ وپروردگارند * بدرستیکه خدا سر دشمنان خودرا وکله کاکل داران کسی را که در تجاوزهایش رفتاری
۲۲ نماید زخم خواهد زد * خداوند فرمود که از باشن (صدیقان خودرا) هدایت کرده واز عمایق دریا راهبری خواهم
۲۳ نمود * تا آنکه پای تو در خون دشمنان (تو) وزبان
۲۴ سگان تو در آنغرق گردد * ای خدا سلوکهای ترا ورفتارهای خدای مرا وپادشاه مرا در مقدس دیدند
۲۵ * سرودکنندگان پیش رفتند در عقب سازندگان

۲۶ ذکر وسط دختران که طبل میزدند * در مجامع بخدا
۲۷ وپروردگار نسل اسرائیل شکر می نمایند * آنجا حاکم
ایشان بن یمین کوچکست امیران یهودا که
حصار ایشانست وامیران زابلون وامیران نفتالیم
۲۸ (نیز میباشند) * خدای تو از جهته تو قوّت عطا فرمود
ای خدا آنچهرا از برای ما بعمل آوردی استوار کن
۲۹ * بهیکل تو در اورشلیم پادشاهان پیشکشهارا نزد تو
۳۰ خواهند آورد * وحش نی نشین وگروه گاوان مع
گوسالهای خلایق را ممانعت بفرما وپارهای سیمین را
پایمال کن خلایقی را که از جنگها خوشنود میشوند
۳۱ پراگنده گردان * اهل حشمتیان از مصر خواهند آمد
و(اهل) کوش بتعجیل دستهای خودرا بلند خواهند کرد
۳۲ * ای ممالک زمین خدارا بسرائید وپروردگاررا حمد
۳۳ کنید سله * بانکسی که از ازل بر آسمان علوی سوار
۳۴ می نماید اینک بقول خود آواز قوی میدهد * بخدا
قوّت را وصف نمائید عظمتش در اسرائیل وقوّتش

۳۵ در سپهرهاست * ای خدا در مقدس مهیبی خدای
اسرائیل آنکس است که بخلق قوت وزورها عطا می
فرماید خجسته باد خدا

زبور شصت ونهم سالار مغنیان بر سوسنها از آن داود

۱ ای خدا مرا نجات بده زیراکه آبها بجان (من)
واخل شدند * درگل وحلی که جای ایستادن نیست
فرو میروم ورسیده ام بآبهای عمیق وسیلابی که مرا
۳ غرق میکند * از خواندن مانده ام وگلوی من خشک
شده است وچشمهای من ضعیف شدند زآنروکه
۴ بخدا منتظرم * آنکسانی که بی سبب مبغضان
منند از موی سر من بیشترند واشخاصی که بی
علت دشمنان منند ومیخواهند مرا هلاک کنند
پرزوراند پس آنچه راکه (از ایشان) نگرفته بودم ادا
۵ کردم * ای خدا تو نادانی مرا میدانی وگناهان من
۶ بر تو مستور نمی باشند * ای پروردگار وخداوند عساکر
منتظران تو بجهت من شرمندگی نبرند وای خدای

اسرائیل متجسسان تو بسبب من خجالت نکشند
۷ * زیراکه بسبب تو حامل ملامت بوده ام واز شرمساری
۸ روی من مستور است * از برادران خود بیگانه واز
۹ فرزندان مادر خود غریب گردیدم * زیراکه غیرت
خانهٔ تو مرا فرو گرفته است وملامتهای ملامت
۱۰ کنندگان تو بر من افتادند * وبگریه وروزه جان
خود را آزردم این عمل برای من ملامت گردید
۱۱ * وپلاس را از برای لباس پوشیدم واز برای ایشان
۱۲ مثل گشتم * دروازه نشینان در ضد من گفتگو می
۱۳ نمایند وسرود باده پرستان گردیدم * امّا ای خداوند
نسبت بخودم تضرّع من بتو است ای خدا زمان
مرضیه است در کثرت رحمتهای خود وبسبب
۱۴ حقیقت نجات خود مرا استجابت بفرما * مرا از
گِل آب متخلص کن که غرق نشوم تا از مبغضان
۱۵ من واز آبهای عمیق نجات یابم * آبهای سیل مرا
نغلطانند وحل مرا فرو نبرد وچاه دهن خود را بر فوق

۱۶ مرا استجابت بفرما زیراکه رحمت تو نیکوست موافق وفور رحمتهای خود بمن متوجه باش * وروی خودرا از عبد خود ۱۷ مستور مکن بدرستی که از جهته من تنگناگی است ۱۸ بزودی بمن استجابت بفرما * بجان من متقرب باش واورا رستگار کن وبسبب دشمنان من مرا ۱۹ متخلص نما * ملامت مرا وشرمندگی مرا ورسوائی مرا تو میدانی وتمامی اعدای من در حضور تو میباشند ۲۰ * ملامت دل مرا شکسته است وضعیف شدم واز تعزیت کننده انتظار کشیدم ونیافتم واز تسلی ۲۱ دهندگان (منتظر بودم) وپیدا نکردم * واز برای قوت من زهررا بمن دادند ودر تشنگی من سرکه را بمن ۲۲ تقریب کردند * سفرهٔ ایشان در حضور خودشان مانند دام وبرای منزلهای (ایشان) مثل تله گردد ۲۳ * چشمهای ایشان تاریک شوند تا نبینند وکمر ۲۴ ایشان را دایم مرتعش بگردان * خشم خودرا بر ایشان

۲۵ بریز وشدت قهر تو ایشانرا فرا گیرد * عمارت
ایشان ویران گردد ودر خیمهای ایشان نشیننده
۲۶ نباشد * زیراکه آنکس را که تو کوفتی زحمت میدهند
۲۷ وبرای غم زخم داران تو حرف میزنند * عقوبت بر
عقوبت ایشان بیفزا تا در عدالت تو داخل نشوند
۲۸ * واز کتاب زندگان محو گردند وبا صدیقان مکتوب
۲۹ نگردند * اگر چه من بیچاره ومسکینم لکن نجات تو
۳۰ ای خدا مرا مرفع خواهد نمود * نام خدارا بسرود حمد
خواهم نمود وشکرانه عظمت اورا وصف خواهم کرد
۳۱ واین از گاو وگوساله شاخ دار وسم دار در نزد خداوند
۳۲ پسندیده تر خواهد آمد * مفلوکان خواهند دید وخوشنود
خواهند گشت ای کسانی که متجسسان خدا میباشید
۳۳ دل شما خواهد زندگانی نمود * زیراکه خداوند از
فقیران می شنود واسیران خودرا حقیر نمی کند
۳۴ * آسمانها وزمین ودریاها وهر جنبنده که در ایشانست
۳۵ حمد می نمایند * زیراکه خدا صیهون را نجات خواهد

داد وشهرهای یهوداراه بنا خواهد کرد تا آنجا ساکن
۳۶ بگردند ووارث بشوند * وذریت بندگانش اورا
بوراثت خواهند داشت ومحبان اسمش در آن
ساکن خواهند بود

زبور هفتادم

سالار مغنیان از آن داود از برای ذکر کردن

۱ الهیا برای استخلاص من وپروردگارا از برای نصرت
۲ من شتاب کن * متجسسان جان من منفعل شده
شرمندگی ببرند وبرگردانیده شوند وآن کسانی که از
۳ بلای من خوشوقتند رسوا گردند * وآنکسانی که آخ
آخ میگویند از برای مزد رسوائی خود بازگشت
۴ نمایند * تمامی طالبان تو از تو خوشنود باشند ومسرور
شوند وآن کسانی که محبان نجات تو اند همیشه
۵ بگویند که عظیم باد خدا * اگر چه من بیچاره ومسکینم
ای خدا از جهتم من شتاب کن معاون من ومنجی
من توئی ای خداوند توقف مکن

زبور هفتاد ویکم

۱ ای خداوند بتو پناه می آورم وتا باید شرمسار نخواهم
۲ شد * براستی خود مرا متخلص کن ومرا برهان وتو
۳ مرا اصغا کن وبمن نجات بفرما * از جهتم من
مکان محکم باش تا پیوسته داخل بشوم برای نجات
من امر فرمودی زیراکه کوه من وملجاء من توئی
۴ * ای خدای من مرا از ید شریر واز دست اهل
۵ ظلم وفساد برهان * زیراکه ای خداوند وپروردگار امید
۶ من واعتماد من از جوانی من توئی * از رحم بر تو
پناه آوردم وتو انکسی که مرا زشکم مادر من بیرون
۷ آورده حمد من همیشه برای تست * سبب عبرت
۸ گروهها گردیدم اما پناه قوی من توئی * تمامی روز
۹ دهن من از حمد وجلال تو مملو است * در زمان
پیری مرا میندازو هنگام زایل شدن قوت من مرا
۱۰ وا مگذار * زیراکه دشمنان من در ضد من حرف
میزنند ونگاه کنندگان جان من بهم مشورت می کنند

۱۱ * میگویند که خدا اورا واگذاشته است متابعت بنمائید
۱۲ واورا گرفتار کنید زیراکه رهانندهٔ نیست * ای خدا از من
دور مباش وای خدای من برای نصرت من شتاب
۱۳ کن * اعدای جان من شرمسار گشته زایل گردند
وآنکسانی که متجسس اضرار منند رسوائی وشرمندگی
۱۴ پوشیده شوند * وخودم پیوسته امیدوار خواهم بود وعلاوه
۱۵ بر همه حمد ترا افزوده خواهم نمود * دهان من
راستی ترا ونجات ترا در هر روز آشکار خواهد کرد
۱۶ اگر چه از حسابها عاریم * داخل کبریائی پروردگار
خواهم گشت وای خداوند صداقت ترا بمجرد ذکر
۱۷ خواهم نمود * ای خدا از جوانی تا بحال مرا تعلیم
۱۸ دادی عجایب ترا مشهور خواهم کرد * وای خدا مرا
در زمان پیری وهم سفید موئی وا مگذار تا قوت ترا
۱۹ باین قرن وکبریائی ترا بتمامی آینده مشهور کنم * وای
خدائی که کارهای عظیم را بعمل آوردهٔ صداقت تو
۲۰ بسیار علو است وای خدا مانند تو کیست * که مرا

۲۰ تو که تنگدستیهای بسیار وبلاها متبصر گردانیدی وتو عود کرده مرا زنده خواهی نمود وباز گشته از عمایق زمین
۲۱ مرا بلند خواهی کرد *عظمت مرا زیاده خواهی نمود
۲۲ ومعاودت فرموده بمن تسلی خواهی داد *ای خدای من خودم ترا وهم صداقت ترا بر ساز ریسمانی شکر خواهم نمود وای مقدس اسرائیل ترا بر بربط خواهم
۲۳ سرائید *لبهای من زمان سرود نمودن تو وجان من
۲۴ که اورا فدا کردی خوشنود خواهد شد *هر روز زبان من براستی تو تکلم خواهد نمود زیراکه متجسسان ضرر من خجلت میکشند بلکه شرمندگی می برند

زبور هفتاد ودوم از برای سلیمان

۱ - ای خدا احکام ترا بپادشاه وصداقت ترا بفرزند پادشاه
۲ عطا بفرما *که قوم ترا بصدق ومفلوکان ترا بعدالت
۳ حکم خواهد نمود *(مسکنان) کوهها وتلها نعمت را بصداقت
۴ از برای خلق خواهند آورد * بمفلوکان قوم تو عدالت

خواهد کرد وفرزندان بیچاره‌را نجات خواهد داد وظلم
۵ کننده‌را خواهد کوفت * از تو تا باقی بودن آفتاب
۶ وبقای ماه پشت به پشت خواهند ترسید * (ونیکی) او
نازل خواهد گشت مانند باران بر گیاه درو کرده شده
۷ ومثل امطاری که بر زمین میچکند * در ایامش صدیق
۸ خواهد شگفت ووفور نعمت تا ببقای ماهست * از
دریا تا بدریا واز رودخانه تا بحدود زمین تسلط خواهد
۹ راند * ساکنان صحرا خودرا در حضورش خم خواهند کرد
۱۰ ودشمنانش خاکبوس خواهند نمود * پادشاهان ترشیش
وجزیرها پیشکشها خواهند گذرانید وپادشاهان شبا وسبا تحفها
۱۱ خواهند رسانید * وجملهٔ پادشاهان اورا تعظیم خواهند کرد
۱۲ وتمامی طوایف اورا فرمان برداری خواهند نمود * زیرا
که بیچارهٔ فریاد کننده ومفلوک‌را که از جهتش
۱۳ رهانندهٔ نباشد متخلص خواهد کرد * بفقیر وبیچاره
رحمت خواهد نمود وجانهای بیچارگان‌را نجات خواهد
۱۴ داد * از غدر وظلم جان ایشان‌را خلاص خواهد نمود

وخون ایشان در چشمهایش گران بها خواهد بود
١٥ *وزندگانی کرده باو زر شبا داده خواهد شد واز جهتش
پیوسته دعا خواهند کرد وهر روزه اورا توصیف خواهند
١٦ نمود *دستهٔ غلّه در زمین کوهها پیدا خواهد شد که ثمر
او مانند (اشجار) لبنان لرزان خواهد بود واهل شهر
١٧ مانند گیاه زمین خواهند شگفت *نامش تا ابد باقی
خواهد بود واسمش مانند آفتاب مشهور خواهد گشت
١٨ وتمامی طوایف برکت ازو یافته باو توصیف برکت
خواهند نمود *مبارکباد پروردگار وخدا خدای اسرائیل که
١٩ مجرّد خود عجایب را بعمل می آورد *ومبارکباد اسم
٢٠ جلیل او تا ابد وجلالش تمامی زمین را مملو سازد
آمین وآمین *مناجات داود پسر یسی تمام است

زبور هفتاد وسیم مزمور آسف

١ بدرستی که خدا با اسرائیل وبصافی دلان نیکوست
٢ *وپاهای من عنقریب نسبت بمن لغزش نموده

بودند وقدمهای من تقریبا از پیش پدر بدر رفته
۳ بودند * زیراکه حسد بر متکبران بردم هنگامی که نیک
۴ بختی شرایررا دیدم * زیراکه قیدها از جهتهٔ ایشان
۵ نیست وقوت ایشان کامل ومحکم است * ایشان
در زحمت (مانند) دیگران نیستند ومثل آدمهای دیگر
۶ تصدیع نمی کشند * زآنروکه غرور ایشان را متسلسل
۷ میگرداند وظلم ایشان را آراسته می پوشاند * چشمهای
ایشان را پیه گرفته است واندیشهای دل (شان)
۸ بعمل می آید * خودشان را فاسد میگرداند بفحش
۹ وشرارت حرف میزنند واز غرور تکلم می نمایند * دهن
خودشان را در ضد (خدای) آسمانها وا میکنند وزبان
۱۰ ایشان در ضد (ساکنان) زمین میگردد * از آن
سبب قوم خدا اینجا بازگشت مینمایند وبرای ایشان
۱۱ آبهای پر از بلا ریخته شده است * پس گفتند که
۱۲ چگونه میفهمد خدا یا هست علم در نزد تعالی * اینک
اینها شرایر ونیکبختان دنیا شده اند مال را می افزایند

۱۳ * بدرستی که بیفایده دل خودرا مصفی کردم ودستهای
۱۴ خودرا در پاکی شستم * وهر روز تصدیع کشیدم وهر
۱۵ صبح تعذیب یافتم * هر گاه قصد آن کردم که باینطور
بیان کنم آنگاه نسل فرزندان ترا خیانت می نمودم
۱۶ * هنگامی که تصور نمودم که این را ادراک نمایم این
۱۷ عمل در نظرهایم مشکل آمد * تا بزمانی که داخل
۱۸ مقدس خدا گشته انجام ایشان را فهمیدم * بدرستی
که ایشان را در لغزشگاهها نهادی ودر خرابیها ایشان را
۱۹ منهدم گردانیدی * چگونه گویا یکدم تباه گردیدند از
۲۰ بلاها رفته شده باتمام رسیدند * ای پروردگار خیالات
ایشان را در قیامت مانند رویای شخصی که بیدار
۲۱ کرده شده استحقار خواهی نمود * بدرستی که دل من
۲۲ بجوش آمد واز گردهایم درد کشیدم * ومن در حضور
۲۳ تو مانند وحشیان عاری ونادان شدم * ومن پیوسته
۲۴ با تو ام وبید یمین خود مرا نگاه میداری * در موعظه
خود مرا رهبری خواهی فرمود وآخر مرا در عظمت

۲۵ خواهی پذیرفت * برای من (جز تو) در آسمانها کیست

۲۶ ودر زمین بغیر از تو از (کسی) خوشنود نیستم * جسم ودل من کاهیده میشوند (اما) قوت دل من وحصه

۲۷ من تا ابد خداست * بدرستیکه اینک مباعدان تو هلاک خواهند شد وتمامی آنکسانی که غیر از تورا میپرستند (مانند) زن زانیه اند ایشان را منقطع خواهی

۲۸ کرد * وبرای من تقریب بخدا نیکو است پروردگارا وخداوندا بتو پناه می آورم تا آنکه تمامی اعمال ترا آشکار نمایم

زبور هفتاد وچهارم تعلیم آسف

۱ ای خدا چرا دور گردانیدی (مارا) تا ابد وچرا بخلاف

۲ گوسفندان علفزار تو غیظ تو دود میکند * بخاطر بیار جماعت خودرا که در ایام قدیم تحصیل کردی وعصای میراث خودرا که فدا نمودی واین صیهون را که در

۳ او ساکن میباشی * قدمهای خودرا برای خرابی

ہمیشہ که دشمن تمامی (آنرا) شریرانه در قدس عمل
۴ نموده است بر دار * اعدای تو در میان جماعت
تو مجروشند وعلمهای خودشان را نشانها میگردانند
۵ *(وعدو) پدید آید مانند کسی که تیشه‌ها را برای چوب
۶ جنگل مرفوع بنماید *واکنون همهٔ نقشهایش را بهمراه
۷ کلنگها وپتکها خراب میکنند *وآتش در مقدس تو
زدند ومسکن اسم ترا ملوث کرده بر زمین انداختند
۸ *در دل خودشان گفتند که همهٔ ایشان را منقطع
بکنیم تمامی مساجدهای خدارا در زمین سوزانیدند
۹ *برای خود آیاتی نمی بینم دیگر پیغمبر نیست
۱۰ ونزد ما کسی نیست که عارف باشد تا بکی *ای
خدا عدو تا بکی فحش خواهد داد آیا دشمن تا ابد
۱۱ باسم تو کفر خواهد گفت *چرا دست ترا ویمین ترا
باز میگیری دست را از روی سینهٔ خود (بر دار
۱۲ وایشان را) باتمام برسان *واز ازل پادشاه من خداست
۱۳ که در روی زمین رستگاری (مارا) بعمل می آورد *تو

از قوّت خود دریارا تقسیم نمودی وکلّهای نهنگانرا
۱۴ در آبها شکستی * تو روس لویاثن را پاره پاره کردی
۱۵ واز برای خلق صحرا نشین طعام عطا فرمودی * تو
چشمه وسیل را تقسیم کردی وتو رودخانهای قوی را
۱۶ خشک گردانیدی * روز از آن تُست وشب نیز
از آن تُست وتو نیّرها وآفتابرا مثبّت فرمودی
۱۷ * تو تمامی حدود زمین را متحکم نمودی وتو تابستان
۱۸ وزمستان را (بگردش) در آوردی * ای خداوند این را
بخاطر آر که دشمن فحش میدهد وخلق احمق باسم
۱۹ تو تکفیر مینمایند * جان قمری خودرا بشاهین تسلیم
مکن وجماعت مفلوکان خودرا فراموش منما تا ابد
۲۰ * بعهد (خود) بنگر زیراکه در تاریکیهای زمین اخذ
۲۱ کنندهای یغما مملو میباشند * مظلوم با شرمندگی بازگشت
نکند ومفلوک وبیچاره اسم ترا حمد نمایند
۲۲ * ای خدا بر خیز وبا دعای خود دعوا کن وفحش خودرا
۲۳ که هر روز از احمقان میشنوی بخاطر آر * آواز

۲۳ اعدای خودرا وخروش فتنهٔ انگیزان توکه پیوسته بالا میرود فراموش مکن

زبور هفتاد وپنجم

سالار مغنّیان غیر مهلك مزمور وسرود آسف

۱ ای خدا ترا شکر می نمائیم وشکر می نمائیم زیراکه عجایبات
۲ تو تقرّب اسم ترا ظاهر می سازد * هنگامی که من
۳ بجماعت مستولی کردم براستی حکم خواهم کرد * (زمانی که) زمین وساکنانش میگداختند خودم ستونهایش را
۴ پایدار کردم سله * بمتکبّران گفتم که بغرور عمل منمائید
۵ وبشرایر که شاخ را مرفوع مسازید * شاخ شمارا ارتفاع به
۶ بلندی مکنید وبگردن پیچیده حرف مزنید * زآنروکه سرافرازی نه از مشرق ونه از مغرب ونه از جنوبست
۷ * زیراکه خدا حاکم است یکی را بزیر می آورد ودیگری را
۸ بلند می سازد * زآنکه کاسه در دست خداوند است وبشراب ناصاف ومخلوط مملوّ است وازین میریزد بدرستی که تمامی اشرار زمین دُردهایش را خواهند افشرد

۹ ونوش خواهند کرد * ومن مشهور خواهم نمود تا بابد
۱۰ وبخدای یعقوب خواهم سرائید * وتمامی شاخهای شریررا
خواهم شکست وشاخهای صدیق مرفوع خواهد گشت

زبور هفتاد وششم

سالار مغنیان بر سازهای ریسمانی مزمور وسرود آسف

۱ خدا در یهودا معروف واسمش در اسرائیل بزرگ
۲ است * وخیمهٔ او در سالم وجایگاه او در صیهون
۳ است * در آنجا تیرهای آتشین وکمان وسپر وشمشیر
۴ وحرب را پایمال کرد سلاه * از کوههای یغما افضل
۵ وعظیم تر توئی * قوی دلان در خواب غفلت خودشان
خفته خراب کرده شدند وتمامی صاحبان قوت دستهای
۶ خودشان را نیافتند * از ممانعت تو ای خدای یعقوب
هم سوار وهم اسپ در خواب غفلت گرفتار شدند
۷ * تو خودت مهیبی ودر زمان غضب تو کیست که
۸ در حضور تو تواند ایستاد * از آسمانها حکم را مسموع
۹ گردانیدی زمین خائف وخموش گردید * در هنگامی

بکه خدا قایم شد برای حکم کردن واز برای نجات
۱۰ دادن تمامی مفلوکان زمین سله *زیرا که خشم انسان
باعث حمد تو خواهد بود وباقی غضبهارا ممانعت خواهی
۱۱ کرد *ای تمامی قربیانش بخداوند وخدای خودتان نذر
بکنید وادا بنمائید وهدیه بآنکسی که لایق خوفست
۱۲ برسانید *روح امیران را منقطع خواهد کرد وبرای
پادشاهان زمین مهیب است

زبور هفتاد وهفتم سالار مغنّیان به یدوثن مزمور آسف

۱ خدارا بآواز خود بل بآواز خود خدارا خواندم ومرا
۲ اصغا کرد *در روز تنگدستی خود پروردگاررا تفحّص
نمودم دست من در شب بلند شد وتوقّف ننمود
۳ وجان من از تسلّی ابا نمود *خدارا بخاطر می آورم
ومضطرب میباشم وتفکر مینمایم وروح من اندوهناک
۴ است سله *بیداریهای چشم خودرا دراز میکنم
۵ وباضطراب می افتم ونمیتوانم متکلّم شد *در ایام قدیم

۶ وسالهای سلف متفکر گشتم * در شب سرودهای
خودرا بخاطر آوردم وبا دل خود اندیشه نمودم وروح
۷ من تفتیش کرد * که آیا خداوند تا ابد (مارا) دور خواهد
۸ کرد ودیگر راضی نخواهد بود * آیا رحمتش تا ابد
نابود شد ووعده اش پشت به پشت با تمام رسیده
۹ است * آیا خدا از رحمت نمودن فراموش میشود
وآیا رحمتهای خودرا در غضبش بسته است سله
۱۰ * وگفتم که (آخ) از ضعیفی خودم اینست تغییر یمین
۱۱ تعالی * اعمال یهرا بخاطر خواهم آورد بدرستی که عجائبهای
۱۲ ترا از ایام قدیم بخاطر خواهم آورد * هر عمل ترا ملاحظه
۱۳ خواهم نمود واز کارهای تو متفکر خواهم شد * ای خدا
راه تو در مقدس است کدام خدا مانند خدای (ما)
۱۴ عظیم است * تو آن خدائی که عجایبات خودرا
بعمل می آوری وقوت خودرا در میان خلق معروف
۱۵ میگردانی * تو ببازوی خود قوم خودرا (یعنی) فرزندان
۱۶ یعقوب ویوسفرا فدا کردی سله * ای خدا آبها

ترا بنظر در آوردند وآبها ترا دیدند مضطرب شدند
۱۷ بدرستی که عمایق (بحر) تبلاطم آمد * ابرها آب ریختند
وفریاد از آسمانها بر آمد بدرستی که تیرهای (آتش) تو
۱۸ فرو ریختند * آواز رعد تو در آسمان (بود) وبرق
جهان را منور ساخت وزمین لرزان ومتزلزل گردید
۱۹ * راه تو در دریاست وطریق تو در آبهای بزرگ
۲۰ ونقش پاهای تو معلوم نیستند * قوم خودرا مانند
گوسفندان بدست موسی وهرون رهبری فرمودی

زبور هفتاد وهشتم تعلیم آسف

۱ ای قوم من شریعت مرا اصغا کنید وگوش خودتان را
۲ بسخن دهن من فرا دارید * دهان خودرا در مثل
۳ بگشایم ومعماهای قدیم را آشکار خواهم نمود * که ایشان را
۴ شنیدیم ودانستیم وپدران ما نیز (مارا) خبر دادند * واز
فرزندان ایشان پنهان نخواهیم کرد وآشکار خواهیم
نمود واوصاف خداوندرا وقدرت اورا وعجایبات

۵ اورا که بعمل آورند * چگونه شهادت را در یعقوب
مقیم کرد وشریعت را در اسرائیل مقرر فرمود وایشان را
بپدران ما سپرد برای مطلع نمودن ایشان بفرزندان
۶ خودشان * تا آنکه پشت آینده فرزندان که زائیده
خواهند شد مطلع گردیده بر خیزند وبفرزندان خودشان
۷ خبر دهند * تا پناه خودشان را بخدا آورند وکارهای
۸ خدارا فراموش نکرده حکمهایش را نگاه دارند * ومانند
پدران خودشان نسل کجرو وعاصی نباشند نسلی که دل
خودشان را مهیا نساختند وروح ایشان بخدا بیوفائی
۹ کرد * فرزندان افرایم اسلحه پوشیده وکمان بر داشته در
۱۰ روز جهاد بر گردیدند * عهد خدارا نگاه نداشتند واز
۱۱ رفتار شریعتش ابا نمودند * وکارهایش وعجایباتش را
که ایشان را بآنان نشان داد فراموش کردند
۱۲ عجایبات را در زمین مصر ودر کشت زار صوعن
۱۳ در حضور پدران ایشان بعمل آورد * دریارا شکافت
وآبهارا مانند توده ایستاده گردانید وایشان را گذرانید

۱۴ *ودر روز بابر وهر شب بنیر آتش ایشان را رهبری
۱۵ فرمود *سنگهارا در تیه شکافت وایشان را مانند بسیار
۱۶ عمیقها نوشانید *وچشمهارا از سنگ بیرون آورد
۱۷ وآبهارا مانند رودخانها فرو ریخت *ودیگر بضد او
در تیه بگناه افزایش نموده الله تعالی را غضبناک
۱۸ کردند *ودر دل خودشان خدارا امتحان نمودند از
۱۹ سوال نمودن طعام برای خواهش خودشان *بدرستی
که درضد خدا متکلم شدند وگفتند آیا خدا مائده را در
۲۰ بیابان آماده تواند کرد *آنگاه سنگ را زد وآبها جاری
گشتند وسیلها ریخته شدند آیا نان را تواند داد وآیا
۲۱ گوشت برای قوم خود مهیا تواند نمود *وخداوند
این را شنید وازینجهته غضبناک گردید وآتش بر
یعقوب مشتعل شد وبر اسرائیل قهر متصاعد
۲۲ گشت *زیراکه بر خدا اعتقاد ننموده بودند واز
۲۳ نجات او امید وار نبودند *آنگاه بابرها از بالا فرمان
۲۴ داد ودروب آسمانهارا واکرد *وبرای خوردن ایشان

ترنجبین را باراخید وغلهٔ آسمانی بایشان عطا فرمود
۲۵ * انسان نان فرشتگان را تناول نمودند وبرای
۲۶ ایشان تا بمرتبهٔ سیری طعام فرستاد * باد شرقی را
در هوا بوزانید وباد جنوبی را بتندیش روان نمود
۲۷ * وگوشت را مانند غبار ومرغ طیار را مانند ریگ دریا
۲۸ بر ایشان باراخید * آنهارا در اندرون خیمه گاه
ایشان ودر اطراف مسکنهای ایشان افکنده گردانید
۲۹ * وتناول نمودند وخوب سیر گشتند وبرای ایشان
۳۰ خواهش ایشان را عطا فرمود * واز خواهش ایشان
نفرت ننمودند هنگامی که اطعمهٔ شان در دهن
۳۱ ایشان بوده است * (آنگاه) غضب خدا برای ایشان
متصاعد گشت واغنیای ایشان را بقتل رسانید
۳۲ وبرگزیدگان اسرائیل را (بخاک) هلاک افکند * زآنرو
که دراین همه (مائده) دیگر خطا نمودند وبر عجایبات
۳۳ او باور نکردند * پس روزهای ایشان را به بیهودگی
وسالهای ایشان را در اضطراب باتمام رسانید

۳۴ *هنگامی که ایشان را مقتول مینمود اورا تفحص
کردند وبر گردیدند وخدارا در صبحدم تجسس نمودند
۳۵ *وبخاطر آوردند که خدا کوه ایشان والله تعالی فدا کننده
۳۶ ایشان است *وبدهن خودشان اورا چاپلوسی نمودند
۳۷ وبزبان خودشان باو کاذب گشتند *ودل ایشان
۳۸ باو راست بنود ودر عهدش استوار نبودند *امّا او
از بسیاری رحمتش ایشان را عفو فرمود وهلاک
نکرد وبسیاری اوقات از غضب خود باز گشت
۳۹ نمود وتمامی غضب خودرا متحرّک نساخت *وبعلمش
گذشت که ایشان جسمند وروح رفتنی است وباز
۴۰ گشت نمیکند *چند بار اورا در تیه غضبناک کردند
۴۱ واورا در آن بیابان بخشم آوردند *بلکه بر گردیدند
وخدارا امتحان کردند و(باله) مقدّس اسرائیل حدها
۴۲ قرار دادند *ودستش را در روزی که ایشان را از
۴۳ تنگدستی مستخلص فرمود بخاطر نیاوردند *که چگونه
آیاتهای خودرا در مصر ومعجزاتش را در کشت

۴۴ زار صوعن پدیدار نمود * ورودخانهای ایشان را وآبهای روان ایشان را بخون مبدل گردانید که نتوانستند
۴۵ نوشید * ودر میان ایشان فرستاد مگسهای گوناگون را که ایشان را میخوردند ووزغهارا که ایشان را متعفن
۴۶ نمودند * ومحصول ایشان را از کرم صدپا وکدِ ایشان را
۴۷ بملخ خراب کرد * تاکهای ایشان را بتگرگ وافراغهای
۴۸ ایشان را به برودت تباه نمود * وچارپایان ایشان را بتگرگ وگلهای ایشان را بصواعق تسلیم نمود
۴۹ * وشدت غیظ خودرا که غضب وخشم وتنگی باشد
۵۰ برسالت ملائکهٔ شدید در ضرر ایشان فرستاد * وراه را برای غضب خود هموار ساخت وجان ایشان را او زمرگ دریغ ننمود ودواب ایشان را بوبا تسلیم نمود
۵۱ * وهمهٔ مولود نخستین را در مصر واول اولادرا در
۵۲ خیمهای حام هلاک نمود * لکن قوم خودرا مانند گوسفندان روان نمود وایشان را مانند گله در تیه
۵۳ رهبری فرمود * وایشان را در امیدواری هدایت

گرو که نمی ترسیدند واعدای آنهارا بدریا غرق نمود
۵۴ * وایشان را داخل گردانید بحدود مقدس خود واین
۵۵ کوهی که بقدرت خود تحصیل فرمود *وطوایف را
از پیش روی ایشان اخراج کرد وارثیت را برای
ایشان بریسمان (رسد) قسمت گردانید وفرقهای
۵۶ اسرائیل را در خیمهای ایشان ساکن گردانید* لکن
خدائی تعالی را امتحان کردند وغضبناک نمودند
۵۷ وشهادات اورا محافظت ننمودند *وباز گردیده
بیوفائی را مانند پدران خودشان بعمل آوردند ومثل
۵۸ کمان فریبنده منحرف گشتند *واورا بمکانهای بلند
خودشان غضبناک گردانیدند وبه بتهای کندش کار
۵۹ خودشان اورا بغیرت آوردند* خدا دانست وغضبناک
۶۰ شد واز اسرائیل نفرت نمود *ومسکن شیلورا
وخیمهٔ که درمیان انسان بر پا کرده بود واگذاشت
۶۱ *و(صندوق) قوت خودرا به اسیری وجلال خودرا بدست
۶۲ دشمن داد *وقوم خودرا بشمشیر تسلیم نمود ودر

۶۳ ضد میراث خود غضبناک گردید * وآتش جوانان ایشان را سوزانید ودوشیزگان ایشان بهناکحت داده
۶۴ نشدند * کاهنان شان بشمشیر کشته شدند وبیوهای
۶۵ ایشان نوحه ننمودند * آنگاه پروردگار مانند کسی که از خواب ومثل صاحب قوت که از شراب
۶۶ مخمور شد بیدار شد * ودشمنان اعدای خودرا (ببواسیر)
۶۷ مجروح ساخت ودایم رسوائی باینبان داد * واز خیمهٔ
۶۸ یوسف ابا نمود وفرقهٔ افرایم را قبول نکرد * اما فرقهٔ یهودا قبول فرمود واین صیهون را که محبت داشته
۶۹ بود * ومقدس خودرا مانند عارتها بلند نمود (واورا)
۷۰ مثل زمین تا باید ثابت کرد * وبندهٔ خود داودرا بر
۷۱ گزید واز علفزارهای گوسفندان اورا اخذ نموده * واز عقب گوسفندان رایج اورا برای پروردن قوم خود
۷۲ یعقوب ومیراث خود اسرائیل بیرون آورد * واو ایشان را موافق ساده لوحی دل خود پرورش نمود ومطابق حکمتهای دست خود ایشان را راهبری فرمود

زبور هفتاد ونهم

۱ خدایا قبایل بمیراث تو داخل گشتند وهیکل
مقدس ترا نجس کردند واورشلیم را در تودها گذاشتند
۲ * ونعش بندگان ترا بطیور هوا وگوشت مقدسان
۳ ترا بسباع زمین طعمه دادند * خون ایشان را مانند
آب در اطراف اورشلیم ریختند ودفن کننده نبود
۴ * سرکوب بهمسایگان خود ومسخره ومضحکه بحوالیان
۵ خود گردیدیم * ای خداوند تا بکی غضبناک خواهی
شد وآیا تا ابد غیرت تو مانند آتش مشتعل خواهد
۶ بود * خشم خودرا بر قبایلی که ترا نمی شناسند وبر
۷ مملکتهای که اسم ترا دعوت نمی نمایند بریز * زیراکه
یعقوب را تناول نمودند ومنزلش را خراب کردند
۸ * گناههای قدمای مارا در ضد ما بخاطر میاور ورحمتهای
خودرا بزودی بر ما بفرست زیراکه بسیار کاهیده ایم
۹ * ای خدای منجی ما بسبب عظمت اسم خود مارا
معاونت بفرما ومارا مستخلص کن وبسبب نام خود

۱۰ گناههای مارا عفو کن * قبایل چرا بگویند که خدای ایشان کجاست بفرما که انتقام خون ریخته بندگان
۱۱ تو در میان طوایف در نظرهای ما آشکار شود * ناله اسیر بحضور تو داخل شود وموافقت عظمت قدرت
۱۲ خود فرزندانی را که متوجب مرگند باقی نگاهدار * وای خداوند رد کن هفت بار بسینه آنکسانی که همسایگان
۱۳ ما اند نا سزائی را که ایشان بتو گفتند * وما که قوم تو وگوسفندان علفزار تو هستیم شاکر تو خواهیم شد تا باید وحمد ترا پشت به پشت آشکار خواهیم کرد

زبور هشتادم

سالار مغنیان بر سوسنهای شهادت مزمور آسف

۱ ای آنکه یاسرائیل شبانی میکنی ویوسف را مانند گله رهبری میفرمائی اصغا کن وای تو که در میان
۲ کروبین ساکنی درخشان باش * کبریائی خودرا در حضور افرایم وبنیامین ومنسه متحرک کن وازنجات
۳ ما بیا * ای خدا مارا باز گردان وروی خودرا منور کن

۴ که نجات خواهیم یافت * ای خداوند وخدای لشکرها بر
۵ دعای قوم تو تا بکی غضبناک خواهی بود * از نان
اشک آمیز ایشان را خورانیدی واز پیمانهٔ اشکها
۶ ایشان را نوشانیدی * مارا سبب نزاع میان همسایگان ما
میگردانی ودشمنان ما درمیان خودشان (بما) استهزا
۷ مینمایند * ای خدای لشکرها مارا برگردان وروی خودرا
۸ منور کن که نجات خواهیم یافت * تاک را از مصر
آوردی وطوایف را اخراج کردی واورا غرس نمودی
۹ * واطرافش را وسعت دادی وبیخهایش را پایدار ساختی
۱۰ تا زمین را پر کرد * سایهٔ او کوهها را وشاخهایش
۱۱ سرو آزادهای بلند را پوشانید * شعبهای خودرا تا بدریا
۱۲ وفرعهای خودرا تا برودخانه فرستاد * چرا حصارهایش را
شکستی بطوری که تمامی کسانی که از راه میگذرند اورا
۱۳ میربایند * گراز جنگلی اورا خراب میکند ووحش
۱۴ کشت زار اورا میخورد * ای خدای لشکرها بازگشت
بنما واستدعا مینمایم بنگر از آسمانها وبه بین واین

۱۵ تاک را ملاحظه بفرما* ونهالی راکه یمین تو غرس نمود
۱۶ وفرزندی راکه از جهتم خود استوار کردی* در آتش
سوخته است ومنقطع شده است و(دشمنان) از عتاب
۱۷ خشم تو هلاک میشوند *دست تو بر مردم یمین
تو باشد وبر فرزند انسان که از جهتم خود استوار
۱۸ میکنی *واز تو بازگشت نخواهیم نمود مارا زنده نگاه
۱۹ دار واسم ترا خواهیم خواند *ای خداوند وخدای لشکرها
مارا بازگردان وروی خودرا منور کن که نجات
خواهیم یافت

زبور هشتاد ویکم سالار مغنّیان بر هگّتیث از آن آسف
۱ بخدای مقوّی ما بسرائید وبخدای یعقوب بخروشید
۲ *زبوررا بر دارید وطبل وبربط دلاویزرا با سائر ریستانی
۳ برسانید *بدمید کرنارا در زمان ماه نو در هنگامی براتی
۴ روز عید ما معیّن است *زیراکه این آئین برای
۵ اسرائیل وحکم خدای یعقوب است *همین را برای
شهادت در یوسف بهنگام بیرون رفتن او از زمین

مصر مقرّر فرمود (وخدا میگوید) زبانی را شنیدم که نه
۶ پسندیدم * ودوش اورا از بار آزاد کردم ودستهایش
۷ از دیگ مستخلص شدند * در تنگ دستی خواندی
وترا خلاص نمودم وترا از پردهٔ رعد استجابت کردم
۸ وترا در اطراف آبهای مَرِیبه آزمودم سلاه * ای قوم
من بشنوید وای اسرائیل بتو شهادت خواهم داد
۹ اگر خواهی که (سخن) مرا بشنوی * نزد تو خدای بیگانه
۱۰ نخواهد بود و بخدای غریب سجده نخواهی نمود * من
خداوند وخدای تو ام که ترا از زمین مصر بیرون آوردم
۱۱ دهان خودرا واکن که آنرا مملّو خواهم نمود * وقوم من
آواز مرا نمی شنیدند واسرائیل مرا قبول نمودند
۱۲ * وایشان را بخواهشهای دل ایشان واگذاشتم ودر
۱۳ مشورات خودشان رفتار نمودند * ای کاش قوم
من (سخن) مرا می شنیدند واسرائیل در طریقهای
۱۴ من روان می شدند * عنقریب دشمنان ایشان را
ذلیل مینمودم وید خودرا در ضدّ اعدای ایشان بر

۱۵ میگرداندیم * وآنکسانی که مبغض خداوند بودند فرمان
بردار او میگردیدند وزمان ایشان باقی می شد تا
۱۶ ابد * واز بهترین گندم ایشانرا می پروراندیم واز
عسل سنگی ایشانرا سیر میکردم

زبور هشتاد ودویم مزمور آسف

۱ خدا در جماعت خداها می ایستد بل خدا در اندرون
۲ ایشان حکم می نماید * تا یکی حکم بنا راستی خواهید
۳ نمود وظاهرهای شرایررا قبول خواهید کرد * مسکین
ویتیمرا براستی حکم ومفلوک وبیچاره را عدل بنمائید
۴ * کاهیده ومحتاجرا مستخلص کنید واز دست شرایر
۵ برهانید * نمی فهمند وادراک نمی نمایند ودر ظلمت
۶ رفتار می نمایند وتمامی اساس زمین میلرزند * ومن
گفتم که شما خداهائید بلکه جمیع شما فرزندان تعالی
۷ میباشید * لیکن مانند انسان خواهید مرد ومثل یکی

۸ از بزرگان خواهید افتاد * ای خدا برخیز وزمین را حکم
کن زیراکه تو تمامی طوایف را بارثیت خواهی داشت

زبور هشتاد وسیم سرود ومزمور آسف

۱ ای خدا تو خموش مباش وای خدا ساکت مشو وتوقف
۲ منما * زیراکه دشمنان تو فتنه انگیخته‌اند ومبغضان تو
۳ سر بر آورده‌اند * اساس حیله را در ضد قوم تو چیده
۴ اند ودر ضد مقدسان تو مشاورات کرده اند * گفته
اند بیائید که ایشان را قطع نسل بکنیم تا آنکه دیگر
۵ اسم اسرائیل مذکور نباشد * زیراکه همگی از دل
۶ مشورت کرده‌اند ودر ضد تو عهد می نمایند * اهل ادوم
۷ واسمعیلیه وموابیه وهاجریه * وگبال وعمون وعمالق
۸ وفلستیان با ساکنان صور * واشور بایشان ملحق
است وقوت از برای فرزندان لوط گردیده‌اند سلَه
۹ * بایشان مانند مدین ومثل سیسرا ومانند یبین نزد

۱۰ سیل قیشون عمل نما * که در عین دور تباه شدند
۱۱ وبر زمین مثل سرکین گردیدند * وبزرگان ایشان را
ماند عریب ومثل زاب بلکه تمامی امیران ایشان را
۱۲ ماند زبح وماند صلمنع بگردان * که گفته اند که از
۱۳ جهته خود بوراثت منزلهای خدارا بگیریم * ای خدای
من ایشانرا درپیش باد ماند شتر خار ومثل ساقهٔ غله
۱۴ بگردان * وماند آتشی که جنگل را بسوزاند ومثل
۱۵ شعلهٔ کوهها را حرق بگرداند * بهمین طور ایشان را
باگرد باد خود بران وبباد شدید خود ایشان را مضطرب
۱۶ بگردان * وروهای ایشان را از شرمساری مملو کن
۱۷ تا ای خداوند متجسس اسم تو باشند * خجالت بکشند
۱۸ ومضطرب بگردند تا باید وشرمندگی ببرند وبهلاکت
آیند * وبداند که تو آنکس میباشی که بمجرد اسم
تو یهوه است وتعالی ئی بکل زمین

زبور هشتاد وچهارم

سالار مغنیان بر جتّیت مزمور از برای فرزندان قارون

۱ ای خداوند لشکرها مسکنهای تو چه دلپذیر است
۲ *جان من آرزومند وهم بیهوش از برای بارگاههای
خداوند گردیده است دل من وجسم برای خدای
۳ حی وجد نمایند *ای خداوند لشکرها وپادشاه من وخدای
من هم گنجشک خانهرا وپرستوک آشیانهرا که در او
بچّههای شان را بگذارند نزد قربانگاههای تو پیدا کرده
۴ اند *خوشا حال ساکنان خانهٔ تو زیراکه پیوسته ترا حمد
۵ مینمایند سله *خوشا حال آنکسی که قوّتش از توست
۶ وفرازهای (خانهٔ تو همیشه) در دل ایشانست *عبور
کنندهگان درهٔ باکه چاهرا میکنند وباران ابارهارا
۷ مملو میکند *روان میشوند گروه گروه ودر صیهون
۸ پیش خدا ظاهر خواهند شد *ای خداوند وخدای لشکرها
تضرّع مرا اصغا کن وای خدای یعقوب استماع بفرما
۹ سله *ای خدا سپر مارا به بین وبروی مسیح خود بنگر

۱۰ * زیراکه روزی در بارگاههای تو از هزار (روز) بهتر است
ودربانی خانهٔ خدای من تا ماندن در خیمههای شرارت
۱۱ از جهتم من بر گزیده تر است * زیراکه خداوند
خدا (مثل) آفتاب و (مانند) سپر است وخداوند فضل
وجلال عطا خواهد فرمود وخوبی را از آنانی که براستی
۱۲ رفتار مینمایند کم نخواهد کرد * ای خداوند لشکرها
خوشا حال آنکسی که از تو امیدوار است .

زبور هشتاد وپنجم

سالار مغنّیان مزمور از برای فرزندان قارون

۱ ای خداوندی که از زمین خود راضی شدهٔ واسیری
۲ یعقوب را رد نمودی * معصیت قوم خودرا عفو کرده
۳ وتمامی گناهان ایشان را مستور ساختهٔ * همهٔ قهر خودرا
دور گردانیدهٔ واز شدّت غضب خود باز گشت
۴ نمودهٔ * ای خدای منجی ما مارا برگردان وخشم خودرا
۵ در ضدّ ما معدوم کن * آیا تا ابد در ضدّ ما غضبناک
خواهی بود وغیظ خودرا پشت به پشت طولانی خواهی

۶ کرد * آیا مارا بر گردیده زنده نخواهی کرد تا قوم تو
۷ از تو شادمان باشند * ای خداوند رحمت خودرا بما
۸ نشان بده ونجات خودرا بما عطا بفرما * هر آنچه را که
خدا وخداوند تکلم خواهد فرمود خواهم شنید زیرا که
بقوم خود و بمقدسان خود بسلامت بیان خواهد نمود
۹ تا ایشان با حمقی بر نگردند * بدرستی که نجات او
بخائفان او نزدیک است تا آنکه جلالش در زمین
۱۰ ما ساکن شود * رحمت وحقیقت فراهم آمدند صدق
۱۱ وسلام معانقه نمودند * حقیقت از زمین میروید
۱۲ وصدق از آسمانها می نگرد * خلاصه خداوند خوبی را عطا
۱۳ خواهد فرمود وزمین ثمره اش را خواهد داد * صدق
در حضورش روان خواهد بود وراه قدمهایش را
نشان خواهد داد

زبور هشتاد وششم دعاي داود

۱ ای خداوند گوش خودرا (بسوی من) فرا دار ومرا
۲ استجابت بفرما زیراکه مفلوک وبیچاره ام * جان مرا

محافظت بفرما زیراکه من مقدسم وای توکه خدای منی
آن بندهٔ تو که از تو امید وار است نجات بده
۳ *ای خداوند مرا رحمت بنما زیراکه هر روزه ترا
۴ میخوانم *جان بندهٔ خودرا شادمان بگردان زیراکه
ای پروردگار جان خودرا بسوی تو مرفوع می نمایم
۵ *بدرستی که خداوندا تو بتمامی دعوت کنندگان خود
۶ نیکو و معفو وبسیار رحیم میباشی *ای خداوند تضرع
۷ مرا اصغا کن وبآواز دعاهای من متوجه باش *در
روز تنگدستی خود ترا خواهم خواند زیراکه مرا
۸ استجابت خواهی کرد *ای پروردگار در میان خدایان
مانند توئی نیست وخداوندا مثل اعمال تو نیست
۹ *تمامی طوایفی که ایشان را آفریدی در حضور تو
خواهند آمد وبسجده خواهند افتاد وباسم تو جلال را وصف
۱۰ خواهند نمود *زیراکه تو عظیمی وتو عجایبات را بعمل
۱۱ می آوری وخدای یگانه توئی *خداوندا مرا براه خود
تعلیم بده که رفتار در حقیقت تو خواهم نمود ودل

۱۱ مرا برای ترسیدن اسم خود متفق ساز * ای پروردگار
وخدای من ترا بتمامی دل خود شکر خواهم نمود وباسم
۱۲ تو تا ابد جلال را وصف خواهم کرد * یقین که رحمت
تو در بارهٔ من عظیم است زیراکه جان مرا از
۱۳ چاه اسفل رهانیدی * ای خدا متکبران در ضد من
مقاومت نمودند وجماعت ظالمان متجسس جان
۱۴ من بودند وترا در نظر خودشان نیاوردند * وتو ای
خداوند آن خدای رحیم وکریمی که در غضب صابر
۱۵ ودر رحمت وحقیقت وافر میباشی * وبسوی من
نظر نما ومرا رحمت بنما وقوّت خودرا به بندهٔ خود
۱۶ عطا بفرما وبفرزند بندهٔ نساء خود نجات بده * وآیتی را
که برای نیکوئی من باشد بعمل آر تا مبغضان
من به بینند وشرمسار گردند زیراکه تو ای خداوند
مرا معاونت نمودی وبمن تسلّی نمودی

زبور هشتاد وهفتم مزمور وسرود از براي فرزندان قارون

۲ بنیاد او در کوههای مقدس است * خداوند دروب
۳ صیهون را بر تمامی اماکن یعقوب ترجیح میدهد * در
۴ بارهٔ تو ای شهر خدا جلالتها گفته می شوند سله * راهاب
وبابل را بشناسندگان خود واینک فلستین وصور
با کوش را مذکور خواهم نمود (زیراکه) اینکس در آنجا
۵ زائیده شده است * ودر بارهٔ صیهون مذکور خواهد
گردید که این بشر وآن بشر در او زائیده شده
۶ است وتعالی خود اورا ثابت خواهد کرد * خداوند
در کتابهای خلایق آشکار خواهد کرد که اینکس در
۷ آنجا زائیده شده است سله * هم مغنیان وهم سازندگان
وتمامی چشمهای من در توست

زبور هشتاد وهشتم

سرود ومزمور براي فرزندان قارون سالار مغنیان بر محلت
لعنوت تعلیم حیمان ازراحي

۱ ای خداوند وخدای منجی من روز وشب پیش تو

۲ فریاد نمودم * که دعای من بحضور تو داخل شود گوش
۳ خودرا بفریاد من فرا دار * زیرا که جان من از بلاها مملو
۴ است وحیات من نزدیک بقبر است * وشمرده
شده ام بانکسانی که بچاه فرو میروند ومانند شخص
۵ بیقوت گردیدم * در میان مردگان من آزاد میباشم
مانند کشتگانی که در قبر میخوابند که ایشان را دیگر
بخاطر نمی آوری وایشان بدست تو منقطع می شوند
۶ * مرا در چاه اسفلان در تاریکیها ودر عمیقها گذاشتی
۷ * غضب تو بر من شکنجه می نماید ومرا در امواج خود
۸ مبتلا گردانیدی سلَه * شناسندگان مرا از من دور
نمودی ومرا سبب نفرت ایشان گردانیدی که
۹ محبوسم وبیرون نمی توانم آمد * چشم من از بلای
من ضعیف میشود ای خداوند در هر روز ترا خواندم
۱۰ ودستهای خودرا بسوی تو بلند کردم * آیا عجایب را
باهل موت عمل خواهی نمود ویا مردگان بر خواسته
۱۱ ترا شکر خواهند کرد سلَه * آیا رحمت تو در قبر

۱۲ وحقیقت تو در هلاکت آشکار خواهد گردید * آیا
عجایب تو در تاریکی ویا صداقت تو در زمین
۱۳ نسیان معروف خواهد شد * وای خداوند ترا استغاثه
۱۴ نموده ودر صبحدم تضرّع من بتو خواهد رسید * ای
خداوند چرا جان مرا دور میگردانی وروی خودرا ازمن
۱۵ مستور مینمائی * من از طفولیّت مفلوک ونزدیک
بمرگ شدم وحامل ترسهای تو بوده مضطرب
گردیدم * غضبهای تو بر من عبور می نمایند وهراسهای
۱۷ تو مرا منقطع میکنند * هر روز مانند آبها مرا احاطه
۱۸ نموده وبهمدیگر در ضدّ من دائره بستند * دوست
ورفیق را از من دور نموده وشناسندگان مرا در
ظلمت (میگذاری)

زبور هشتاد ونهم تعلیم ایثان ازراحی

۱ رحمتهای خداوند را تاابد خواهم سرائید (ای خداوند) بدهان
خود وفاداری ترا پشت به پشت معروف خواهم گردانید

۲ *زیرا که گفتم که رحمت تا باید پایدار خواهد بود و در خود
۳ آسمانها وفاداری خود را ثابت خواهی کرد *(و فرموده‌ئی) عهد
به برگزیده‌ء خود کردم و به بنده‌ء خود داود سوگند خوردم
۴ *که ذرّیت ترا تا باید ثابت خواهم کرد و تخت ترا پشت
۵ بپشت پایدار خواهم ساخت سله *و ای خداوند آسمانها
عجایبات ترا بل وفاداری ترا در اجتماع مقدّسان
۶ تمجید خواهند کرد *زیرا که کیست در سپهر که بخداوند
مقابله تواند شد و کیست در میان فرزندان نیرومندان
۷ که بخداوند مشابهت تواند یافت *خدا در جماعت
مقدّسان بسیار مهیب و نزد تمامی حوالیانش سهمگین
۸ است *ای خداوند وخدای لشکرها مانند تو خداوند
قادر مطلق کیست بدرستی که وفاداری تو در اطراف
۹ تو میباشد *تو در غرش دریا تسلّط می نمائی و تلاطم
۱۰ امواجش را فرو می نشانی *رهب را مانند زخم دار
کوفتی و بباروی قوّت خود دشمنان خود را پراگنده
۱۱ نمودی *آسمانها از آن تست بل زمین از آن تست

۱۲ وجهان و مملوّیش تو ایشان را بنا نهادی *تو شمال
وجنوب را آفریدی (کوه) تابور وحرمون اسم ترا خواهند
۱۳ سرائید *بازوی قوّت از آن تُست دست تو قوی
۱۴ و یمین تو بلند است *راستی وحکم در مکان عرش
تُست رحمت وحقیقت پیش روی تو میروند
۱۵ ای خداوند خوشا حال آنقومی که بآواز شادمان عارف
۱۶ میباشند ودر نور دیدار تو روان خواهند شد *در اسم
تو تمامی روز وجد خواهند نمود ودر صداقت تو مرفوع
۱۷ خواهند شد *زیرا که عظمت قوّت ایشان توئی
۱۸ وشاخ ما در لطف تو مرفوع خواهد گردید *زانرو که
خداوند سپر ما ومقدّس اسرائیل پادشاه ماست
۱۹ *آنگاه در رویا بمقدّس خود تکلّم نموده فرمودی که
نصرت را بر اهل کبار نهادم وکسی که از قوم برگزیده
۲۰ شده است مرفوع نمودم *بندهٔ خود داود را گزین
۲۱ نمودم وبروغن مقدّس خود اورا چرب کردم *زانرو
که دست من باو استوار خواهد شد وبازوی من

۲۲ نیز اورا پرزور خواهد گردانید *دشمن ازو بزور نخواهد گرفت وفرزند ظلم اورا مبتلا نخواهد گردانید
۲۳ *واعدای اورا از حضورش خواهم کوفت ومبغضانش را
۲۴ خواهم آزرد * امّا وفاداری من ورحمت من با اوست
۲۵ ودر اسم من شاخ او مرفوع خواهد گشت *ودست
۲۶ اورا بر دریا و.یمین اورا بررودخانها خواهم نهاد * او مرا خواهد خواند که پدر من وخدای من وکوه منجی من
۲۷ توئی *ومن نیز اورا مولود نخستین وبالاتر از
۲۸ پادشاهان زمین خواهم گردانید *از جهتش رحمت خودرا تا ابد محافظت خواهم کرد وبرایش عهد من
۲۹ استوار خواهد بود * وذرّیت اورا دائم وتخت اورا مانند
۳۰ ایّام آسمانها خواهم گردانید *اگر فرزندان او شریعت
۳۱ مرا وا گذارند ودر احکام من رفتار ننمایند *واگر در
۳۲ حقوق مرا معدوم کنند وفرمانهای مرا نگاه ندارند *آنگاه تجاوزهای ایشان را بعصا ومعصیت ایشان را بضربها
۳۳ عقوبت خواهم نمود *امّا رحمت خودرا ازو نخواهم بر

۳۴ داشت ودر وفاداری خود کاذب نخواهم بود * عهد
خودرا معدوم نخواهم نمود وآنچه از لبهای من بیرون
۳۵ رفته است متغیر نخواهم کرد * یکبار بقدس خود
۳۶ سوگند خوردم وبداود دروغ نخواهم گفت * ذریتش تا
ابد وتخت او در حضور من مانند آفتاب باقی
۳۷ خواهد بود * تا ابد مثل ماه ومانند شاهد مبین که در
۳۸ سپهراست ثابت خواهد شد * امّا تو مسیح خودرا دور
۳۹ نموده ونفرت کرده وبا او غضبناک شده * عهد
بندهٔ خود معدوم کرده وتاج اورا بر زمین انداخته
۴۰ نجس کرده * تمامی حصارهایش را شکسته ومامنهایش را
۴۱ خراب گردانیده * تمامی عابران راه اورا خراب میکنند
واز برای همسایگانش سرکوب گردیده است
۴۲ * دست راست اعدای اورا مرفوع نموده وتمامی
۴۳ دشمنان اورا شادمان گردانیده * دم شمشیر اورا
۴۴ نیز بر گردانیده واورا در جهاد قایم نکردی * پاکی اورا
موقوف وتخت اورا در خاک منهدم گردانیده

۴۵ * ایامهای جوانی اورا مختصر کرده و شرمندگی بر او
۴۶ پوشانیده سلہ * ای پروردگار آیا تا بکی خودرا تا ابد
محجب خواهی کرد و یا غضب تو مانند آتش مشتعل
۴۷ خواهد گشت * بخاطر آر که عمر من چند است چرا
۴۸ تمامی فرزندان انسان را با عبث آفریده * کیست
آنمردی که زیست خواهد نمود و مرگ را نخواهد دید
-(ویا کیست) که جان خودرا از دست قبر مستخلص
۴۹ تواند کرد سلہ * ای پروردگار کجاست رحمتهای
۵۰ پیشین تو که در وفاداری خود بداود سوگند خوردی * ای
پروردگار ملامت بندگان خودرا بل ملامت تمامی
بزرگان خلایق را که بسینهٔ خود حمل کرده است بخاطر
۵۱ آر * (که) ای خداوند بچه طور دشمنان تو ملامت کنند
و بچه طور نقش پاهای مسیح ترا سرکوب مینمایند
۵۲ * مبارکباد خداوند تا ابد آمین وآمین

زبور نودم دعای موسی مرد خدا

۱ ای خداوند تو پشت به پشت (معین) معان ما
۲ بوده * قبل از آنکه کوهها بوجود آمده باشند وزمین
۳ وجهان را خلق گردانی تو از ازل تا ابد خدائی
* انسان را بمعدومی باز میگردانی ومیفرمائی که ای
۴ فرزندان انسان باز گردیدند (باصل خود) * زیراکه در نظر
تو هزار سال مانند دیروز است وپاسی که از شب گذشته
۵ باشد * چون سیلاب ایشان را بر داشته می بری ومانند
رویا وگیاه میباشند که در صبحدم تر وتازه میگردد
۶ * بلکه صبحدم می شکوفه ونشو ونما می نماید ودر شامگاه
۷ [illegible] وپژمرده میشود * زیراکه در غیظ تو با تمام رسیده
۸ ایم ودر غضب تو مضطرب میباشیم * معصیتهای مارا
در نظر خود وگناهان پنهان مارا در روشنی حضور خود
۹ آوردی * زیراکه همه روزهای ما در غضب تو بآخر
میرسند وسالهای خودرا چون حکایت با تمام می رسانیم
۱۰ * ایام سالهای ما هفتاد سال است واگر بسبب قوتها

بهشتاد سال برسد وزیاده از آنها تعب ورنج است
۱۱ بدرستی که بزودی منقطع شده پرواز می نمائیم * کیست
که قوت غیظ تو بداند وغضب تو مانند هیبت تست
۱۲ * مارا عارف بشمردن ایامهای ما بگردان تا از دل
۱۳ تفکر حکمت نمائیم * ای خداوند رجعت کن تا بکی
۱۴ وبر بندگانت تسلی ده * تا در صبح از رحمت تو
مملو شویم ودر تمامی ایام خود خوشنود گردیم ووجد نمائیم
۱۵ * مارا شادمان بگردان عوض آن روزهائی که مارا
مبتلا گردانیده وبآن سالهائی که ستمهارا دیده ایم
۱۶ * صنع تو به بندگان تو وعظمت تو بفرزندان ایشان
۱۷ پدیدار آید * وخرمی خداوند وخدای ما بر ما باشد وکار
دستهای مارا برای ما استوار نما بلکه عمل دستهای
مارا ثابت کن

زبور نود ویکم

۱ آنکسی که در مکان پنهان تعالی نشیند در سایهٔ
۲ قادر مطلق بر خواهد برد * بخداوند خواهم گفت که پناه

من وملجاء من و خدائی که من باو متوکلم توئی
۳ *بدرستی که او ترا از دام صیاد واز وبای هولناک
۴ مستخلص خواهد کرد *وترا در اجنحهٔ خود مستور
خواهد نمود وبزیر کنفهای او پناه خواهی آورد که
۵ حقیقت او سپر وجُنّه میباشد *از خوف شب
۶ واز تیر که در روز می پرد * از وبائی که در تاریکی
میگردد واز بلائی که وقت ظهر ویران میکند نخواهی
۷ ترسید *هزار از طرف تو وده هزار از یمین تو (از
۸ بلا) خواهند افتاد بتو نخواهد رسید *مجرّد بچشمهای
۹ خود خواهی نگریست وجزاء اشرار را خواهی دید*بدرستی
که ای خداوند پناه من توئی و(ای کسی که) تو تعالی را
۱۰ مامن خود گردانیدهٔ *بلا بتو نخواهد رسید ووبا بخیمهٔ
۱۱ تو نزدیکی نخواهد نمود *زیرا که ملائکه خودرا برای
تو فرمان خواهد داد تا آنکه در همگی طریقهای تو
۱۲ ترا نگاه بدارند *وبدستهای (خودشان) ترا خواهند بر
۱۳ داشت مبادا پای تو بر سنگ بخورد *بر شیر

واقعی پا خواهی نهاد شیر بچه ونهنگــرا پایمال خواهی
۱۴ نمود * (ومیفرماید) بدرستی که (اینکس) که برمن عاشق
شد اورا مستخلص خواهم کرد واورا بلند خواهم نمود از
۱۵ آنرو که اسم مرا دانست * مرا خواهد خواند واورا
استجابت خواهم کرد وبا او در تنگدستی خواهم بود
۱۶ واورا خلاص خواهم نمود واورا تعظیم خواهم کرد *واورا
از ایام مطوّل مملو ساخت وبسلامت من اورا
متبصّر خواهم گردانید

زبور نود ودویم مزمور وسرود از برای یوم سبت

۱ اقرار بخداوند وسرائیدن اسم تو ای تعالی نیکوست
۲ *که رحمت ترا در صبح ووفاداری ترا در شبها آشکار
۳ کنند *با سازده تار وبر نبل وبر هگایون وبا بربط
۴ *زیراکه ای خداوند مرا بصنع خود شادمان گردانیده
۵ ودر کارهای دست تو تفاخر خواهم نمود *ای خداوند
اعمال تو چه عظیم است واندیشهای تو بسیار عمیق

۶ است *این را مرد احمق نمیداند وعدیم الفهم ادراک
۷ نمی نماید *هنگامی که شرایر مانند گیاه می شگوفند وتمامی
فساد کنندگان نشو وتمامی نمایند از برای اینکه منقطع
۸ شوند تا باید *وای خداوند تو تا باید تعالی میباشی
۹ *زیرا که اکنون ای خداوند دشمنان تو وبدرستی که
اینک مبغضان تو هلاک خواهند گشت وتمامی فساد
۱۰ کنندگان پراگنده خواهند گردید *وشاخ مرا مثل شاخ
کرگدن بلند خواهی کرد وبروغن تازه چرب کرده
۱۱ خواهم شد *وچشم من بر حاسدان خود خواهد نگریست
وگوش من در حق شرایری که در ضد من مقاومت
۱۲ می نمایند خواهد شنید *صدیق مانند درخت خرما خواهد
شگفت ومثل سرو آزاد در لبنان نمو خواهد نمود
۱۳ *آن کسانی که در خانهٔ خداوند نشانده میشوند در
۱۴ بارگاههای خداوند ما خواهند شگفت *وهم در پیری نشو
۱۵ ونما خواهند نمود وتر وتازه خواهند بود *از برای آشکار

کردن آنکه خداوند راستست وکوه من است که
در او ناراستی نیست

زبور نود وسیم

۱ خداوند پادشاهی می نماید وآرایش خداوند لباس
کبریائیست وخودرا بقوّت بسته است وجهان را
چنان ثابت کرده است که متحرّک نخواهد شد
۲ * (خداوندا) عرش تو از ایّام قدیم ثابت است وتو
۳ همیشه میباشی * ایخداوند نهرها بلند گردانیدند وسیلها
مرتفع نمودند آواز خودرا وتلاطم خودرا مرفوع گردانیدند
۴ * لکن خداوند در علوی از نداهای آبهای بسیار واز
۵ امواج پر زور دریا زور آور تر است * ای خداوند
شهادات تو بسیار صدق است وزینت خانهٔ تو
تقدّس تا ابد الاباد

زبور نود وچهارم

۱ ای اله منتقم وپروردگار وخدای منتقم درخشان

۲ باش * ای حاکم زمین برتری کن وبر متکبران
۳ جزا بده * ای خداوند تا بکی اشرار وتا چند شرایر تفاخر
۴ خواهند نمود * وگفتگو خواهند کرد وحرفهای درشت
خواهند زد وتمامی فساد کنندگان خود فروشی خواهند نمود
۵ * ای خداوند قوم ترا پایمال میکنند ومیراث ترا مبتلا
۶ میسازند * بیوه وغریب می کشند ویتیمان را بقتل
۷ میرسانند * ومیگویند که خداوند نخواهد دید وخدای
۸ یعقوب نخواهد فهمید * ای احمقانی که در میان
خلق میباشند بفهمید وای ابلهان کی خواهید دریافت
۹ * آن کسی که گوش را آفرید آیا نخواهد شنید وچشم را
۱۰ خلقت نمود آیا نخواهد دید * آن کسی که طوایف را
تنبیه می نماید وبمردم تعلیم حکمت میدهد آیا عقوبت
۱۱ نخواهد فرمود * خداوند اندیشهای انسان را میداند که
۱۲ آنها عبث میباشند * ای خداوند خوشا حال آنکسی
که اورا عتاب میکنی واورا از شریعت خود تعلیم
۱۳ میدهی * که اورا از ایام بلا ساکن بگردانی تا چاه از

١۴ برای اشرار کنده شود * زیرا که خداوند قوم خودرا وا
نخواهد گذاشت ومیراث خودرا ترک نخواهد کرد
١۵ * زیرا که شاهد صادق حکمرا خواهد برگردانید وتمامی
١٦ راستدلان در پی او روان خواهند شد * کیست که
از جهتهٔ من در ضدّ باشرار مقاومت خواهد نمود
کیست که از برای من در ضدّ فساد کنندگان
١٧ خواهد ایستاد * اگر خداوند ناصر من نمی بود نزدیک
آن بود که جان من در خاموشی ساکن شود
١٨ * گفتم هنگامی که پای من بلغزد رحمت تو ای خداوند
١٩ مرا نگاه خواهد داشت * تسلّیهای تو در بسیاری
اندیشهای من که در قلب منند جان مرا شادمان
٢٠ گردانیدند * آیا تخت شرایر که ظلمرا بطریقهٔ شریعت
٢١ حکم مینماید شریک تو خواهد شد * بر جان صدّیق
٢٢ هجوم می آورند وبر خون بی تقصیر حکم مینمایند * لیکن
خداوند ملجاء من وخدای من وقوّت پناه من است
٢٣ * وناراستی ایشان را بر ایشان خواهد برگردانید ودر

شرارت ایشان ایشان‌را منقطع خواهد کرد (بلکه)
خداوند وخدای ما ایشان‌را منقطع خواهد نمود

زبور نود وپنجم

۱ بیائید تا خداوندرا حمد نمائیم وکوه منجی مارا بسرائیم
۲ *با شکر گذاری در حضورش داخل شویم وبزبورها اورا
۳ تسبیح نمائیم *زیراکه خداوند خدای بزرگ وپادشاه بر
۴ تمامی خدایان عظیم است *وعمیقهای زمین در
۵ دست اوست وفراز کوهها ازآن اوست *واوراست
دریا که اورا آفرید ودستهایش خشکی‌را صنع نمود
۶ *بیائید که در حضور خداوند وآفریننده خود سجود ورکوع
۷ نمائیم وبر زانو بیفتیم *زیراکه او خدای ماست وما
قوم علفزارش وگوسفند دستش میباشیم امروز اگر
۸ آواز اورا بشنوید *دلهای خودتان‌را مانند منازعه ومثل
۹ یوم امتحان در تیه سخت مگردانید *(ومیفرماید)
هنگامی که پدران شما مرا آزمودند وامتحان کردند

۱۰ وعمل مرا دیدند *چهل سال از آن فرقه دریغم
آمد وگفتم که آنها قومی اند که قلبا گمراه شده اند وراههای
۱۱ مرا ندانستند *چنان که در خشم خود سوگند خوردم
که در راحت من داخل نخواهند گردید

زبور نود وششم

۱ خداوندرا بسرود تازه بسرائید وای تمامی (خلایق) زمین
۲ خداوندرا تسبیح نمائید *خداوندرا بسرائید وشاکر اسمش
۳ باشید وروز بروز نجاتش را مطلع سازید *جلال اورا
در میان طوایف وعجایبات اورا در میان خلایق
۴ آشکار بکنید *زیرا خداوند عظیم است وبسیار لایق
حمد است خوفش بر فوق تمامی خدایان سهمگین
۵ است *زیراکه تمامی خداهای خلایق بتها میباشند لکن
۶ خداوند آسمانهارا خلق کرد *عزت وبزرگی در حضورش
۷ وکبریا وزینت در مقدس او میباشند *ای نسائل
قومها توصیف خداوند کنید جلال وکبریائی خداوندرا

۸ تهلیل نمائید * عظمت اسمش را بخداوند وصف بنمائید وهدیه برسانید ودر بارگاههایش داخل شوید
۹ * خداوندرا در زینت تقدس سجده نمائید وای تمامی
۱۰ (خلایق) جهان از حضورش بترسید * در میان طوایف بگوئید که خداوند پادشاهی مینماید وجهان را چنان ثابت میکند که متحرک نتواند شد وخلایق را براستی
۱۱ حکم خواهد نمود * آسمانها شادمان باشند و(خلایق)
۱۲ زمین وجد نمایند دریا ومملوّیش غرّش کنند * کشت زار وهر آنچه در اوست مسرور باشند آنگاه تمامی
۱۳ درختهای جنگل خوشنود خواهند گردید * در حضور خداوند زیراکه می آید بدرستی که برای تحکّم زمین می آید جهان را براستی وخلایق را بوفاداری حکم خواهد نمود

زبور نود وهفتم

۱ خداوند پادشاهی میکند وزمین بوجد می آید وبسیار
۲ جزیرها شادمان باشند * ابرها وتاریکی در اطرافش

۳ میباشند صدق وحکم آراستگی عرش اوست * آتش
در حضورش میرود واعدای اورا در اطراف میسوزاند
۴ * برقش جهان را منور ساخت زمین دید ولرزان
۵ گردید * کوهها مثل موم در حضور خداوند (بل) در
۶ حضور پروردگار تمام زمین گداخته شدند * آسمانها
صدق اورا آشکار می نمایند وتمامی خلایق جلال اورا
۷ خواهند دید * تمامی آنکسانی که بصورتهای کندش
کار عبادت میکنند وبه بتها فخر مینمایند شرمندگی
۸ میبرند ای تمامی فرشتگان اورا سجده بنمائید * صیهون
شنید وشادمان گردید ودختران یهودا بسبب احکام
۹ تو ای خداوند بوجد آمدند * بدرستی که تو ای
خداوند بر تمامی (ساکنان) زمین تعالی وبر فوق تمامی
۱۰ فرشتگان مافوق میباشی * ای کسانی که محبان
خداوند میباشید بدی را بغض نمائید که جان مقدسانش را
نگاه دارد وایشان را از دست شرایر مستخلص کند
۱۱ * نور از جهته صدیق وشادمانی از جهته راستدلان

۱۲ مزروع است * ای صدّیقان از خداوند خوشنود
باشید ودر تذکّر پاکیش شکرگذاری نمائید

زبور نود وهشتم مزمور

۱ بخداوند تسبیح تازه‌را بسرائید زیراکه عجایبات‌را
بعمل آورده است بیمین او وبازوی مقدس او
۲ نجاتش‌را پیدا کرده است * خداوند نجات خودرا
معروف گردانید وصداقت خودرا در میان طوایف
۳ آشکار نمود * رحمت خودرا ووفاداری خودرا بسوی
خانهٔ اسرائیل ذکر نمود وتمامی انجامهای زمین نجات
۴ خدای مارا خواهند دید * ای تمامی (ساکنان) زمین
بخداوند بخروشید وندای بلند بنمائید وتمجید بکنید
۵ وبسرائید * بخداوند بر بربط (وبل) با بربط وبآواز تسبیح
۶ بسرائید * بنفیرها وآواز کرنای در حضور پادشاه وخداوند
۷ بخروشید * دریا ومملوّیش وجهان وتمامی آنانی که در
۸ او ساکنند غرّش بنمائید * رودخانها مرحبا بگویند وکوهها
۹ با همدیگر بوجد آیند * در حضور خداوند زیراکه برای

تحکم زمین می آید جهان را بصدق وخلایق را براستی
حکم خواهد نمود

زبور نود ونهم

۱ خداوند پادشاهی مینماید وقومها مرتعش گردند ودر
میان کروبین ساکن است وزمین متزلزل گردد
۲ *وخداوند در صیهون عظیم است وخود بر فوق تمامی
۳ خلایق مافوق است *باسم تو شکر بنمایند (زیراکه) او
۴ عظیم وسهمگین ومقدس است *پادشاه مقوی
عدالت را دوست میدارد (ای خدا) تو راستی را ثابت
کردی عدالت وصداقت را در یعقوب بعمل آوردی
۵ *رفعت خداوند وخدای ما را وصف بنمائید ودرپای
تخت او سجده بکنید (زیراکه) او مقدس است
۶ *موسی وهرون در میان کاهنان او وشموئیل در میان
دعوت کنندگان اسم او خداوند را خواندند واو ایشان را
۷ استجابت فرمود *در ستون ابر بایشان تکلم نمود
وشهادات اورا وآئین را که از جهت ایشان مقرر

۸ فرمود نگاه داشتند * ای خداوند تو خدای مائی وایشان را
استجابت فرمودی واز برای ایشان خدای معاف
بودی اگر چه بر کوششهای ایشان انتقام کشیدی
۹ * رفعت خداوند وخدای مارا وصف بنمائید ودر کوه
مقدس او سجده نمائید زیرا که خداوند وخدای ما
مقدس است

زبور یکصدم مزمور اقرار

۲ ای تمامی (ساکنان) زمین بخداوند بخروشید * خداوندرا
بشادمانی عبادت نمائید وحمد کنان در حضورش داخل
۳ شوید * خداوندرا بدانید که خداست نه ما خودرا (آفریدیم
بلکه) او مارا آفرید قوم او وگوسفندان علفزارش
۴ میباشیم * در دروبش باقرار ودر بارگاههایش حمد
کنان داخل واورا تمجید نمائید وشاکر اسم او باشید
۵ * زیرا که خداوند نیکوست رحمت او تا ابد ووفاداری
او پشت به پشت باقی است

زبور صد و یکم مزمور داود

۱ رحمت وحکم (ترا) خواهم سرائید وای خداوند ترا خواهم
۲ سرائید * در راه کامل حکیمانه خواهم رفت کی (بمعاونت)
من خواهی رسید ودر سادہ لوحی دل خود در اندرون
۳ خانهٔ خود رفتار خواهم نمود * کار فاسد را بنظر نخواهم
آورد وعمل کجروندگان را بغض خواهم کرد و بمن
۴ ملحق نخواهد گشت * و (مرد) دل مرده از من
۵ دور خواهد شد وشریر را نخواهم پسندید * آنکسی که به
پنهانی رفیق خود را دشنام میدهد اورا منقطع خواهم
کرد وشخص بلند چشم وپهن دل را متحمل نخواهم
۶ گردید * چشمهای من بر مؤمنین زمین است تا
با من ساکن شوند وآنکسی که براه کامل میگردد
۷ بمن خدمت خواهد کرد * فریب کننده در اندرون
خانهٔ من ساکن نخواهد گشت ودروغ گوینده پیش
۸ چشمهای من ثابت نخواهد شد * در صبحدم تمامی

اشرار زمین را منقطع خواهم کرد تا همگی فساد
کنندگان از شهر خداوند دور گردیده شوند

زبور صد ودوم

دعای مفلوک هنگامی که اندوهناک شد واندیشهٔ
خودرا در حضور خداوند گذراند

۱ ای خداوند دعای مرا استماع بفرما که استغاثهٔ من
۲ بتو برسد *روی خودرا در روز تنگدستی من از من
مستور مکن گوش خودرا بمن فرا دار ودر روزی
که (ترا) دعوت کنم بی درنگ مرا استجابت کن
۳ *زیراکه روزهای من مانند دود باتمام میرسند واستخوانهای
۴ من مثل هیمه سوخته است *دل من درویده شد
ومانند گیاه خشک گردید زیراکه خوردن نان خودرا
۵ فراموش کردم *از آواز نالش من استخوانهای
۶ من بپوست من چسبید *شبیه مجاهی خوار گشتم
۷ ومانند بوم در خرابها گردیدم *بیدار شدم وبالای بام
۸ مانند گنجشک تنها گشتم *دشمنان من مرا در تمامی

روز فحش میگویند وآنکسانیکه بر من فخر مینمایند
۹ در ضدّ من هم قسم شدند * زیراکه خاکستر را مثل نان
۱۰ خوردم واشربهٔ خود را با اشک آمیختم * بسبب خشم
وغضب تو زیراکه مرا بر داشتی ومرا فرو انداختی
۱۱ * روزهای من مانند سایهٔ مطوّل میگردند وخودم مثل
۱۲ گیاه خشک گردیدم * امّا تو ای خداوند تا ابد باقی
۱۳ میباشی وذکر تو پشت به پشت است * تو خواهی
بر خواست وصیهون را ترحم خواهی نمود زیراکه موسم
۱۴ تلطّف باو بلکه زمان معینش رسیده است * بدرستی
که عابدان تو از سنگهایش راضی واز خاکش خوشنود
۱۵ میباشند * وطوایف از اسم تو وهمگی پادشاهان زمین
۱۶ از جلال تو خائف خواهند شد * هنگامی که خداوند
صیهون را معمور سازد در جلال خود ظاهر خواهد شد
۱۷ * بدعای بیچاره متوجّه میباشد وتضرّع ایشان را حقیر
۱۸ نمینماید * اینها از جهته قرن آینده مکتوب خواهد
گشت وقومی که آفریده خواهد شد خداوندرا حمد خواهند

۱۹ نمود * بدرستی که خداوند از علو مقدس خود نگریست
۲۰ بل از آسمان بر زمین نظر فرمود * تا نالش اسیران را
بشنود وفرزندانی را که مستلزم مرگند مستخلص نماید
۲۱ * تا آنکه اسم خداوند در صیهون وحمدش در اورشلیم
۲۲ آشکار شود * در هنگامی که قومها و(ساکنان) ممالک
۲۳ از برای عبادت خداوند مجتمع میگردند * قوت
۲۴ مرا در راه کم گردانید وایام مرا مختصر ساخت * گفتم
که ای اله من در نصف روزهای من مرا بر مدار (اما)
۲۵ سالهای تو پشت به پشت است * در ایام قدیم
زمین را بنا نمودی وآسمانها عمل دستهای تو میباشد
۲۶ * ایشان ضایع خواهند گشت لکن تو قیوم میباشی
وتمامی ایشان مثل پوشاک مندرس خواهند گردید
وایشان را مانند لباس تبدیل خواهی داد وتغییر
۲۷ خواهند یافت * اما تو همان میباشی وسالهای تو باتمام
۲۸ نمیرسند * اولاد بندهٔ تو باقی خواهند بود وذریت
ایشان در حضور تو ثابت خواهند گشت

زبور صد وسیم از آن داود

۱ ای جان من وای تمامی قلب من خداوندرا واسم
۲ مقدس اورا تسبیح بنمائید *ای جان من بخداوند
۳ شکر بنما وتمامی نعمتهای اورا فراموش مکن *کی
همهٔ معصیت ترا عفو مینماید وتمامی امراض ترا شفا
۴ میدهد *کی حیات ترا از هلاکت میرهاند وبمهربانی
۵ ورحمتها ترا مکلل میگرداند *کی دهن ترا به نیکوئی
مملو میکند بطوری که جوانی تو مانند (جوانی) عُقاب
۶ تازه میگردد *خداوند عدالتها وحکمهارا از برای تمامی
۷ مظلومان بعمل می آورد *راههایش را بموسی
ولعمالهایش را به بنی اسرائیل معروف گردانید
۸ *خداوند رحیم وکریم ودیر غضب وبسیار شفیق است
۹ *همیشه منازعت نمی نماید وخشم را تا ابد نگاه ندارد
۱۰ *مارا موافق گناهان ما عمل ننمود ومطابق معصیتهای
۱۱ ما بما عوض نداد *زیراکه رحمت او برای خائفانش

۱۱ مانند بلندی آسمانها که بر فوق زمین است * تجاوزهای
مارا مانند مباعدت مشرق تا مغرب از ما دور نموده
۱۳ است * رحمت خداوند برای خائفانش شبیه است
۱۴ بمرحمت پدر بر فرزندانش * زیراکه او بر خلقت
ما عالم است وبخاطر میگذراند که ما خاک میباشیم
۱۵ * ایام انسان گیاهست وهمچنانی که گل در چمن
۱۶ می شگوفد * زآنروکه باد ازو عبور مینماید واو ناپدید
۱۷ است وجایش دیگر اورا نخواهد دید * ورحمت
خداوند برای خائفانش وصداقت او از جهتهٔ اولاد
۱۸ باولاد ایشان از ازل تا بابد است * برای آنکسانی
که عهد اورا نگاه دارند وفرمانهایش را بخاطر می آورند
۱۹ تا آنکه ایشان را عمل نمایند * خداوند عرش خودرا
در آسمانها ثابت کرده است وپادشاهی او بر همهٔ
۲۰ (اشیا) تسلط میراند * ای ملائکهائی او که صاحبان
قوت بوده امر اورا بعمل می آرید وآواز کلام اورا
۲۱ می شنوید خداوندرا شکر بنمائید * ای تمامی لشکرهایش

وخادمانش که ارادت اورا بجا می آورید خداوندرا
۲۲ شکر نمائید * ای تمامی مخلوقات او در تمامی مقامهای
پادشاهیش خداوندرا شکر بنمائید وای جان من خداوندرا
شکر بنما

زبور صد وچهارم

۱ ای جان من خداوندرا شکر بنما ای خداوند واله من
۲ بسیار عظیم میباشی عزت وبزرگی را پوشیدی * نوررا
مانند لباس پوشیدی وآسمانهارا مثل پرده مطول
۳ ساختی * کی حجرهای خودرا درآبها آماده میکند وابرهارا
۴ عرابهٔ خود میگرداند وبر اجنحهٔ باد رفتار مینماید * کی
فرشتگان خودرا روحانی وملازمان خودرا شعلهٔ آتش
۵ میگرداند * زمین را با اساسش بنا کرد که تا ابد هر
۶ گز متحرک نمی شود * (دریای) عمیق را مانند لباس
بر او پوشانید (ای خدا) ابهارا از بالای کوهها گذرانیدی
۷ * و(زمان) ممانعت تو گریختند واز آواز رعد تو بزیر
۸ شتافتند * بکوهها بر آمدند واز درها بجائی که از

۹ جهته ایشان بنا کردهٔ فرو رفتند * حدی بر (ایشان) نهادی که تجاوز نکنند وبفرو گرفتن زمین بر نگردند
۱۰ * و (خداوند) چشمههارا بر سیلهائی که از کمر کوه جاریند
۱۱ روان میگرداند * تمامی حیوانات صحرا می نوشند
۱۲ وگورها دفع تشنگی خود میکنند * طیور هوا در اطراف
۱۳ ایشان می نشینند ودر میان برگها می سرایند * از ابرهای خود کوههارا شاداب میگرداند (خداوندا) زمین
۱۴ از حاصل صنع تو مملو است * کی گیاه‌را از برای دواب وسبزه‌را از جهته استعمال انسان میرویاند
۱۵ تا آنکه نان از زمین بروید * وشراب که دل انسان‌را شادمانی میگرداند وروغن که رویش‌را درخشان میسازد ونان که دل انسان‌را پشتیبان است
۱۶ (عطا میفرماید) * درختهای خداوند سرو آزدهای لبنان
۱۷ که ایشان‌را غرس کرد از عرق مملواند * ودر آنها مرغان آشیانه می سازند وخانهٔ لقلق در صنوبرهاست
۱۸ * جبال بلند از جهته بزهای کوهی وسنگها برای

۱۹ خرکوشها مامن میباشند * ماه را برای فصلها مقرر
۲۰ میفرماید وآفتاب بغروب خود داناست * (ای خدا)
تاریکی را میفرستی وشب در می آید آنگاه تمامی
۲۱ حیوانات جنگل بیرون میروند * شیر بچگان غرش
۲۲ مینمایند وروزی خودشان را از خدا می طلبند * چون
آفتاب بر می آید مجتمع میگردند ودر کمینهای
۲۳ خودشان میخوابند * وانسان تا بشام بکار خود وبخدمت
۲۴ خود بیرون میرود * ای خداوند چه عظیم است
خلقتهای تو وتمامی ایشان را در حکمت صنع نمودی
۲۵ وزمین از نعمت تو مملو است * این دریای
بزرگ که ساحلهایش مطول است در او جنبندگان
۲۶ بیشمار وحیوانات کوچک وبزرگ میباشند * آنجا
کشتیها میروند واین نهنگی که اورا آفریدی در
۲۷ آن بازی میکند * تمامی ایشان از تو انتظار می کشند
۲۸ که روزی بایشان در زمانش عطا فرمائی * بایشان
احسان می نمائی واخذ می کنند ودست خودرا می

۲۹ کشاتی واز نیکوئی مملوّ می شوند *وروی خودرا مستور میکنی مضطرب میگردند وروح ایشان را میگیری میمیرند وبخاک خودشان بازگشت می
۳۰ نمایند *وروح خودرا میفرستی مخلوق می شوند وروی
۳۱ زمین را تازه میگردانی *جلال خداوند تا ابد باقیست
۳۲ خداوند از صنایع خود خوشنود است *بر زمین مینگرد ومتزلزل میگردد وکوهها را لمس مینماید ودود
۳۳ بر میدهند *خداوندرا تا بقای حیات خود خواهم سرائید وخدای خودرا تا بودن وجود خود حمد خواهم کرد
۳۴ *تفکر من در باره اش شیرین خواهد بود وخودم
۳۵ از خداوند خوشنود خواهم گشت *گناه کاران در زمین باتمام خواهند رسید وشرایر دیگر پیدا نخواهند شد ای جان من خداوندرا شکر بنما وخداوندرا بسرائید

۱۰

زبور صد وپنجم

۱ خداوندرا شکر بنمائید واسمش را بخوانید واعمالش را
۲ در میان خلایق معروف بگردانید * اورا بسرائید
واورا تمجید کنید در بارهٔ عجایباتش موعظه نمائید
۳ * اسم مقدس اورا حمد نمائید که دلهای متجسسان
۴ خداوند وجد نمایند * خداوندرا وقوتش را جستجو نمائید
۵ وهمیشه متفحص دیدارش باشید * عجایبات اورا
که کرده است ومعجزات اورا واحکام دهن اورا
۶ بخاطر آرید * ای ذرّیت بنده اش ابراهیم وای
۷ فرزندان برگزیده اش یعقوب * او خداوند وخدای
ماست واحکامش در کل زمین جاریست * وعهد
۸ خودرا پیوسته یاد نمود وکلامی که خود از برای هزار
۹ پشت مقرر فرمود * از آن (عهدیکه) باابراهیم معین
۱۰ کرد وازسوگندی که باسحق (خورد) * که آنرا بیعقوب
برای شریعت وباسرائیل عهد مؤبد قیوم ساخت

۱۱ *وفرمود که زمین کنعان را (چون) ریسمان رسد شما
۱۲ میراث (بذریّت) تو عطا خواهم فرمود *در هنگامی
که ایشان مردمانی در عدد اندک ومثل جزوی
۱۳ وغریب در آنجا بودند *واز طائفه بطائفه واز مملکت
۱۴ تا (بمملکت) قوم دیگر مسافر گشتند *کسی را قوّت
تسلّط تا آنکه ایشان را تعدّی نماید وبسبب ایشان
۱۵ پادشاهان را ممانعت نمود *که اندودگان مرا لمس
۱۶ مکنید وضرر به پیغمبران من مرسانید *وقحطی را بر
۱۷ زمین فرستاد وتمامی برکت نان را شکست *کسی
که برای بندگی فروخته شده بود (یعنی) یوسف را
۱۸ در پیش ایشان فرستاد *پاهایش را بقید رنجانیدند
۱۹ وجانش (بزنجیر) آهن داخل شد *تا بوقتی که سخنش
۲۰ بکار آمد وکلام خداوند اورا خالص کرد *پادشاه (مصر)
فرستاد واورا آزاد نمود وخدیو خلایق اورا مستخلص
۲۱ کرد *واورا والی خانهٔ خود وحاکم تمامی مُلک خود
۲۲ گردانید *تا آنکه امیرانش را باختیار خود به بند

۲۳ وپیرانش را حکمت تعلیم نماید *واسرائیل در مصر داخل شد ویعقوب در زمین حام بیگانه گردید
۲۴ *و(خداوند) قوم خودرا کثیر التّناسل ساخت وایشان را
۲۵ از اعدای ایشان پر زورتر گردانید *پس دل (مصریان را) برای بغض نمودن قوم خود وبرای حیله
۲۶ بستن در ضدّ خادمان خود منقلب گردانید *خادم
۲۷ خود موسی وهرون راکه برگزیده بود فرستاد *وکلمات وآیتهایش را در میان ایشان ومعجزات اورا در
۲۸ زمین حام بعمل آوردند *تاریکی را فرستاد وظلمت
۲۹ شد و(آسمانها) باهرهایش اختلاف ننمودند *آبهای ایشان را بخون منقلب گردانید وماهیهای ایشان را
۳۰ بقتل رسانید *وزمین (ایشان) وافرانه وزغهارا بیرون
۳۱ نمود تا در حجرهای پادشاهان (داخل شدند) *ومگسها وکنهای گوناگون را فرمود که بتمامی حدود ایشان در
۳۲ آمدند *عوض امطار بزمین ایشان تگرگ وشعلهای
۳۳ آتش را فرستاد *تاک ایشان را ودرختهای انجیر

ایشان را زد ودرختهای حدود ایشان را شکست
۳۴ * وملخها وکرمهای صد پای بیشماررا فرمود که پدید
۳۵ آمدند * وتمامی گیاه را در زمین ایشان خوردند وحاصل
۳۶ زمین ایشان را تناول نمودند * وهمه مولود نخستین
ولایت ایشان را واول تمامی اولاد ایشان را هلاک کرد
۳۷ * و(یعنی اسرائیل را) با نقره وزر بیرون آورد ودر
۳۸ میان فرقهای ایشان لغزندهٔ نبود * مصریان از
بیرون رفتن ایشان شادمان گردیدند زیراکه ترس
۳۹ ایشان بر ایشان مستولی شده بود * ابررا برای
سایه وآتش را برای منور کردن شب گسترانید
۴۰ * سوال نمودند وسلویهارا فرستاد وایشان را بنان
۴۱ آسمانی سیر گردانید * سنگ را مفتوح نمود وآبها
جاری گشتند ودر خشکیها مثل رودخانه روان گردیدند
۴۲ * زیراکه کلام مقدس خودرا وبندهٔ خود ابراهیم را
۴۳ بخاطر آورد * وقوم خودرا بسرور وبرگزیدگان خودرا
۴۴ بخوشحالی بیرون آورد * وزمینهای طوایف را

۴۵ بایشان عطا فرمود وکهٔ قبایل را بارثیت داشتند * تا آنکه حقوقش را نگاه دارند وشریعتهایش را محافظت نمایند خداوندرا بسرائید

زبور صد وششم

۱ خداوندرا حمد کنید وپروردگاررا شکر نمائید سبب آنکه
۲ نیکوست وبدرستی که رحمتش تا ابد است * کیست که کبریائی های خداوندرا بیان تواند کرد وتمامی وصفش را
۳ تواند شنوانید * خوشا حال آنانی که احکام را نگاه دارند
۴ وعدالت را در هر وقت بعمل می آورند * خداوندا بآن لطفی که بقوم خود (مینمائی) مرا بخاطر آر وبمرحمت
۵ خود بر من نظر بفرما * تا نیکوئی برگزیدگان ترا به بینم وبشادمانی خلق تو وجد نمایم وهمراه (متصرفان)
۶ میراث تو متفاخر باشم * مانند پدران ما گناه کردیم
۷ وفاسد بودیم وشریرانه عمل نمودیم * پدران ما عجایبات ترا در مصر نفهمیدند وکثرت رحمتهای ترا بخاطر
۸ نیاوردند تا بکنار دریای بحر الاحمر عاصی گشتند * و(خدا)

بسبب اسم خود معروف گردانیدن کبریائی خود
۹ ایشان را نجات داد *و بحر الاحمر را حکم فرموده خشک
گردانید وایشان را در عمایق مانند در بیابان روان
۱۰ نمود *وایشان را از دست عدو رهانید وایشان را از
۱۱ دست دشمن نجات بخشید *وآبها اعدای ایشان را
۱۲ فروگرفت که احدی از ایشان باقی نماند *وبر کلام
۱۳ او ایمان آوردند وحمد اورا سرائیدند * (اما) بزودی
اعمال اورا فراموش کردند ومنتظر موعظهٔ او نبودند
۱۴ *ودر تیه بخواهش نفس استدعای شهوات نمودند
۱۵ وخدارا در بیابان امتحان کردند *وخواهش ایشان را
بایشان داد اما نحیفی را بجان ایشان ارسال فرمود
۱۶ *ودر لشکرگاه بر موسی وبر هرون مقدس خداوند کینه
۱۷ ورزیدند *زمین شکافته گردید وداثان را فروگرفت
۱۸ وگروه ابیرام را مستور کرد *وآتش در فرقهٔ ایشان
۱۹ افروخته شد وشعله اشرار را سوزانید *در (کوه)
حوریب گوساله را درست کردند وصورت گداز شده را

۲۰ سجود نمودند * وجلال خودشان را بمثال گاوی که
۲۱ گیاه را میچرد منقلب کردند * وخدای منجی که برای
۲۲ ایشان در مصر کبریائیها * ودر زمین حام عجایبات
ودر بحر الاحمر مخوفها را بعمل آورده بود فراموش
۲۳ کردند * و(خداوند) برای قطع نسل کردن ایشان تکلم
فرمود امّا موسی در حین هجوم بلا در حضورش
ایستاد تا آنکه غضب اورا از هلاک کردن ایشان بر
۲۴ گرداند * واز زمین دلپذیر ابا نمودند وبر کلامش
۲۵ ایمان نیاوردند * وهمهمه در خیمهای خودشان نمودند
۲۶ وآواز خداوندرا استماع ننمودند * و(خدا) دست خودرا
در ضدّ ایشان بر داشت تا آنکه ایشانرا در تیه
۲۷ ساقط گرداند * وذرّیّت ایشانرا در میان طوایف
۲۸ منهدم نماید وایشانرا در زمینها پراگنده کند * وایشان
ببَعلِ پعور ملحق گردیدند وقربانیهای مردگانرا
۲۹ خوردند * واورا بکوششهای خودشان غضبناک
گردانیدند وطاعون در میان ایشان هجوم آورد

۳۰ *وفینحاس بر خواست وعدالت را بعمل آورد ووبا
۳۱ موقوف گردید *واین (عمل) براستی از جهت او
۳۲ پشت به پشت محسوبست تا ابد *ودر اطراف آبهای
مریبه اورا غضبناک گردانیدند بطوری که از جهت
۳۳ ایشان نقصان بموسی واقع گردید *زیراکه نفس
اورا خشمناک گردانیدند که بلبهای خود نا حکیمانه
۳۴ سخن گفت *وخلایقی راکه در (حق منقطع نمودن)
آنها خداوند بایشان حکم فرموده بود قطع نسل نکردند
۳۵ *وبا طوایف مخلوط شدند وعادتهای ایشان را
۳۶ آموختند *وبتهای ایشان را عبادت نمودند وآنها
۳۷ از جهت ایشان دام گردیدند *وفرزندان خودشان
ودختران خودشان را برای شیاطین ذبح کردند
۳۸ *وخون بی تقصیری را بلکه خون فرزندان خودشان
ودختران خودشان راکه ایشان را پیش بتهای کنعان
ذبح کرده بودند ریختند وزمین بخون ملوث شد

۳۹ *وباعمال خودشان پلید گردیدند وبکوششهای خودشان
۴۰ مانند زناکاران پرداختند *وغضب خداوند در ضد قوم
خود افروخته شد واز میراث خود متنفر گردید
۴۱ *وایشان را بدست طوایف تسلیم کرد ومبغضان
۴۲ ایشان بر ایشان تسلّط یافتند *وایشان را دشمنان
ایشان مظلوم گردانیدند ودر زیر دست ایشان عاجز
۴۳ گردیدند *وایشان را بسیار اوقات مستخلص کرد
وایشان بخواهش خودشان اورا غضبناک گردانیدند
۴۴ وبسبب معصیتهای خودشان پایمال گردیدند *وهنگامی
که فریاد ایشان را شنید وبر بلای ایشان نظر فرمود
۴۵ *وعهد خودرا برای ایشان بخاطر آورد وموافق کثرت
۴۶ رحمتهای خود مرحمت نمود *واز جهت ایشان
رحمت را در دل تمامی اسیر کنندگان ایشان عطا
۴۷ فرمود * ای خداوند وخدای ما مارا نجات بده واز میان
طوایف مارا مجتمع بگردان تا اسم ترا شکر نمائیم ودر

۴۸ وصف تو متفاخر باشیم * خداوند وخدای اسرائیل از
ازل تا ابد خجسته باد وهمگی خلایق بگوئید آمین
وخداوندرا بسرائید

زبور صد وهفتم

۱ خداوندرا شکر بنمائید سبب اینکه نیکوست وبدرستی
۲ که رحمتش تا ابد است * وهمین را بیان کنند
مستخلصان خداوندی که ایشان را از دست عدو آزاد
۳ کرده است * وایشان را از ولایتها (یعنی) از مشرق
واز مغرب واز جنوب واز شمال مجتمع گردانید
۴ * در تیه ودر طرف بادیه آواره شدند وشهر مسکونت را
۵ نیافتند * از گرسنگی ووتشنگی جان ایشان در
۶ اندرون ایشان ضعیف شد * ودر تنگدستی خودشان
بخداوند فریاد نمودند آنکه آنهارا از مشکلهای ایشان
۷ خلاص نمود * وایشان را براه راست روان نمود تا
۸ بشهر مسکونت بروند * (پس) خداوندرا بسبب
رحمتش وعجایباتش که برای فرزندان انسان (مقرر

۹ کرده است) شکر بنمایند * زیراکه نفس مشتاق را
سیر میگرداند وجان گرسنه‌را از نیکوئی مملو می سازد
۱۰ * نشینندگان ظلمت وسایهٔ مرگ اسیران بلا وآهنند
۱۱ * بسبب آنکه فرمانهای خدارا تغییر دادند وموعظهٔ
۱۲ تعالی را حقیر نمودند * پس دل ایشان را بمشقت
ذلیل نمود که لغزش نمودند ویاری کنندهٔ نبود
۱۳ *ودر تنگدستیهای خودشان بخداوند فریاد می نمایند
آنکه آنهارا از مشکلهای ایشان نجات میدهد
۱۴ *وایشان از تاریکی وسایهٔ مرگ بیرون می آورد
۱۵ وقیدهای ایشان را پاره پاره مینماید * (پس) خداوندرا
بسبب رحمتش وعجایباتش که برای فرزندان
۱۶ انسان (مقرر کرده است) شکر بنمایند * زیراکه
دروبهای برنجی شکست وقفلهای آهنی را برید
۱۷ * ابلهان بسبب تجاوز خودشان وبعلت معصیتهای
۱۸ خودشان زحمت می کشند *جان ایشان از هرگونه
۱۹ اطعمه متنفر است وبدروب مرگ میرسند * اما

در تنگدستیهای خودشان بخداوند فریاد مینمایند
آنگاه ایشانرا از مشکلهای ایشان نجات میدهد
۲۰ *کلام خودرا میفرستد وایشانرا شفا می بخشد وایشانرا
۲۱ از هلاکتهای شان میرهاند *(پس) خداوندرا بسبب
رحمتش وعجایباتش که برای فرزندان انسان (مقرر
۲۲ فرموده است) شکر نمایند *وقربانهای حمدرا ذبح
۲۳ کنند واعمال اورا بشادمانی مشهور سازند *آنکسانی
که بکشتیها نشسته بدریا میروند وکاررا درآبهای بسیار
۲۴ بعمل می آورند *ایشان اعمال خداوندرا وعجایباتش را
۲۵ در عمایق می بینند *زیراکه میفرماید آنگاه باد شدید
۲۶ میوزد وامواجش را بلند مینماید *بسوی آسمان بر
می آیند وبعمیقها فرو میروند جان ایشان بسبب بلا
۲۷ گداخته شده است *مانند مست افتان وخیزان
میگردند ومتزلزل میباشند وتمامی دانش ایشان گم
۲۸ میگردد *ودر تنگدستی خودشان بخداوند فریاد
مینمایند وایشانرا از مشکلهای ایشان بیرون می

۲۹ آورد *باد شدید را بآرامی منقلب می نماید وامواجش
۳۰ خواموش میگردند *وآنگاه ساکت وشادمانی مینمایند
۳۱ وایشان را بساحل مراد میرساند *(پس) خداوند را
بسبب رحمتش وعجایباتش که بفرزندان انسان
۳۲ (عطا فرمود) شکر بنمایند *واورا در جماعت حام وصف
۳۳ بلند نمایند ودر مجمع روسا اورا حمد کنند *رودخانهارا
بادیه وچشمههای آب را بخشکی منقلب میسازد
۳۴ * زمین باروررا بسبب شرارت ساکنانش بشور
۳۵ زار *وصحرارا بتالاب وزمین خشکرا بچشمههای آب
۳۶ مبدل مینماید *آنگاه درآنجا گرسنگان ساکن میگرداند
۳۷ وبرای مسکونت شهررا آماده می سازند *وکشت
زارهارا زراعت میکنند وتاکهارا غرس مینمایند تا ثمر
۳۸ وحاصل را بدهند *وایشان را برکت عطا میفرماید که
بسیار بیفزایند ونقصان در دواب ایشان نمیدهد
۳۹ *دیگر بارکم میشوند واز ستم وبلاها وغم کاهیده میباشند
۴۰ *(خدا) ذلت را بر امیران میفرستد ودر بیابان بیراه

۴۱ گروش مینمایند *وبیچاره را از بلا بر میدارد وقبایل را
۴۲ برایش مانند گله میگرداند *راستان خواهند دید
وشادمان خواهند گردید وتمامی اشرار دهن خودرا خواهند
۴۳ بست *کدام صاحب حکمت که اینهارا نگاه دارد
ورحمت خداوندرا ادراک خواهد نمود

زبور صد وهشتم سرود ومزمور داود

۱ ای خدا دل من آماده است تا بفضیلت خود بسرایم
۲ وتمجید نمایم *برخیز ای نبل وبربط که در صبح خواهم
۳ بر خواست *ای خداوند در میان خلقان شاکر تو
۴ خواهم بود ودر میان قومها ترا تمجید خواهم کرد *زیرا
که رحمت تو مافوق آسمانها وحقیقت تو هم تا بسپهر
۵ بزرگست *ای خدا بر فوق آسمانها وبر تمامی زمین
۶ جلال خودرا مرفوع بنما *یمین خودرا منجی (من) بگردان
ومرا استجابت کن تا برگزیدگان تو مستخلص شوند
۷ *خدا بقدسش تکلم فرمود که خوشنود خواهم بود ومن

(ولایت) شکم را تقسیم خواهم نمود ووادیٔ سکوت را
۸ خواهم پیمود * گِلعَد از من است ومنسه از من
وافرائیم قوت سر من ویهودیه شارع من است
۹ *وموآب دیگ شُستن من است وبر اِدوم نعل
خودرا خواهم انداخت وبر فلست ظفر خواهم یافت
۱۰ *کیست که مرا بشهر محکم راهبری خواهد نمود
۱۱ وکیست که مرا بر ادوم خواهد آورد *مگر تو خدایا
که مارا دور گردانیدهٔ (راهبری نخواهی نمود) وایخدا با
۱۲ لشکر ما موافقت نخواهی فرمود * از تنگدستی بما نصرت
۱۳ عطا کن که یاری انسان باطل است *وبا مدد خدا
دلیری خواهیم کرد که او دشمنان مارا پایمال خواهد
گردانید

زبور صد ونهم سالار مغنّیان مزمور داود

۲ ای خدای محمود من خاموش مباش *زیرا که
دهن شریر ودهان فریبنده در ضد من گشوده میشود
۳ وبزبان کاذب در ضد من گفتگو میکنند *وبکلمات

میغضانه مرا احاطه می نمایند وبی سبب در ضد من
۴ جهاد می کنند * وبعوض محبت من مرا تعدّی می
۵ نمایند لکن من (برای شان) در دعوتم * بدل خوبی
بدی را ومکافات محبت من بغض را بعمل می آورند
۶ * وشریر را بر وی مسلّط بگردان وشیطان بر یمین
۷ او بایستند * هنگام حکم یافتن بالزام شرارت بیرون
۸ رود واستدعایش گناه (شمرده) شود * روزهایش کم
۹ بشوند ودیگری نظارتش را بگیرد * وفرزندانش یتیم
۱۰ وزنش بیوه گردند * واولادش آواره شده بگردند وبعد
از زمان خرابیهای ایشان سایل شوند ودریوزه
۱۱ نمایند * وزبردست تمامی اموال اورا بزور بگیرد
۱۲ وبیگانگان محصودش را بغارت ببرند * وباو رحمت
کننده نباشد وبه یتیمانش لطف کننده پیدا نشود
۱۳ * تا آنکه اولادش قطع نسل گردند واسم ایشان
۱۴ پشت به پشت محو گشته * معصیت پدرانش
پیش خداوند مذکور باشد وگناه مادرش محو نگردد

۱۵ *وهمیشه در حضور خداوند بگذرند وذکر ایشان از
۱۶ زمین منقطع گردد *بدان طریق که استعمال رحمت را
بخاطر نیاورد وبسبب آنکه مرد مفلوک وبیچاره را
۱۷ تعدّی نمود تا دل شکسته را بقتل برساند *جهت
آنکه لعنت را دوست داشت باو برسد واز برای
۱۸ آنکه رغبت برکت ننمود ازو دور شود *از آنرو که
لعنت را مانند لباس پوشید پس مثل آب در
اندرونش ومانند روغن در استخوانهایش داخل
۱۹ گردد *وبرایش جامهٔ باشد که میپوشید وکمر بندی که
۲۰ همیشه بآن کمر را می بست *اینست مزد از جانب
خداوند باعدای من وبآنکسانی که بدی را درمقدّ جان
۲۱ من گفتگو مینمایند *امّا تو ای خداوند وپروردگار
بسبب اسم خود بکار من بپرداز زآنرو که رحمت تو
۲۲ نیکوست مرا مستخلص کن *زیراکه خودم مفلوک
وبیچاره میباشم ودل من در اندرون من مجروح
۲۳ است *مانند سایهٔ که در زمان (شام) طولانی میگردد

٢٤ محو گردیدم ومثل ملخ رانده شدم *زانوهای من
بسبب روزه ضعیف اند وگوشت من از پیه
٢٥ بلاغری مبدل گشت *ومن سرکوب از جهة
ایشان گردیدم (وچون) مرا می بینند سر خودشان را
٢٦ می جنبانند *ای خداوند وخدای من مرا معاونت
٢٧ بنما وموافق رحمت خود بمن نجات بده *تا بدانند
که این (عمل) دست تو است ای خداوند تو این را
٢٨ بعمل آورده *ایشان در لعنت مشغولند وتو برکت
عطا میفرمائی ومقاومت تواند کرد اما شرمندگی خواهند
٢٩ برد وبندهٔ تو وجد خواهد نمود *اعدای من رسوائی را
خواهند پوشید وبننگ خودشان مثل لباس ملبس
٣٠ خواهند گردید *خداوند را بدهان خود بسیار شکر خواهم
٣١ نمود ودر میان گروهها اورا حمد خواهم کرد *زیرا که
بر دست راست بیچارهٔ خواهد ایستاد تا آنکه جانش را
از حکم کنندگانش نجات بدهد

زبور صد و دهم مزمور داود

۱ خداوند خداوندِ مرا گفت که بر دست راست من
۲ بنشین تا دشمنان ترا فرش پایهای تو گردانم * خداوند
عصای قوّت ترا از صیهون خواهد فرستاد تا در میان
۳ دشمنان خود تسلّط برانی * قوم تو در روز قوّت تو
در جلالهای قدس برغبت خود حاضر خواهند شد
و اولاد تو برای تو از شبنم رحم فجر زیاده تر خواهند
۴ گشت * خداوند سوگند خورد و تخلّف نخواهد کرد که
۵ تو تا ابد کاهن از صف ملکیصدق هستی * خداوندی
که بر دست راست (تُست) در روز خشم خود
۶ پادشاهان را مجروح خواهد کرد * در میان طوایف
حکم خواهد راند و زمینهارا بنعشها مملو خواهد ساخت
۷ و سرداران ولایات بسیار را زخمدار خواهد نمود * و در راه
از آب جاری خواهد نوشید و از آن سبب سرش را
بلند خواهد نمود

زبور صد و یازدهم

۱ خداوندرا حمد نمائید که من در مجلس صادقان
و(میان) جماعت با تمامی قلب خداوندرا شکر خواهم
۲ نمود *اعمال خداوند عظیم اند وتمامی آنکسانی که راغب
۳ آنها اند متفحص (آنها) میباشند *کار او عزیز وذو
۴ الجلال است وصداقت او تا ابد باقیست *وخداوند
کریم ورحیمست که عجایبات خودرا مذکور گردانیده
۵ است *بخائفان خود اطعمه عطا فرموده است
۶ وعهد خودرا تا ابد یاد خواهد آورد *قوت اعمال خودرا
بقوم خود نشان داد تا آنکه ارثیت طوایفرا
۷ بایشان ارزانی نماید *کارهای دستش حقیقت
۸ وعدالت وتمامی فرمانهایش صادق است *(بلکه) تا ابد
الاباد پایدار اند ودر حقیقت وراستی عمل کرده
۹ میشوند *نجاترا بقوم خود فرستاده وعهد خودرا تا
ابد مقرر فرموده است اسم او مقدس ومهیب
۱۰ است *اصل دانش ترس خداوند است وعقل

تمامی عمل کنندگان (احکام او) صحیح است وحمدش
تا ابد باقی است

زبور صد ودوازدهم
۱ خداوندرا حمد نمائید خوشا حال آنکسی که از خداوند
۲ می ترسد وباحکامش بسیار رغبت می نماید *در زمین
ذریتش نیرومند خواهند بود ونسل راستان خجسته
۳ خواهند شد *در خانه اش مال ودولت خواهد بود
۴ وصداقتش همیشه باقی خواهد ماند *نور از جهت
صادقان در ظلمت طلوع مینماید و(خداوند) کریم ورحیم
۵ وصدیق است *مرد صالح رحم نموده قرض میدهد
۶ وامور خودرا بحکمت آراسته میسازد *بدرستی که
هرگز تا ابد لغزش نخواهد نمود وصدیق همیشه در ذکر
۷ خواهد بود *از استماع بلا نخواهد ترسید ودلش استوار
۸ است وبخداوند متوکل است *دل او پایدار است
۹ وهنگامی که اعدای خودرا می نگرد نخواهد ترسید *بفقرا
افشانده داده است وصداقت او بپیوسته باقی خواهد

۱۰ ماند وشاخش بعظمت مرفوع خواهد گشت * شریر خواهد دید وخشمناک خواهد گردید ودندانهایش را خواهد افشرد وگداخته خواهد گشت خواهش شریر باطل خواهد شد

زبور صد وسیزدهم

۱ خداوندرا بسرائید وای خادمان خداوند حمد بگردید واسم ۲ پروردگاررا حمد بنمائید * اسم خداوند از حال وتا ابد ۳ خجسته باد * اسم خداوند از مطلع آفتاب تا بمغربش ۴ محمود است * خداوند بر تمامی طوایف وجلالش بر ۵ آسمانها مافوق میباشند * کیست که مانند پروردگار ۶ وخدای ماست که نسبت بسکونت علو * ودر ۷ نگریستن بر آسمانها وبر زمین اسفل مینماید * فقیررا از خاک بر میخیزاند وبیچاره‌را از مزبله بلند می سازد ۸ * واورا با امیران یعنی امرای قوم خود ساکن سازد ۹ * عقیمه‌را بتولید فرزندان خانه دار ومسرور میگرداند خداوندرا حمد بنمائید

زبور صد وچهاردهم

۱ هنگامی که (بنی) اسرائیل از مصر ونسل یعقوب
۲ از (دست) قوم ظالم بیرون رفتند *یهودیه مکان
مقدس (خداوند وبنی) اسرائیل (محکوم) سلطنتش
۳ گردیدند *دریا دید وفرار کرد واردن بازگشت
۴ نمود *کوهها مانند گوسفند نر وتلها مثل برهها جهیدند
۵ *ای دریا ترا چه شد که فرار کردی ای اردن (چرا)
۶ بازگشت نمودی *ای کوهها (چرا) مانند گوسفند
۷ نر وتلها (چرا) مثل برهها جهیدید *ای زمین در
حضور خداوند (بلکه) در حضور خدای یعقوب متزلزل
۸ باش *اوست که سنگ را بمردابها وسنگ خارارا
بچشمههای آب منقلب گردانید

زبور صد وپانزدهم

۱ ای خداوند نه بما ونه بما بلکه باسم خود وبسبب
۲ رحمت خود وبسبب حقیقت خود جلال را بنما *چرا

طوایف بگویند که اکنون کجاست خدای ایشان
۳ * امّا خدای ما در آسمانهاست هر آنچه خواست بعمل
۴ آورده است * بتهای ایشان زر ونقره است
۵ وعمل دستهای انسان است * در آنها دهن است
امّا حرف نمیزنند ودر آنها چشمهاست امّا نمی بینند
۶ * آنهارا گوشهاست امّا نمی شنوند وآنهارا بینی است
۷ امّا نمی بویند * دستها دارند امّا لمس نمی نمایند وپاها
دارند امّا برفتار نمی آیند وایشان از حلقوم خود صدا
۸ بیرون نمی توانند داد * درست کنندگان ایشان وهر
کسی که بایشان متوکّل است مانند ایشان بگردند
۹ * ای (بنی) اسرائیل بخداوند متوکّل باشید پناه
۱۰ ایشان وسپر ایشان اوست * ای خاندان هرون
بخداوند متوکّل باشید پناه ایشان وسپر ایشان
۱۱ اوست * ای خائفان خداوند بخداوند متوکّل باشید
۱۲ پناه ایشان وسپر ایشان اوست * خداوند بخاطر
آورده است ومارا برکت خواهد داد وخاندان اسرائیل را

۱۳ برکت خواهد داد ونسائل هرون را برکت خواهد داد
وخداوند بخائفان خود برکت خواهد داد چه بزرگان
۱۴ وچه کوچکان را *خداوند شمارا بل شمارا وفرزندان
۱۵ شمارا خواهد افزود *شما از خداوندی که آسمانها وزمین را
۱۶ آفرید برکت یافته اید *آسمانها بل آسمانها از آن
خداوند است امّا زمین را بفرزندان انسان بخشیده
۱۷ است *نه مردگان ونه تمامی فرو روندگان قبر خداوند را
۱۸ حمد می نمایند *امّا ماها از حال وتا ابد خداوند را حمد
خواهیم کرد خداوند را حمد بنمائید

زبور صد وشانزدهم

۱ خداوند را دوست میدارم زیراکه آواز تضرّع مرا شنید
۲ *از آنجاکه گوش خود را بمن فرا داشت اورا در
۳ تمامی ایّام خود دعوت خواهم نمود *غمرات موت مرا
احاطه نمودند وآزارهای قبر مرا گرفتند تصدیع وزحمت
۴ کشیدم *پس اسم خداوند را خواندم که ای خداوند

۵ لطف نموده جان مرا مستخلص کن * خداوند کریم
۶ وصدیق است وخدای ما رحیم است * خداوند
مخلصان را نگاه میدارد زآنرو که فرو افتاده شده بودم
۷ وبمن نجات داد * ایجان من بآرام خود بر گرد
زیراکه خداوند از جهت تو احسان نموده است
۸ *وبدرستی که (ای خدا) جان مرا از مرگ وچشم
مرا از اشک وپای مرا از لغزش مستخلص کردی
۹ *در زمین زندگان در حضور خداوند رفتار خواهم نمود
۱۰ *بسبب ایمان آوردن خود تکلم نمودم بسیار مبتلا
۱۱ گشتم *وبنفس خود گفتم که تمامی انسان کاذب
۱۲ میباشند *چه مکافات توانم نمود خداوندرا از برای
تمامی نعمتهای او که بجهت من (بعمل آورده است)
۱۳ *کاسهٔ نجات را خواهم بر داشت واسم خداوندرا خواهم
۱۴ خواند *اکنون نذورات خودرا بخداوند در حضور تمامی
۱۵ قومش ادا خواهم کرد* مرگ مقدسانش در چشمهای
۱۶ خداوند گران بهاست * ای خداوند لطف بفرما زیراکه

من بندهٔ تو ام بلکه بندهٔ تو وفرزند بندهٔ نساء تو
۱۷ که قیدهای مرا کشادی * وقربانیهای شکر گذاری را
بتو خواهم رسانید واسم خداوندرا خواهم خواند
۱۸ *اکنون نذورات خودرا بخداوند در حضور تمامی
۱۹ قومش ادا خواهم کرد *در بارگاههای خانهٔ خداوند
وای اورشلیم در میان تو خداوندرا حمد بنمائید

زبور صد وهفدهم

۱ ای همگی طوایف خداوندرا حمد نمائید وای تمامی امم
۲ شاکر او باشید *زیراکه رحمتش از جهت ما بسیار
است وحقیقت خداوند تا ابد است خداوندرا حمد
بنمائید

زبور صد وهیجدهم

۱ خداوندرا شکر بنمائید زیراکه نیکوست وبدرستی که
۲ رحمتش تا ابد است *اکنون (بنی) اسرائیل بگویند
۳ که رحمتش تا ابد است *اکنون خاندان هرون
۴ بگویند که رحمتش تا ابد است *اکنون تمامی خائفان

۵ خداوند بگویند که رحمتش تا ابد است *در تنگدستی (خود) خداوندرا خواندم وخداوند در کشادگی مرا
۶ استجابت نمود *از آنچیزی که انسان در ضد من بعمل بیاورد نخواهم ترسید (زیراکه) خداوند با من است
۷ *ودر میان یاری کنندگان من خداوند با من است
۸ ومن بر مبغضان خود خواهم نگریست *توکل بخداوند
۹ از امید انسان بهتر است *وتوکل بخداوند به که
۱۰ توکل بامیران *تمامی طوایف مرا احاطه نمودند وباسم
۱۱ خداوند ایشان را ریز ریز خواهم کرد *ومرا دور نمودند بل مرا دائره بستند وباسم خداوند ایشان را پاره پاره
۱۲ خواهم گردانید *مرا مانند زنبور احاطه نمودند ومثل آتش در خارها مشتعل شدند زیراکه باسم خداوند
۱۳ ایشان را خورد خورد خواهم نمود *تکانی برای افتادن بر
۱۴ من رسید وخداوند بمن نصرت فرمود *خداوند قوت من ومحمود من ونجات دهندهٔ من گردیده است
۱۵ *آواز شادمانی ورستگاری در خیمهٔ صدیقان است

۱۶ ہمین خداوند کبریائی را بعمل آورده است * و ہمین
خداوند علو است و ہمین خداوند کبریائی را بعمل
۱۷ آورده است * نخواہم مرد وزیست خواہم نمود واعمال
۱۸ خداوندرا مشہور خواہم کرد * خداوند مرا بسیار تنبیه
۱۹ نمود اما مرا بمرگ تسلیم نکرد * دروب صدق را
از برای من وا کنید که در ایشان داخل شده
۲۰ خداوندرا حمد نمایم * این است دروب خداوند
۲۱ وصدیقان از ایشان داخل خواہند گشت * ترا شکر
خواہم نمود زیراکه مرا استجابت کرده نجات دہنده
۲۲ من گردیده * سنگی که معمارانش رد نموده اند
۲۳ سر زاویه واقع شده است * این عمل از جانب
خداوند است وہمین در چشمہای ما عجب است
۲۴ * این است روز عمل نمودن خداوند در او شادمان
۲۵ باشیم ووجد نمائیم * ای خداوند منجی من اکنون
لطف بفرما وای خداوند لطف بفرما واکنون خوشوقتی را
۲۶ بجا آر * مبارک باد آنکسی که باسم خداوند می آید

۲۷ وما از خانهٔ خداوند شمارا برکت داديم * خداوند خداست
وبر ماها درخشان است برهرا بريسمانها در شاخهاى
۲۸ قربانگاه به بنديد * خداى من توئى وترا شکر خواهم
نمود اى خداى من وترا وصف بلند خواهم نمود
۲۹ * خداوندرا شکر بنمائيد زيراکه نيکوست بدرستى که
رحمتش تا ابد است

زبور صد ونوزدهم

حرف الف

۱ خوشا حال آنکسانى که در طريقت کامل شده در
۲ شريعت خداوند رفتار مى نمايند * خوشا حال محافظان
۳ شهاداتش که بتمامى دل متجسس او ميباشند * خلاصه
۴ معصيت نمايند ودر طريقش رفتار مى نمايند * تو فرايض
۵ خودرا مقرر فرمودهٔ که نيکو نگه بدارند * اى کاشکى
راههاى من از جهت محافظت حقوق تو آراسته
۶ مى شدند * پس هنگامى که تمامى امرهاى تورا متوجه
۷ باشم شرمندگى نخواهم برد * ودر زمانى که احکام عدل

۸ ترا بیاموزم ترا بصدق دل شکر خواهم نمود * حقوق ترا خواهم نگاه داشت یقین که هرگز مرا وانگذاری

حرف با

۹ جوان بچه (طور) تواند که راه خودرا پاک کند از نگاه
۱۰ داشتن آن موافق کلام تو * ترا بتمامی دل جستجو نمودم یقین که مرا از امرهای تو گمراه نمیگردانی
۱۱ * کلامهای ترا در دل خود جا دادم مبادا که در ضد
۱۲ تو گناه کنم * ای خداوند تو خجسته میباشی تعلیم
۱۳ حقوق خودرا بمن عطا بفرما * تمامی احکام دهن ترا
۱۴ بلبهای خود آشکار خواهم کرد * در راه شهادات تو خوشحال گردیدم مانند (کسی) که در تمامی دولت (خود)
۱۵ * بفرایض تو تفکر خواهم نمود وراههای ترا بنظر خواهم
۱۶ آورد * ودر حقوق تو وجد خواهم نمود وکلمات ترا فراموش نخواهم کرد

حرف جیم

۱۷ به بندهٔ خود احسان بنما تا زندگانی کنم وکلمات ترا
۱۸ نگاه دارم * چشمهای مرا بکشا تا عجایبات شریعت
۱۹ ترا به بینم * در زمین بیگانه ام وامرهای خودرا از من
۲۰ مستور مکن * همیشه جان من از آرزومندی احکام
۲۱ تو شکسته است * متکبران ملعون را که از امرهای
۲۲ تو آواره گردیدند تنبیه نمودهٔ * ملامت وشماتت را
از من دور کن زیرا که شهادات ترا بنظر آوردم
۲۳ * امیران نیز نشستند ودر ضد من حرف زدند (امّا)
۲۴ بندهٔ تو بحقوق تو تفکّر خواهد نمود * وشهادات تو
سبب خوشحالی من ومشورت دهندهٔ من میباشند ●

حرف دال

۲۵ جان من بخاک چسپیده است وموافق کلام خود
۲۶ مرا زنده بگردان * راههای خودرا ظاهر کردم ومرا
استجابت فرمودی تعلیم حقوق خودرا بمن عطا بفرما

۲۷ * براه فرایض خود مرا معروف بگردان تا بعجایبات
۲۸ تو تفکر نمایم * جان من از اندوه گداخته شده است
۲۹ موافق کلام خود مرا قیوم کن * راه کذب را از من
۳۰ دور کن و شریعت خودرا از لطف عطا بفرما * راه
وفاداری را بر گزیده ام واحکام ترا پیش نهاد نمودم
۳۱ * ای خداوند بشهادات تو ملحق شدم مرا شرمسار
۳۲ مگردان * هنگامی که دل مرا کشاده میگردانی در راه
امرهای تو خواهم دوید

حرف ها

۳۳ ای خداوند طریقهٔ حقوق خودرا بمن تعلیم بده که
۳۴ اورا همیشه نگاهدارم * مرا عارف بگردان که شریعت
ترا بنظر خواهم آورد واورا بتمامی دل نگاه خواهم داشت
۳۵ * مرا در راه امرهای خود روان کن زیرا که از آن
۳۶ خوشنودم * دل مرا بشهادات خود راغب بگردان نه
۳۷ بطمع * چشمهای مرا از دیدن عبث بر گردان ومرا
۳۸ در راه خود زنده نما * سخن خودرا ببندهٔ خود که بتو

۳۹ مخوف است قیوم ساز *وملامتی که من ازو
۴۰ خایفم بگذران زیراکه احکام تو نیکوست *اینک
از فرایض تو آرزومند شدم مرا در صداقت خود
زنده نما

حرف واو

۴۱ ای خداوند رحمت تو ونجات تو بموافق کلام تو
۴۲ بمن برسند *وجواب را بملامت کنندگان خود رد
۴۳ خواهم نمود زیراکه بکلام تو متوکلم *وکلام حقیقت را
هرگز از دهن من بر مدار زیراکه از احکام تو امیدوارم
۴۴ *وشریعت ترا پیوسته تا ابد الاباد نگاه خواهم داشت
۴۵ *ودر کشادگی رفتار خواهم نمود زیراکه فرایض ترا
۴۶ تفتیش نمودم *ودر باره شهادات تو در حضور
۴۷ پادشاهان تکلم خواهم نمود وشرمسار نخواهم گردید *ودر
امرهای تو که ایشان را دوست میدارم وجد خواهم نمود
۴۸ *ودستهای خود را با امرهای تو که ایشان را دوست میدارم
بلند خواهم کرد وبحقوق تو اندیشه خواهم نمود

حرف زا

۴۹ کلامی که به بندهٔ خود (گفته بودی) ومرا از آن امیدوار
۵۰ گردانیده بودی بخاطر آر * اینست تسلی من در
(زمان) نکبت من بدرستی که کلام تو مرا زنده گردانیده
۵۱ است * متکبران مرا بسیار استهزا نمودند (اما) از
۵۲ شریعت تو آواره نگردیدم * ای خداوند احکام قدیم ترا
۵۳ بخاطر آوردم وخودرا تسلی دادم * هنگامی که شرایر
شریعت ترا ترک مینمایند واهمه بر من مستولی
۵۴ میگردد * در خانهٔ بیگانگی من حقوق تو (باعث)
۵۵ سرودهای من گشتند * ای خداوند اسم ترا در شب
۵۶ بخاطر آوردم وشریعت ترا نگاه داشتم * این (نکوئی)
بر من واقع شد بسبب آنکه فرایض ترا بنظر آوردم

حرف حا

۵۷ ای خداوند حصهٔ من توئی که عزم محافظت کلام تو
۵۸ نمودم * لطف ترا بتمامی دل خود استدعا کردم مرا

٥٩ بموافق کلام خود رحمت بفرما * از طریقهای خود متفکر گشتم وپاهای خودرا بشهادات تو بر گردانیدم
٦٠ * شتاب کردم واز محافظت امرهای تو توقف ننمودم
٦١ * گروههای اشرار مرا غارت نمودند (اما) شریعت
٦٢ ترا فراموش نکردم * نیم شب خواهم بر خواست تا
٦٣ آنکه بسبب احکام صدق تو ترا شکر نمایم * من با تمامی
آنکسانی که از تو میترسند وفرایض ترا نگاه می دارند
٦٤ رفیق میباشم * ای خداوند رحمت تو زمین را مملو
می سازد حقوق خودرا بمن تعلیم بده

حرف طا

٦٥ ای خداوند ببندهٔ خود موافق کلام خود نیکوئی را بعمل
٦٦ آوردهٔ * عقل ودانش نیکورا بمن تعلیم کن زیرا
٦٧ که بامرهای تو ایمان آوردم * پیش از آنکه من زحمت
میکشیدم گمراه گردیدم لکن الحال کلام ترا نگاه
٦٨ خواهم داشت * نیکو ونیکوکار توئی حقوق خودرا

۶۹ بمن تعلیم بفرما * متکبّران در ضدّ من دروغ بافتند
من فرایض ترا بتمامی دل (خود) نگاه خواهم داشت
۷۰ * دل ایشان مانند پیه بی حِس گردیده است
۷۱ من در شریعت تو وجد نمایم * بسبب آموختن حقوق
تو مصیبت کشیدن من برای من نیکوست
۷۲ * شریعت دهن تو از برای من از الوف زر ونقره
بهتر است

حرف یا

۷۳ دستهای تو مرا آفریدند ومرا درست کردند . بمن
۷۴ عقل را عطا بفرما تا امرهای ترا بیاموزم * خائفان تو
بمن خواهند نگریست وخوشنود خواهند گردید زیرا
۷۵ که از کلام تو امیدوارم * ای خداوند میدانم که احکام
تو حق است ومرا بوفاداری مفلوک گردانیدهٔ
۷۶ * اکنون رحمت تو بموافق کلامی که تو ببندهٔ خود
۷۷ (گفته بودی) تسلّی من بگردد * رحمتهای تو بمن
برسند تا زیست نمایم زیرا که شریعت تو مسروری

۷۸ من است *متکبّران شرمندگی برند زیراکه مرا
بی سبب بزیر انداختند (امّا) من بفرایض تو تفکّر
۷۹ خواهم نمود *خائفان تو وعارفان شهادات تو بمن
۸۰ بازگشت بنمایند *ودل من در حقوق تو کامل
باشد تا آنکه شرمندگی نبرم

حرف کاف

۸۱ جان من از (آرزوی) نجات تو مدهوشست واز کلام تو
۸۲ امیدوارم *در هنگام سوال نمودن (من) که کَی بمن
تسلّی خواهی بخشید چشمهای من از (آرزوی) کلام تو
۸۳ بی نور گردیدند *بدرستی که مانند شیشه در دود
(سیاه) گردیدم (لکن) حقوق ترا فراموش نکردم
۸۴ *روزهای بندهٔ تو چنداست کَی بر متعدّیان من
۸۵ حکم خواهی نمود *متکبّران برای من چاهها راکه
۸۶ بموافق شریعت تو نمی باشد کندند *تمامی امرهای
تو حقیقت است وبی سبب مرا تعدّی مینمایند

۸۷ بمن نصرت بفرما *عنقریب مرا در زمین باتمام
۸۸ رسانیدند ومن فرایض ترا وا نگذاشتم *موافق رحمت
خود مرا زنده بگردان تا شهادات دهن ترا نگاه دارم

حرف لام

۹۰ ای خداوند کلام تو در آسمانها تا ابد باقیست *وفاداری
تو پشت به پشت است زمین را آفریدی وقیوم
۹۱ است *از آنجاکه همه بندگان تو میباشند تا حال
۹۲ بموافق حکمهای تو ایستاده اند *اگر شریعت تو
(باعث) بهجت من نشده بود هر آینه در مصیبت
۹۳ خود هلاک میگردیدم *فرایض ترا تا ابد فراموش
۹۴ نخواهم کرد زیراکه مرا با ایشان زنده گردانیدهٔ *من
از آن تو ام مرا برهان زیراکه فرایض ترا جستجو
۹۵ نموده ام *شرایر برای هلاکت من منتظر میباشند
۹۶ وشهادات ترا خواهم فهمید *انجام تمامی کمال را دیدم
(لکن) شریعت تو بسیار وسیع است

حرف میم

۹۷ شریعت ترا چه بسیار دوست میدارم وتمامی روز در
۹۸ فکر من اوست * مرا باصرهای خود از دشمنانم داناتر
۹۹ گردانیده زیراکه ایشان پیوسته با من میباشند * از
تمامی معلّمان خود داناتر گردیده ام زیراکه شهادات تو
۱۰۰ در فکر من است * از قُدَما فهیم ترم زیراکه فرایض
۱۰۱ ترا بنظر آوردم *پاهای خودرا از هر راه بد نگاه داشتم
۱۰۲ تا کلام ترا نگاه دارم * از احکام تو کج نرفتم زیراکه تو
۱۰۳ بمن تعلیم فرمودی * کلامهای تو بذائقهٔ من وبدهان
من چه بسیار شیرینند بل از عسل (شیرین تر)
۱۰۴ * بفرایض تو دانا میباشم سبب آنکه تمامی طریقهای
کذب را بغض مینمایم

حرف نون

۱۰۵ کلام تو برای اقدام من چراغ واز برای راه من نور است
۱۰۶ * در بارهٔ محافظت احکام صدق تو سوگند خوردم
۱۰۷ و بجا خواهم آورد * ای خداوند بسیار مغلوکم مرا بموافقت

۱۰۸ کلام خود زنده نما * اکنون ای خداوند از قربانهای
حُسن ارادهٔ دهن من راضی باش واحکام خودرا بمن
۱۰۹ تعلیم بفرما * جان من همیشه در (روی) دست من
۱۱۰ است امّا شریعت ترا فراموش نکردم * دامرا
شرایر برای من نهادند امّا از فرایض تو آواره نگشتم
۱۱۱ * شهادات ترا میراث جاودانی میدارم زیراکه بهجت
۱۱۲ دل من آنهاست * دل خودرا مائل گردانیدم تا
حقوق ترا همیشه تا بابد عمل نمایم

حرف سین

۱۱۳ فساد کنندگان را بغض می نمایم امّا شریعت ترا دوست
۱۱۴ میدارم * کمین گاه من وسپر من توئی واز کلام تو
۱۱۵ امیدوارم * ای اشرار از من دور شوید تا امرهای
۱۱۶ خدای خودرا نگاه دارم * بموافق کلام خود بمن نصرت
بفرما تا زیست نمایم واز امید خود شرمسار نباشم
۱۱۷ * بمن پشتیبانی عطا کن تا نجات یابم وهمیشه بحقوق
۱۱۸ تو متوجّه باشم * تمامی آن کسانی راکه از حقوق تو

آواره میکروند پایمال می نمائی یقین که حیلهٔ ایشان
۱۱۹ کذبست * تمامی اشرارِ زمین را مانند جرم دور مینمائی
۱۲۰ وازآن سبب شهادات ترا دوست میدارم * از خوف
تو گوشت من بارتعاش می آید واز احکام تو هراسانم

حرف عین

۱۲۱ حکم وصدق را بعمل آوردم مرا بظالمان من وا مگذار
۱۲۲ * بندهٔ خودرا به نیکوئی حمایت بفرما تا متکبران بمن
۱۲۳ ظلم ننمایند * چشمهای من از (آرزوی) نجات تو وبرای
۱۲۴ کلام صادق تو بی نور است * با بندهٔ خود بموافق
رحمت خود عمل نما وحقوق خودرا بمن تعلیم بده
۱۲۵ * بندهٔ تو منم عقل بمن عطا بفرما که شهادات ترا
۱۲۶ بدانم * ای خداوند وقت عمل نمودنست زیراکه شریعت
۱۲۷ ترا شکستند * بدرستی که امرهای ترا از زر وطلای
۱۲۸ پاک بیشتر دوست میدارم * زآنرو که تمامی فرایض
ترا راست میدانم وتمامی طریقهٔ کذب را بغض مینمایم

حرف فا

۱۲۹ شهادات تو عجب است از آن سبب جان من
۱۳۰ آنهارا نگاه میدارد * ظهور کلام تو ساده دلان را منور
۱۳۱ ساخته معروف میگرداند * دهن خودرا کشادم ونفس
زدم زیراکه از امرهای تو آرزومندی را کشیده بودم
۱۳۲ * بمن بنگر و بموافق حکم خود با محبان اسم خود
۱۳۳ بمن رحمت بفرما * گذرهای مرا در کلام خود آماده
۱۳۴ ساز تا تمامی ناراستی بر من تسلط نیابد * مرا از ظلم
۱۳۵ انسان آزاد کن که فرایض ترا نگاهدارم * روی خودرا
بر بندهٔ خود درخشان بگردان وحقوق خودرا بمن
۱۳۶ تعلیم بده * سبب نگاه نداشتن شریعتهای تو سیلابهای
آب از چشمهای من جاری شدند

حرف صاد

۱۳۷ ای خداوند تو صدیقی واحکام تو راست است
۱۳۸ * شهاداتی که تو مقرر فرمودهٔ صدق ووفاداری تو

۱۳۹ بسیار است *غیرت من مرا فرو گرفته است زیرا
۱۴۰ که اعدای من کلامهای ترا فراموش کردند * کلام
تو بسیار مصفّی است وبندهٔ تو آنرا دوست میدارد
۱۴۱ *من خورد وحقیرم (امّا) فرایض ترا فراموش نمیکنم
۱۴۲ *صداقت تو صدق وجاوید وشریعت تو راستست
۱۴۳ *تعدّی وتنگدستی مرا گرفتند وامرهای تو (باعث)
۱۴۴ بهجت من میباشند *صدق شهادات تو جاودانی
است وبمن عقل را عطا بفرما که زیست بنمایم

حرف قاف

۱۴۵ ای خداوند (ترا) بتمامی دل خواندم مرا استجابت بفرما
۱۴۶ که حقوق ترا بنظر خواهم آورد *ترا دعوت نمودم
نجات بمن بده که شهادات ترا نگاه خواهم داشت
۱۴۷ *بر فجر مقدّم گشتم واستغاثه نمودم (زیرا) که از کلام
۱۴۸ تو امیدوار بودم *چشمهای من بسبب تفکّر کلام تو
۱۴۹ پاسهای شب را پیش گرفتند *ای خداوند آواز مرا

بموافق رحمت خود استماع بفرما و بمطابق حکم خود
۱۵۰ مرا زنده بنما * تابعان بدی نزدیکند (لیکن) از
۱۵۱ شریعت تو دور میباشند * ای خداوند تو قریبی وتمامی
۱۵۲ امرهای تو راست است * در بارهٔ شهادات تو از
ایام قدیم دانستم که ایشان را بنا کردی وتا ابد باقی اند

حرف را

۱۵۳ مصیبت مرا ملاحظه بفرما ومرا مستخلص کن بسبب
۱۵۴ آنکه شریعت ترا فراموش نکردم * دعوی مرا تفتیش
کن ومرا فدا کن (پس) بسبب کلام خود مرا زنده
۱۵۵ بگردان * نجات از شرایر دور است سبب آنکه
۱۵۶ حقوق ترا جستجو نمی نمایند * ای خداوند رحمتهای تو
۱۵۷ بسیار است مرا بموافق احکام خود زنده نما * متعدیان
من واعدای من بسیارند (اما) از شهادات تو بیرون
۱۵۸ نرفتم * متجاوزان را دیدم وغمگین گردیدم برای آنکه
۱۵۹ کلام ترا نگاه نداشتند * ای خداوند همچنانکه فرایض

ترا دوست دارم بمن ملاحظه بفرما و بموافقت رحمت
۱۶۰ خود مرا زنده بگردان * اصل کلام تو حقیقت است
وتمامی احکام صدق تو تا ابد باقیست

حرف شین

۱۶۱ امیران مرا بی سبب تعدّی نمودند امّا دل من از
۱۶۲ کلام تو خائف است * من در کلام تو مانند کسی که نعمت
۱۶۳ بسیار بیابد وجد می نمایم * کذب را بغض نموده ومکروه
۱۶۴ داشته شریعت ترا دوست میدارم * ترا برای احکام
۱۶۵ صدق تو هر روز هفت بار حمد می نمایم * سلامت محبّان
۱۶۶ شریعت تو بسیار است وایشان را لغزش نخواهد بود * ای
خداوند از نجات تو امیدوارم وامرهای ترا بعمل آوردم
۱۶۷ * جان من شهادات ترا نگاهداشته است وایشان را
۱۶۸ بسیار دوست دارم * فرایض ترا وشهادات ترا نگاه
داشته ام زیرا که تمامی طریقهای من در نظر تُست

حرف تا

۱۶۹ ای خداوند فریاد من در حضور تو نزدیکی بنماید
۱۷۰ عقل را بموافق کلام خود بمن بده *دعای من در
حضور تو بیاید و بموافق کلام خود مرا مستخلص کن
۱۷۱ *هنگامی که حقوق خودرا بمن تعلیم داده باشی لبهای
۱۷۲ من در وصف تو بلاغت خواهد نمود *زبان من
متکلم بکلام تو خواهد بود زیراکه تمامی امرهای تو
۱۷۳ صدق است *دست تو معاون من باشد زیراکه
۱۷۴ فرایض ترا برگزیده ام *ای خداوند از نجات تو آرزو
۱۷۵ داشتم وشریعت تو مسروری من است *جان من
زیست نماید وترا حمد خواهد نمود واحکام تو معاونت
۱۷۶ بمن بدهد *مانند گوسفند گم شده آواره گردیدم بندهٔ
خودرا تفتیش کن زیراکه امرهای ترا فراموش نکردم

زبور صد وبیستم سرود مراتب

۱ در تنگدستی خود خداوندرا خواندم ومرا استجابت نمود

۲ *ای خداوند جان مرا از لب دروغ گوینده واز زبان
۳ فریبنده مستخلص کن *ای زبان فریبنده بتو چه
۴ داده خواهد شد وبتو چه چیز ملحق خواهد گردید *(سزاوار)
تیرهای تیز نیرومندان وبا اخگرهای درخت عرعر
۵ (میباشی) *وای بر من که در (ولایت) مشک بیگانه
۶ ام ودر خیمهای قدر ساکنم *جان من بآنکسی که سلامتی
۷ (مرا) بغض مینماید بسیار نشسته است *من صلح
اندیش میباشم امّا هنگامی که موعظه میکنم ایشان
ارادهٔ جنگ مینمایند

زبور صد وبیست ویکم سرود مراتب

۱ چشمهای خودرا بسوی کوههائی که نصرت من از
۲ ایشان می آید بلند مینمایم *یاری من از جانب خداوند
۳ است که آسمانها وزمین را آفریده است *پای ترا
بلغزش نخواهد داد (بل) نگاهدارندهٔ تو نخواهد غنود
۴ *اینک نگاهدارندهٔ (بنی) اسرائیل نخواهد غنود

۵ وخواب نخواهد نمود * خداوند محافظت کنندهٔ تست
۶ وخداوند بر دست راست تو سایهٔ تست * آفتاب
۷ در روز وماه در شب ترا ضرر نخواهد رساند * خداوند
ترا از هر نوع بدی نگاه خواهد داشت (بل) جان ترا
۸ محافظت خواهد کرد * خداوند از خراج ودخول تو
ترا نگاه خواهد داشت از حال تا بابد الاباد

زبور صد وبیست ودویم سرود مراتب از آن داود

۱ هنگامی که بمن گفتند که بخانهٔ خداوند برویم شادمان
۲ گردیدم * ای اورشلیم پاهای ما در دروب تو خواهند
۳ ایستاد * اورشلیم مانند شهری که بهم ملحق است
۴ معمور میباشد * بهمین جا (تمامی) فرق وفرقهای خداوند
(یعنی) گروهها (بنی) اسرائیل بسبب شکر نمودن
۵ اسم پروردگار بالا میروند * بدرستی که در آنجا تختهای
۶ حکم وکرسیهای ذریّت داود باقی میباشند * سلامت
اورشلیم را سوال بنمائید وکسانی که ترا دوست دارند

۷ خجسته باشند * اندرون دیوارهای تو سلامت ودر
۸ میان بارگاههای تو برکت باد * از برای برادران
خود ورفیقان خود خواهم گفت که اکنون در تو سلامت
۹ باد * بسبب خاندان خداوند وخدای ما نیکوئی ترا جستجو
خواهم کرد

زبور صد وبیست وسیم سرود مراتب

۱ ای آنکسی که در آسمانها ساکنی چشمهای خودرا
۲ بسوی تو بلند مینمایم * اینک چنانکه چشمهای
بندگان بدست خداوند ایشان است وچشمهای
کنیز بدست بگم اوست بهمین طریق چشمهای
ما بدست خداوند وخدای ما (مینگرد) تا آنکه مارا رحمت
۳ نماید * ای خداوند مارا رحمت کن وبما ترحم نما زیراکه
۴ حقارت بسیاری بما مملوّ است * جان ما از استهزای
صاحبان غرور واز حقارت متکبّران بینهایت مملو
است

زبور صد وبیست وچهارم سرود مراتب از آن داود

۱ اکنون (بنی) اسرائیل بگویند که اگر خداوند از آن
۲ ما نمی بود * واگر خداوند ناصر ما نمی شد در هنگامی که
۳ انسان در ضد ما مقاومت می نمودند * پس آنزمان
زنده ما را می بلعیدند زیرا که غضب ایشان در ضد
۴ ما افروخته شده بود * پس آبها ما را فرو میگرفتند
۵ وسیلابها بر جان ما گذشته میبود * آنگاه آبهای متموج
۶ بر جان ما عبور مینمودند * خجسته باد خداوندی که
۷ ما را (مانند) یغما بدندانهای ایشان تسلیم نکرد * جان
ما مثل مرغیکه از دام صیادان آزاد گردیده است
۸ دام پاره پاره شده وما رهائی یافتیم * یاری ما در اسم
خداوند است که آسمانها وزمین را آفریده است

زبور صد وبیست وپنجم سرود مراتب

۱ آنکسانی که بخداوند متوکل اند مانند کوه صیهون
۲ اند که بجرکت نخواهد آمد وتا ابد خواهد ماند * کوهها

در اطراف اورشلیم وخداوند در اطراف قوم خود از
۳ حال تا ابد الاباد میباشد * بدرستی که تا صدیقان
دستهای خودشان را بفساد دراز نکنند عصای اشرار بر
۴ قسمت صدیقان آرام نخواهد گرفت * ای خداوند
۵ بخوبان وبراستدلان نکوئی را عطا بفرما * ونسبت
بآنکسانی که در راههای کج خودشان آواره میکردند
خداوند ایشان را بفسادکنندگان روان خواهد نمود
(امّا) بر (بنی) اسرائیل سلامت (خواهد بخشید)

زبور صد وبیست وششم سرود مراتب

۱ هنگامی که خداوند اسیری (اهل) صیهون را رد مینمود
۲ مانند خواب دیدگان گردیدیم * در آنزمان دهن ما از
تبسّم وزبان ما از سرور مملوّ شدند آنگاه در میان
طوایف گفتگو کردند که خداوند در عمل نمودن
۳ برای ایشان کبریائی را بجا آورده است * خداوند

در عمل نمودن برای ما کبریائی را بجا آورده است
۴ وشادمان گردیدیم * خداوندا اسیری مارا چون سیلاب
۵ بطرف بیابان رد کن * آنکسانی که با اشک میکارند
۶ بسرود خواهند درود * آنکسی که با اشک بیرون میرود
وتخمرا برای کاشتن میبرد بی شبهه باز گردیده
دستهایشرا با سرود خواهد بر داشت

زبور صد وبیست وهفتم

سرود مراتب از برای سلیمان

۱ اگر خداوند خانهرا معمور نسازد معمارانش زحمت
۲ بیفایده خواهند کشید * خداوند اگر شهررا نگاه ندارد
۳ بیداری پاسبان عبث خواهد بود * شمارا سحر خیزی
وشب نشینی واز نان درد خوردن بیفایده است
۴ بدرستی که خوابرا بمحب خود عطا مینماید * اینک
خداوند ذریترا میراث میدهد وانعامش ثمر رحم
۵ است * فرزندان در جوانی چنان میباشند که تیرها

۶ در دست نیرومندان *خوشا حال آنکسی که ترکش خودرا از ایشان مملو سازد در هنگامی که بدشمنان خودشان در درِ دروازه تکلم نمایند شرمندگی نخواهند برد

زبور صد وبیست وهشتم سرود مراتب

۱ خوشا حال هر کسی که از خداوند میترسد ودر راههایش
۲ رفتار مینماید* زیراکه ازکدّ دستهای خود تناول خواهی
۳ نمود خوشا حال تو که بتو نکوئی خواهد رسید *زن تو مانند تاک بارور در اطراف خانهٔ تو وبچّهای تو مثل نهالهای درخت زیتون درگرداگرد سفرهٔ تو
۴ خواهند بود *اینک کسی که از خداوند میترسد بهمان
۵ طریق برکت خواهد یافت *خداوند ترا از صیهون برکت خواهد داد واورشلیم را در تمامی روزهای عمر خود
۶ به نیکوئی خواهی دید *ونوادههای خودرا نظر خواهی نمود بر (بنی) اسرائیل سلامت باد

سر بریش هرون فرو ریخته وز ریشش جاری شدّ

۲ بدامن لباسهایش رسید * ومشابهت دارد نم حرمون را

ونمی که بر کوههای صیهون میچکد زیراکه در آنجا

خداوند برکت زندگانی را تا باید الاباد مقرر فرموده

است

زبور صد وسي وچهارم سرود مراتب

۱ اینک ای تمامی بندگان خداوندی که در شبها بخانهٔ

۲ خداوند قیام مینمائید خداوندرا شکر نمائید * دستهای

خودرا بمقدس بلند کنید وخداوندرا شکر نمائید

۳ * خداوندی که آسمانها وزمین را آفریده است از صیهون

برکت بتو بدهد

زبور صد وسي وپنجم

۱ ای بندگان خداوند خداوندرا حمد نمائید واسم خداوندرا

۲ تمجید نمائید بلکه حمد نمائید * ای کسانی که در خانهٔ

خداوند ودر بارگاههای خانهٔ خدای ما ایستاده میباشید

۳ * خداوندرا حمد نمائید زیراکه خداوند نیکوست

۴ واسمش را بسرائید زیراکه دلاویز است * بدرستی که
خداوند یعقوب را برای خود و (بنی) اسرائیل را
۵ برای خصوصیّت خود برگزیده است * ویقین
میدانم که خداوند عظیم است وپروردگار ما بر تمامی
۶ خدایان مافوق است * خداوند هر چه خواست همان را
در آسمانها ودر زمین ودر دریاها ودر تمامی عمیقها
۷ بعمل آورده است * بخارات را از اقطار زمین
متصاعد میگرداند از جهت باران برقها را می افروزد
۸ وبادرا از خزاین خود روان مینماید * او نخست
مولودهای مصر را از انسان تا بدواب هلاک نمود
۹ * آیات ومعجزات را در وسط تو ای مصر بفرعون
۱۰ وبتمامی خادمانش فرستاد * طوایف بسیار را هلاک کرد
۱۱ وپادشاهان نیرومندان را بقتل رسانید * (مثل) سیحون
پادشاه اموریان وعوج پادشاه باشن وتمامی (سلاطین)
۱۲ ممالک کنعان را * وزمین ایشانرا چون رسد بقوم خود
۱۳ (بنی) اسرائیل بارثیّت داد * ای خداوند اسم تو تا باید

۱۴ وای پروردگار ذکر تو پشت به پشت است * بدرستی
که خداوند قوم خودرا حکم خواهد کرد واز جهتم بندگان
۱۵ خود تغییر خواهد نمود * بتهای طوایف زر ونقره
۱۶ است وعمل دستهای انسان است * در آنها دهن
است امّا حرف نمیزنند ودر آنها چشمها است امّا
۱۷ نمی بینند * آنهارا گوشها ست امّا اصغا نمی نمایند
۱۸ ودر دهن ایشان نفس نیست * درست کنندگان
ایشان وهر کسی که بایشان متوکّل است مانند
۱۹ ایشان میباشند * ای نسل اسرائیل خداوندرا شکر
۲۰ نمائید وای خاندان هرون خداوندرا شکر نمائید * ای
خاندان لوی خداوندرا شکر نمائید وای تمامی خائفان
۲۱ خداوند خداوندرا شکر نمائید * خداوند که در اوشلیم
ساکن است از صیهون خجسته باد خداوندرا حمد
نمائید

زبور صد وسی وششم

۱ خداوندرا شکر نمائید زیراکه نیکوست بدرستی که

۲ رحمتش تا ابد است * خدای خدایان را شکر نمائید
۳ زیرا که رحمتش تا ابد است * خداوند خداوندان را
۴ شکر نمائید زیرا که رحمتش تا ابد است * آنکسی که
بمجرد عجایبات عظیم را بعمل می آورد زیرا که
۵ رحمتش تا ابد است * بآنکسی که آسمانهارا از حکمت
۶ آفریده است زیرا که رحمتش تا ابد است * بآنکسی
که زمین را بروی آبها گسترانید زیرا که رحمتش تا
۷ ابد است * بآنکسی که نیرهای بزرگ را آفرید زیرا
۸ که رحمتش تا ابد است * آفتاب را برای سلطانی
۹ روز زیرا که رحمتش تا ابد است * ماه وستارگان را
برای سلطانی شب زیرا که رحمتش تا ابد است
۱۰ * بآنکسی که اولاد نخستین اهل مصررا هلاک کرد
۱۱ زیرا که رحمتش تا ابد است * و(بنی) اسرائیل را
از میان ایشان بیرون آورد زیرا که رحمتش تا
۱۲ ابد است * از دست قوی وبازوی دراز کرده
۱۳ شده زیرا که رحمتش تا ابد است * بآن کسی که

بحر الاحمررا حصه نمود زیراکه رحمتش تا باید است
۱۴ *و(بنی) اسرائیل را از وسطش گذرانید زیراکه
۱۵ رحمتش تا باید است *وفرعون با لشکرش را در
بحر الاحمر فرو برد زیراکه رحمتش تا باید است
۱۶ *بآنکسی که قوم خودرا در تیه راهبری نمود زیراکه
۱۷ رحمتش تا باید است *بآنکسی که پادشاهان عظیم را
۱۸ هلاک کرد زیراکه رحمتش تا باید است *وپادشاهان
نیرومندان را بقتل رسانید زیراکه رحمتش تا باید
۱۹ است *(مانند) سیحون پادشاه اموریان را زیراکه
۲۰ رحمتش تا باید است *و(مانند) عوج پادشاه باشن را
۲۱ زیراکه رحمتش تا باید است *وزمین ایشان را چون
۲۲ ارثیت داد زیراکه رحمتش تا باید است *(یعنی)
ارثیت برای بندگان خود (بنی) اسرائیل زیراکه
۲۳ رحمتش تا باید است *ومارا در زیر دست بودن
۲۴ ما بخاطر آورد زیراکه رحمتش تا باید است *ومارا از
اعدای ما مستخلص کرد زیراکه رحمتش تا باید

۲۵ است *وروزی را بتمامی بشر عطا میفرماید زیراکه
۲۶ رحمتش تا بابد است *خدای آسمانهارا شکر بنمائید
زیراکه رحمتش تا بابد است

زبور صد وسی وهفتم

۱ بر کنار رودخانهای بابل نشستیم هر وقتی که صیهون را
۲ بخاطر آوردیم گریه نمودیم* در وسطش بربطهای خودرا
۳ بر بیدها آویختیم *زیراکه آنجا اسیرکنندگان ما
سرودهارا وخراب کنندگان ما از ما مسروری را سوال
۴ نمودند که برای ما سرود صیهون بسرائید *چگونه
۵ سرود خداوندرا در زمین بیگانه خواهیم سرائید *ای
اورشلیم اگر ترا فراموش کنم دست راست من مرا
۶ فراموش بکند *اگر ترا بخاطر نیاورم وای اورشلیم
اگر (ترا) بر فوق شادمانی خود بلند ننمایم زبان من
۷ بدماغ من بچسپد *ای خداوند بنی ادوم را بخاطر آر
که در روز (بلاء) اورشلیم گفتند که پایمال نمائید اورا

۸ حتی بنیانش را پایمال نمائید* ای دختر بابل مخروب
خواهی شد خوشا حال آنکسی که مکافات نماید بتو در
۹ عوض آنچیزهائی که بما کرده* خوشا حال آنکسی که
اطفال ترا بر داشته بر سنگ بکوبد

زبور صد وسی وهشتم از آن داود

۱ (ای خداوند) بتمامی دل خود ترا شکر خواهم نمود
۲ ودر حضور فرشتگان ترا خواهم سرائید *بسوی هیکل
قدس تو سجده خواهم کرد وبسبب رحمت تو وبعلت
حقیقت تو اسم ترا شکر خواهم نمود زیراکه (بموافق)
۳ کلام خود اسم خودرا مافوق همه عظیم گردانیدی *در
روزی که ترا خواندم استجابت بمن فرمودی واز
۴ قوت جان مرا مقوی نمودی *ای خداوند تمامی
پادشاهان زمین هنگامی که کلامهای دهن ترا بشنوند
۵ ترا شکر خواهند نمود *ودر طریقهای خداوند خواهند سرائید
۶ زیراکه جلال خداوند عظیم است *اگر چه خداوند

بلند است لکن افتاده‌را مینگرد ومتکبّررا از دور
۷ نظر میکند * هر آئینه در میان تنگدستی روان شوم
مرا فوق غضب دشمنان من زنده نگاه خواهی داشت
ودست خودرا دراز خواهی کرد ودست راست تو
۸ بمن نجات خواهد داد * خداوند بکار من خواهد
پرداخت ای خداوند رحمت تو تا ابد است وکار
دست خودرا ترک نخواهی کرد

زبور صد وسی ونهم سالار مغنّیان مزمور داود

۲ ای خداوند تفتیش کردهٔ ومرا شناختهٔ * نشستن مرا
وبر خواستن مرا می یابی واندیشهٔ مرا از دور ادراک
۳ مینمائی * وراه مرا وخوابیدن مرا تجسّس میکنی وتمامی
۴ طریقهای مرا واقف میباشی * ای خداوند در زمانی
۵ که کلمه را بزبان نیاورم آنگاه همهٔ آنهارا میدانی * پس
۶ وپیش مرا دائره بستی ودید خودرا بر من نهادی * واین
علم برای من عجیب است ومافوق است وآنرا

۷ نمیتوانم فهمید * از روح تو کجا خواهم رفت واز روی
۸ تو کجا خواهم گریخت * اگر بآسمانها صعود نمایم آنجا
۹ توئی واگر بجهنم فرو بروم آنگاه توئی * اگر بالهای فجر را
۱۰ بگیرم واگر در آخر دریا نشینم * در آنجا نیز دست
تو مرا راهبری خواهد نمود و همین تو مرا خواهد گرفت
۱۱ * اگر بگویم که بی شبهه تاریکی مرا پنهان خواهد کرد
۱۲ پس شب در گرد اگردم من روشن خواهد شد * وتاریکی
بجهت تو تاریک نیست وشب مانند روز درخشان
۱۳ است ظلمت ونور (برای تو) یکی است * بدرستی که
تو قلبهای مرا متصرف بودی ودر رحم مادرم مرا مستور
۱۴ نمودی * ترا شکر خواهم نمود زآنرو که مرا با هیبت وعجیبانه
آفریدی وجان من نیکو میداند که اعمال تو عجیبست
۱۵ * هنگامی که در پنهانی آفریده شدم ودر اسفلهای زمین
مانند نقش درست کرده شدم ذات من از تو نهان
۱۶ نبود * چشمهای تو علقهٔ مرا دیدند وتمامی عضوهایم در
روزهای مصور شدن ایشان در دفتر تو نوشته شدند

۱۷ ویکی از اینهارا (ندیدند) * ای خدا اندیشهای تو از جهت من چه گرانبهاست وبابهای ایشان چه بسیار است
۱۸ * میخواهم ایشان را شارم از ریگ زیاده تر میباشند ومن
۱۹ بیدار گردیدم هنوز با تو ام * ای خدا شریررا بی شبهه بقتل خواهی رسانید پس ای مردمان خونریز از من دور شوید
۲۰ * زیرا که شریرانه در ضد تو حرف میزنند واعدای
۲۱ تو خودرا باطلانه بلند مینمایند * خداوندا آیا مبغضان ترا بغض نمی نمایم واز آنکسانی که در ضد تو مقاومت
۲۲ مینمایند متنفر نمیباشم * ایشان را بالکلیه بغض مینمایم
۲۳ (بلکه) ایشان را دشمنان خود میدانم * ای خدا مرا تفتیش کن ودل من عارف باش ومرا امتحان کن
۲۴ واندیشهای مرا بدان * واگر طریقهٔ شریر در من باشد بنگر ومرا در راه جاودانی راهبری بفرما

زبور صد وچهلم سالار مغنیان مزمور داود

۱ ای خداوند مرا از مرد شریر مستخلص کن واز اهل

۲ فساد مرا نگاهدار * ایشان بدیهارا از دل تدبیر
۳ مینمایند وهر روز فتنهها می انگیزند * زبان خودشانرا
مانند مار تیز مینمایند وزهر افعی زیر لبهای ایشان
۴ است سله * ای خداوند مرا از دستهای شریر نگاهدار
واز مرد مفسد مرا محافظت بفرما زیراکه ارادهٔ منهدم
۵ گردانیدن قدمهای من نمودند * متکبّران دام را برای
من پنهان کردند وریسمانهارا گسترانیدند وصیّادان
۶ تلهرا از جهت من درکنار راه نهادند سله * خداوندرا
گفتم که خدای من توئی ای خداوند آواز تضرّعهای مرا
۷ اصغا کن * ای خداوند وپروردگار وقوت منجی من
۸ سر مرا در روز جنگ پوشانیدی * ای خداوند خواهشهای
شریررا عطا مفرما وتدبیرش را بجا میاور مباداکه ارتفاع
۹ نمایند سله * بدی لبهای سرداران احاطه کنندگان
۱۰ من خود ایشانرا بپوشاند * واخگر بر ایشان بیفتند
ودر آتش انداخته شوند (بلکه) در عمیقهائی که بر
۱۱ نخیزند * مرد بدگو پایداری در زمین نیابد وبلا اهل

۱۲ فسادرا تا بمکان هلاک صید خواهد کرد * میدانم که خداوند داوری مفلوک وحکم مسکینان را بجا خواهد آورد
۱۳ * یقین که صدیقان اسم ترا شکر خواهند نمود وراستان در حضور تو ساکن خواهند شد

زبور صد وچهل ویکم مزمور داود

۱ ای خداوند ترا خواندم از جهت من شتاب کن
۲ وهنگامی که ترا میخوانم آواز مرا اصغا کن * دعای من مانند بخور بلند نمودن دستهای من مثل قربانی
۳ شام در حضور تو آراسته شود * بر دهن من پاسبان
۴ بدار ودر لبهای مرا نگاهدار * دل مرا بکار بد وبورزیدن کوششهای شریرانه با مردمان فساد کننده راغب مگردان مبادا که از لذیذهای ایشان بخورم
۵ * صدیق مرا بکوبد لطف (بر من است) ومرا تنبیه نماید روغن عزیز (من است) سر مرا مجروح نخواهد نمود بدرستی که در هنگام بلاهای ایشان تا بحال در

۶ دعا میباشم * چون حاکمان ایشان در سنگلاخ افتاده باشند آنگاه کلامهای مرا استماع خواهند نمود زیرا که
۷ شیرینند * استخوانهای ما مثل تراشهٔ (چوبی) که کسی در زمین شکافته وتراشیده است بسر قبر پراگنده
۸ میشوند * زیرا که ای خداوند وپروردگار چشمهای من بسوی تست وبتو متوکلم جان مرا مجرد وا
۹ مگذار * مرا از قیدهای آن دامی که از برای من نهادند
۱۰ واز تله های فساد کنندگان نگاهدار * اشرار در دامهای خود بیفتند تا من در آنزمان عبور نمایم

زبور صد وچهل ودوم

تعلیم داود هنگامی که در مغاره بود ودعا نمود

۱ خداوندرا باآواز خود خواندم وباآواز خود خداوندرا تضرع
۲ نمودم * اندیشهٔ خودرا در حضورش خواهم ریخت
۳ ودر حضورش تنگدستی خودرا آشکار خواهم نمود * هنگامی که روح من در اندرون من مضطرب شد (خداوندا) طریق مرا دانستی اینک دامرا در راهی که عبور من

۴ میباشد از جهت من نهاوند *بدست راست نگریستم ودیدم امّا بمن آشنائی دهندهٔ نبود پناه از من دور شد ومتجسس (نیکوئی) جان من پدید

۵ نیامد * ایخداوند بتو فریاد نمودم وگفتم که امید من وحصهٔ

۶ من در زمین زندگان توئی *بفریاد من متوجه باش زیرا که بسیار کاهیده ام ومرا از تعدّی کنندگان من مستخلص کن بدرستی که از من زور آورتر میباشند

۷ *جان مرا برای شکر نمودن اسم خود از زندان بیرون بیار ودر هنگامی که بمن احسان خواهی فرمود صدّیقان مرا احاطه خواهند نمود

زبور صد وچهل وسیم مزمور داود

۱ ای خداوند دعای مرا استماع بفرما وتضرّعهای مرا اصغا کن ودر وفاداری خود وصداقت خود مرا استجابت نما

۲ *وبندهٔ خودرا بمحاکمهٔ در میاور زیرا که در حضور

۳ تو هر زندهٔ عادل شمرده نخواهد شد *بدرستی که

دشمن جان مرا تعدّی نموده است وحیات مرا بر
زمین زده است ومرا در تاریکی مانند آنکسانی که از
۴ قدیم مرده شده اند ساکن گردانیده است * روح من
در اندرون من مضطرب گردیده است ودل من
۵ در وسط من ویران میشود * ایّام قدیم را بخاطر آوردم
همهٔ عمل ترا اندیشه کردم وبکار دستهای تو متفکّر
۶ گشتم * دستهای خودرا بسوی تو بلند نمودم وجان
من مثل زمین خشک برای تو تشنه میباشد سله
۷ * ای خداوند بزودی مرا استجابت بفرما که روح من
بآخر رسیده است روی خودرا از من مستور مکن
که مبادا شبیه گردم بآنکسانی که بچاه فرو میروند
۸ * در صبحدم مرا سامع رحمت خود بگردان زیرا که
بتو متوکّلم ومرا براه عبور من عارف کن زیرا که
۹ جان خودرا بسوی تو بلند می نمایم * ای خداوند مرا از
دشمنان من مستخلص کن ومرا نزد خود مستور نما
۱۰ * بعمل نمودن خواهش خود مرا تعلیم بده زیرا که

خدای من توئی روح تو نیکوست ومرا بزمین راستی
۱۱ رهبری مینماید * ای خداوند بسبب اسم خود مرا زنده
بگردان وبعلت صداقت خود جان مرا از تنگدستی
۱۲ بیرون آر * ورحمت خودرا از دشمنان من منقطع
کن وتمامی اعدای جان مرا هلاک نما زیرا که بندهٔ
تو منم

زبور صد وچهل وچهارم از آن داود

۱ خجسته باد خداوندی که قوت من است دستهای
مرا برای حرب وانگشتهای مرا برای جنگ تعلیم
۲ میدهد * رحم کنندهٔ من وقلعهٔ من وبرج من ورهانندهٔ
من وسپر من است وباو متوکلم واو قوم مرا در تحت
۳ من فرود می آورد * ای خداوند چه (وجود دارند) انسان
که اورا تلطف مینمائی وبنی آدم که اورا (بندهٔ خود)
۴ میشماری * انسان شبیه بچیز باطل است وروزهایش
۵ مانند سایه عبور مینمایند * ای خداوند آسمانهای خودرا
خم کن ونازل باش وکوهها را لمس نما که دود خواهند

۶ گرد * برق را درخشان بگردان وایشان را پراگنده کن
وتیرهای خودرا روان ساز وایشان را پریشان نما
۷ * ودست خودرا از بالا بفرست ومرا از آبهای بسیار
(بل) از دست فرزندان بیگانه برهان ومرا مستخلص
۸ کن * زیراکه دهن ایشان دروغ میگوید و.همین
۹ ایشان ..همین فریبنده است * ای خدا سرود تازه را
بتو خواهم سرائید وبر نبل ده ریسمانی ترا تمجید خواهم
۱۰ کرد * اوست که رستگاری بپادشاهان میدهد وبنده
۱۱ خود داودرا از شمشیر مفسد میرهاند * مرا برهان
ومستخلص کن مرا از دست فرزندان بیگانه که دهن
ایشان دروغ میگوید و.همین ایشان ..همین فریبنده
۱۲ است * تا آنکه فرزندان ماها در جوانی خودشان مانند
نهال ها بزرگ گشته دختران ما مثل سرزاویه که مانند
۱۳ قصر عالی جلاء داده شده است (نشو ونما نمایند) * وانبارهای
ما پر شده انواع روزی را ببخشند ودواب ما در
۱۴ صحراهای ما هزاران وده هزاران بزایند * وگاوان ما بار

بروار شوند نه تاراج ونه اخراج شده در کوچهای ما

۱۵ هنگامه نشود *خوشا حال آنقومی که باینها متمثلند
وخوشا حال آن قومی که خدای ایشان خداوند است

زبور صد وچهل وپنجم زبور حمد داود

۱ ای خدای من وای پادشاه (من) ترا وصف بلند
۲ خواهم کرد واسم ترا تا باید الاباد شکر خواهم نمود *وهر
روز شکر ترا بجا آورده اسم ترا تا باید الاباد حمد خواهم
۳ کرد * خداوند بزرگ وبسیار لایق حمد است
۴ وجستجوی بزرگی او نمودن ممکن نیست *اعمال
. ترا پشت به پشت تمجید خواهم کرد وکبریائیهای
۵ ترا آشکار خواهم نمود *بعزت جلال عظمت تو وبکارهای
۶ مهیب تو متفکر خواهم بود *قوت اعمال مهیب ترا
۷ تکلم خواهند نمود وبزرگی ترا آشکار خواهم کرد *ذکر
وفور نیکوئی ترا جاری خواهند گردانید وصداقت ترا
۸ تمجید خواهند کرد *خداوند کریم ورحیم ودیر غضب

۹ وکثیر الرحمة است * خداوند بر تمامی (مخلوقاتش) نیکوست ورحمتهایش بر تمامی اعمالش مافوق است
۱۰ * ای خداوند تمامی اعمال تو ترا اقرار خواهند کرد
۱۱ ومقدسان تو ترا شکر خواهند نمود * بجلال مملکت
۱۲ تو گفتگو خواهند نمود وبکبریائی تو سخن خواهند راند * تا آنکه فرزندان انسان را بکبریائیهایش وبجلال عظمت
۱۳ ملکوتش عارف بگردانند * ملکوت تو ملکوت
۱۴ ابدیست وتسلط تو کلا پشت بپشت است * خداوند تمامی افتادگان را یاری مینماید وتمامی خم گشتگان را بر
۱۵ میخیزاند * چشمهای همگی بتو مینگرند وتو روزی
۱۶ ایشان را بایشان در زمانش عطا میفرمائی * دست خودرا میگشائی وخواهش هر زنده را تا بسیری عطا
۱۷ مینمائی * خداوند در تمامی طریقهای خود صدیق ودر
۱۸ تمامی اعمال خود مقدسست * خداوند بتمامی خوانندگان خود وبتمامی آنکسانی که اورا براستی میخوانند قریبست
۱۹ * خواهش خائفانش بجا خواهد آورد وفریاد ایشان را

۲۰ خواهد شنید وبایشان نجات خواهد داد *خداوند تمامی
محبان خودرا نگاه میدارد وتمامی اشراررا قطع نسل خواهد
۲۱ نمود *دهن من حمد خداوندرا تکلم خواهد نمود وتمامی
بشر اسم قدسش را شکر نمایند تا باید الاباد

زبور صد وچهل وششم

۱ خداوندرا حمد نمائید وای جان من خداوندرا حمد بنما
۲ *خداوندرا تا بقای حیات خود حمد خواهم نمود وخدای
۳ خودرا تا باخر نفس خواهم سرائید *بامیران وبنی آدمی
۴ که از او یاری نمی آید متوکل مباشید *روحش
بیرون میرود وبخاک خود بر میگردد وهمان روز
۵ تدبیراتش تباه میشوند *خوشا حال آنکسی که خدای
یعقوب یار اوست وامیدش از خداوند وخدای خود
۶ میباشد *او آسمانها وزمین ودریا وهر آنچه در ایشان
۷ است آفرید وحقیقت را تا باید نگاه میدارد *او حکم را
برای ستمدیدگان بعمل می آورد ونان را بگرسنگان

۸ عطا میفرماید وخداوند اسیران را رها میکند * خداوند
چشمهای نا بینایان را می کشاید وخداوند خم گشتگان را
بر میخیزاند وخداوند صدیقان را دوست میدارد
۹ * خداوند بیگانگان را نگاه میدارد ویتیم وبیوه را بلند
۱۰ مینماید وراه اشرار را بر میگرداند * خداوند تا ابد وخدای
تو ای صیهون پشت به پشت پادشاهی مینماید
خداوند را بسرائید

زبور صد وچهل وهفتم

۱ خداوند را حمد نمائید زیراکه تسبیح بخدای ما نیکوست
۲ وپرستی که حمدش دلاویز وخوشنماست * خداوند
اورشلیم را معمور میسازد وپراگندگان اسرائیل را فراهم
۳ می آورد * دل شکستگان را شفا می بخشد وجراحتهای
۴ ایشان را می بندد * عدد ستارگان را میشمارد وتمامی
۵ ایشان را باسمها میخواند * خداوند ما عظیم وپر زور
۶ است ودراکهٔ او بی احصاست * خداوند افتادگان را
۷ بر میخیزاند واشرار را بخاک می اندازد * خداوند را

۷ بشکر گذاری سرائید وخدای مارا بر بربط تمجید بکنید
۸ *او آسمانهارا با برها مستور میکند وباران را برای
۹ زمین مهیا میسازد وگیاه را بر کوهها میرویاند *رزق را
بدواب وبچگان زاغ در زمان فریاد نمودن بایشان
۱۰ میرساند *بقوت اسپ خوشنودی نمی نماید واز
۱۱ ساق انسان راضی نیست *(اما) خداوند از خائفانش
واز آنکسانی که بر رحمتش امیدوارند خوش میباشد
۱۲ *ای اورشلیم خداوندرا بنواز وای صیهون خدای خودرا
۱۳ حمد بنما *زیرا که قفلهای دروازهای ترا مقوی ساخته
است وفرزندان ترا در اندرون تو برکت عطا
۱۴ فرموده است *حدود ترا سالم گردانیده ترا از
۱۵ بهترین گندم مملو می سازد *امر خودرا بر زمین
۱۶ روان مینماید وفرمانش بزودی روان میشود *برف را
مانند پشم میریزاند وژاله را مثل خاکستر می گستراند
۱۷ *ویخ خودرا مانند قطعها میفرستد کیست که تواند
۱۸ در حضور سرمایش ایستاد *فرمان خودرا روان می

نماید وایشان را میگدازاند وباد خودرا میوزاند وآبها جاری
۱۹ میگردند *کلام خودرا بیعقوب وحقوق خود واحکام
۲۰ خودرا باسرائیل آشکار کرده است * بهر طایفه چنین
نپرداخته است وایشان خود احکام را ندانسته اند
خداوندرا حمد بنمائید

زبور صد وچهل وهشتم

۱ خداوندرا حمد نمائید وخداوندرا در آسمانها حمد نمائید
۲ واورا در بلندیها حمد نمائید *ای تمامی ملایکش
اورا حمد نمائید وای تمامی لشکرهایش اورا حمد
۳ نمائید *ای آفتاب وماه اورا حمد نمائید وای تمامی
۴ ستارگان نورانی اورا حمد نمائید *ای اسمان آسمانها
وای آبهائی که مافوق آسمانها اید اورا حمد نمائید
۵ *اسم خداوندرا حمد نمائید زیرا که مقرر فرموده
۶ است وآفریده گشتند *وایشان را تا باید الاباد قیوم
گردانیده است وحکم بقیام فرموده است زایل
۷ نخواهد گردید *ای (مخلوقات) زمین وای نهنگان

۸ وای تمامی عمیقها خداوندرا حمد نمائید * ای آتش
وتگرگ وبرف و بخار وای باد شدیدی که حکمش را
۹ بجا می آوری * ای کوهها وتمامی تلها وای درخت میوه
۱۰ دار وتمامی سرو آزادها * ای وحشیان وتمامی دواب ای
۱۱ جنبندگان وطیور اجنحه * ای پادشاهان زمین وتمامی
۱۲ امم ای امیران وتمامی حاکمان زمین * ای جوانان
۱۳ ودختران ای پیران وطفلان * اسم خداوندرا حمد
نمائید زیرا که بمجرد اسم او بلند است وعظمتش
۱۴ مافوق زمین وآسمانها است * وشاخ قوم خودرا وحمد
تمامی مقدسانش (یعنی) بنی اسرائیل راکه قوم قریب
اوست بلند مینماید خداوندرا حمد نمائید

زبور صد وچهل ونهم

۱ خداوندرا حمد نمائید سرود تازه‌را بخداوند وحمدش در
۲ جماعت مقدسان بسرائید * (بنی) اسرائیل از
آفریننده‌ٔ خودشان خوشنود باشند وفرزندان صیهون در

۳ پادشاه خودشان وجد نمایند * اسم اورا بسرنا حمد نمائید
۴ واورا بطبل وبربط تمجید کنید * زیراکه خداوند ازقوم
خود خوشنود است وافتادگان را بنجات خود مزین
۵ خواهد کرد * مقدسان در جلال وجد نمایند وبر بسترهای
۶ خودشان بسرایند * در دهن ایشان اوصاف خدا ودر
۷ دست ایشان شمشیر دو دم باشد * تا انتقام از
۸ طوایف بکشند وبر امم تنبیه نمایند * وپادشاهان
ایشان را بزنجیرها وامیرهای ایشان را بقیدهای آهنین
۹ ببندند * وحکم نوشته شده را بر ایشان عمل آورند
این فخر ازبرای تمامی مقدسان او میباشد خداوند را
حمد نمائید

زبور صد وپنجاهم

۱ خداوند را حمد نمائید خدا را در مقدس خود حمد نمائید
۲ ودر سپهر قوتش اورا حمد نمائید * اورا بسبب
کبریائیهایش حمد نمائید وبموافق کثرت عظمتش
۳ اورا حمد نمائید * اورا بآواز کرنا حمد نمائید واورا به نبل

۴ وبربط حمد نمائید * اورا بطبل وسرنا حمد نمائید واورا
۵ بسازهای ریسمانی وارغنون حمد نمائید * اورا بزنگولهای
مسموع حمد نمائید (بل) بزنگولهای ظفر حمد نمائید
۶ *وهر متنفسی خداوندرا حمد نماید خداوندرا حمد نمائید

تمام شد کتاب زبور داود که مشتمل است
بحمدهای خداوند اعظم واحد که
از زبان عبرانی بزبان
فارسی ترجمه نموده
شده است

چون انکسار وانقلاب بعضي آلات الطبع در جاي چندسـ
روي داده بباید که قاري آنهارا اینچنین تصحیح کند

زبور	فقره	اصلاح
۱۰	۸	بمسکین
۱۶	۶	پسندیده
۱۷	۷	اظهار
۱۷	۹	ظالمانیکه
۲۶	۴	نمی نشینم
۳۰	۴	بسرامید
۳۴	۸	ببینید
۳۷	۱۶	البضاعه
۴۰	۴	میروند
۴۴	۴	بفرما
۴۴	۱۰	غارت
۴۴	۱۸	منحرف
۴۵	۴	حکم
۴۵	۹	معزز
۴۷	۳	عظیم
۵۵	۸	شتابان
۵۸	۴	زهر
۵۸	۵	مسخر
۶۸	۱۶	خدا
۶۹	۲۹	مرفوع
۷۷	۱۶	بتلاطم
۷۸	۵۲	مانند
۷۸	۵۷	منحرف
۸۰	۱۲	میربایند
۸۱	۱	اندرون
۸۸	۹	ضعیف
۸۹	۴	بپشت
۹۱	۱۶	مملو خواهم ساخت
۹۵	۱۰	دریغم
۹۷	۳	حضورش
۱۰۴	۱۲	سرایند

Persian
Psalter